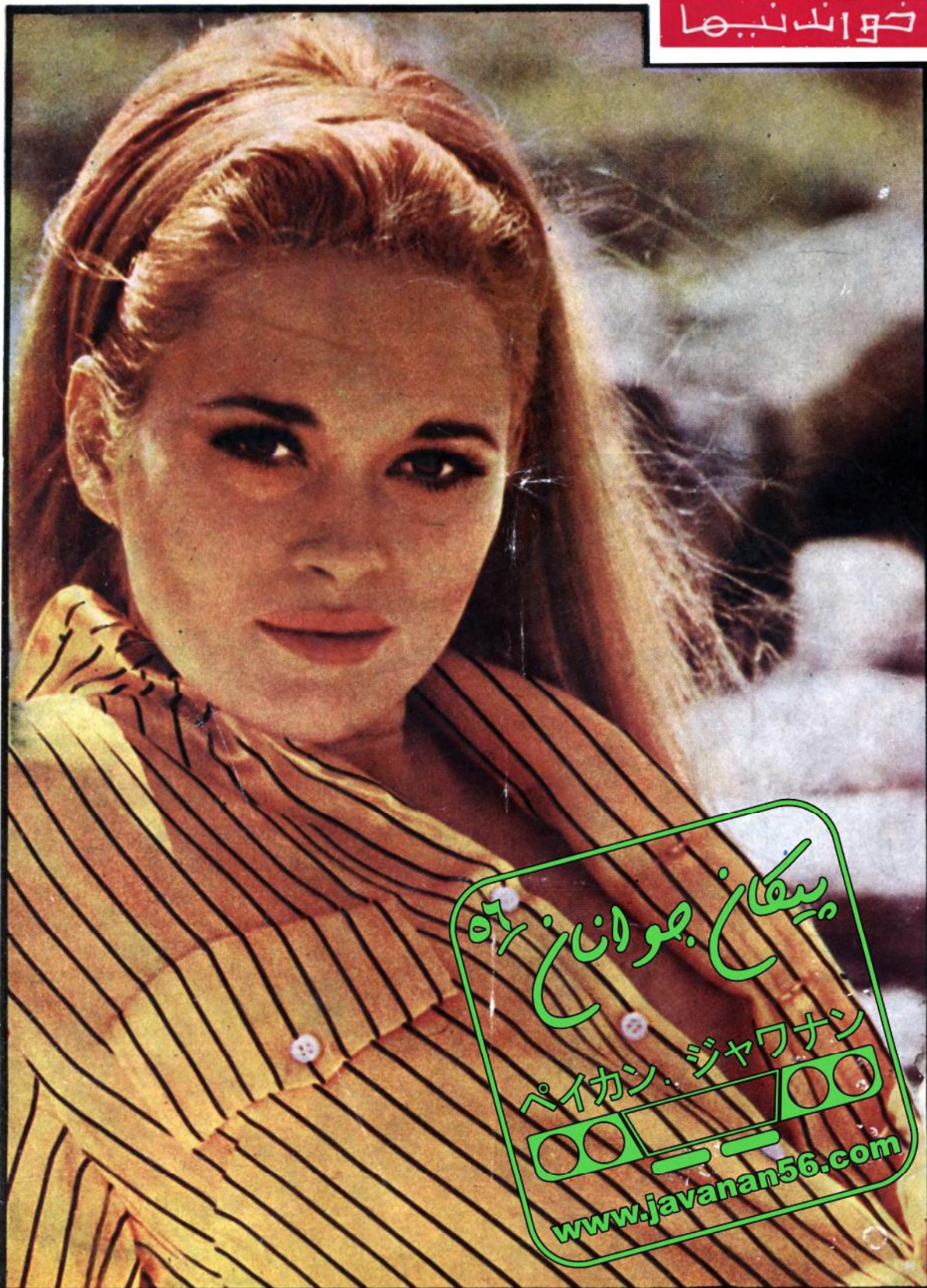




خواندنیها



پیکان جوانان ۵۶

ペイカン・ジャワナン

www.javanan56.com

ایران و جهان در سه روز گذشته



و عدم شرکت آن در سرمایه گذاری و کارهای عمرانی و اجتماعی انتقاد کرد و گفت: حرکت بخش خصوصی در این منطقه هماهنگ انقلاب نیست.

● آقای هویدا عصر شنبه در سیزدهمین نطق انتخاباتی خود در رضائیه به مخالفان سیاست دولت در مورد زمین و مسکن پاسخ داد و گفت: ممکن است برای کسانی که در بورس زمین سهم و نفی دارند سیاست جدید دولت صحیح نباشد ولی مسلماً برای مردمی که خانه و مسکن ندارند و باید صاحب‌خانه شوند سیاست دولت، سیاست درست‌است و براساس منافع ملی استوار می‌باشد.

● آقای حسن زاهدی وزیر کشور روز شنبه سیاست انتخاباتی دولت و وزارت کشور را برای خبرنگاران تشریح کرد و گفت نهایت کوشش وزارت کشور بر این است که انتخابات بطریقی صحیح و در محیطی سالم و آزاد انجام شود. بهمین منظور به‌امورین دولت در سراسر کشور تاکید شده است که بهیچوجه حق دخالت در امر

عامل بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران نیز حضور داشتند.

● روز شنبه اعلام شد که به امر شاهنشاه آریامهر سه مدرسه یادبود از مدارس یادبودی که به مناسبت جشن هفای ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی ایران در سراسر کشور بنا میشود بنام سه فضانورد شوروی که اخیراً به شهادت رسیدند نامگذاری خواهد شد. فضانوردان شهید روسی گئورگی دابروولسکی، ولادیسلاو ولکف، ویکتور پاتسایف نام داشتند. ● آقای هویدا نخست وزیر و رئیس دفتر سیاسی و هیئت اجرایی حزب ایران نوین عصر جمعه در نهمین روز از مسافرت انتخاباتی خود به شهرستانها، از بخش خصوصی همدان

● شاهنشاه آریامهر روز شنبه در شرفیابی نمایندگان اطاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران از سراسر کشور، سیاست خرید و فروش زمین و راکد گذاشتن سرمایه‌ها را مورد انتقاد قرار دادند و لزوم ایجاد مسکن برای کارگران کشور را به بازرگانان و صاحبان صنایع تاکید فرمودند.

● پیش از ظهر روز شنبه آقای «لورنس فوریکر» رئیس مدرسه مدیریت هاروارد در کاخ سعدآباد به پیشگاه شاهنشاه آریامهر شرفیاب شد. در این شرفیابی والا حضرت شاهپور عبدالرضا پهلوی و آقای خردجو مدیر



شرفیابی هیئت نمایندگان اطاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران

انتخابات را ندارند و فقط باید بانجام صحیح آن نظارت کنند .

● آقای شیخ ابراهیم العنقری وزیر اطلاعات عربستان سعودی نیمه شب جمعه برای يك دیدار چهار روزه از ایران ، بدعوت آقای سام وزیر اطلاعات ، وارد تهران شد .

ایران و عربستان سعودی دوسال پیش موافقتنامه ای برای همکاری در زمینه های رادیویی ، تلویزیونی و مطبوعاتی و همچنین مبادله اطلاعات امضاء کردند . سفر آقای عنقری به منظور ارزیابی این همکاریها و توسعه آن صورت میگیرد .

● در نخستین میتینگ انتخاباتی حزب مردم که در آخرین روز هفته گذشته در شاهی برپا شد ، آقای علینقی کنی دبیرکل حزب مردم طی نطقی سیاست دولت در باره خانه سازی و تامین مسکن برای مردم و همچنین عدم اجرای اصل انقلاب اداری را مورد انتقاد قرار داد و مدعی شد که دولت در زمینه انقلاب اداری با عدم موفقیت روبرو شده است .

● بدعوت وزارت اطلاعات بامداد روز پنجشنبه هیاتی از مدیران و سردبیران مطبوعات و نمایندگان رادیو و تلویزیون ایران ، برای دیدن نتایج اقداماتی که تاکنون در برگزاری جشن های شاهنشاهی صورت گرفته و نیز گفتگویی با مسئولان امر در باره کیفیت برگزاری جشن ها به شیراز رفتند و بعدازظهر به تهران مراجعت کردند .

● يك اعلامیه مشترك درزمینه همکاریهای بهداشتی ایران و جمهوری عربی متحده به امضاءوزیران بهداشتی دو کشور رسید . در این اعلامیه با توجه به اهمیت بهداشت ، لزوم ارتباط بین دو کشور از طریق مبادله شخصیت های بهداشتی در زمینه های بهداشت عمومی ، طب داخلی و آزمایشگاهی و صنایع و نظارت دارویی توصیه شده است .

وداع با سه سرنشین فقید «سایوز - ۱۱» شرکت کردند . در پایان مراسم تشییع جنازه نظامی که با حضور ۵۰۰ هزار تن از مردم مسکو ، خانواده های فضانوردان و رهبران شوروی درمیدان سرخ برگزار شد خاکستر سه فضانورد فقید «گئورگی دابروولسکی ، ولادیسلاو ولکف و ویکتورپاتسایف» در دیوار کرملین ب خاک سپرده شد .

● ویلیام راجرز وزیر خارجه آمریکا در يك مصاحبه از مطبوعات این کشور خواست که داوطلبانه از انتشار آن قسمت از اسناد محرمانه که به «امنیت ملی آمریکا» لطمه میزند ، خودداری کنند . وی گفت تصور کنید اگر يك روز اسناد محرمانه مربوط به اوضاع منطقه عربی خاورمیانه فاش شود ، چه زیان قابل ملاحظه ای خواهد داشت .

● هیکل سردبیر روزنامه مصری «الاهرام» نوشت که جمهوری عربی متحده ممکن است در روش خود نسبت به قطعنامه ۲۲ نوامبر ۱۹۶۷ شورای امنیت تجدید نظر کند .

هیکل ضمن بررسی نتایجی که از قبول این قطعنامه و طرح راجرز بوسیله مصر حاصل شده است ، می نویسد از این دو اقدام مصر نتیجه ای حاصل نشده و تلاشهای صلحجویانه در بن بست قرار گرفته است .

● يك روزنامه آلمانی گزارش داد که اخیرا بین مصر و شوروی يك قرارداد محرمانه بامضاء رسیده است که به موجب آن دو کشور در صورت

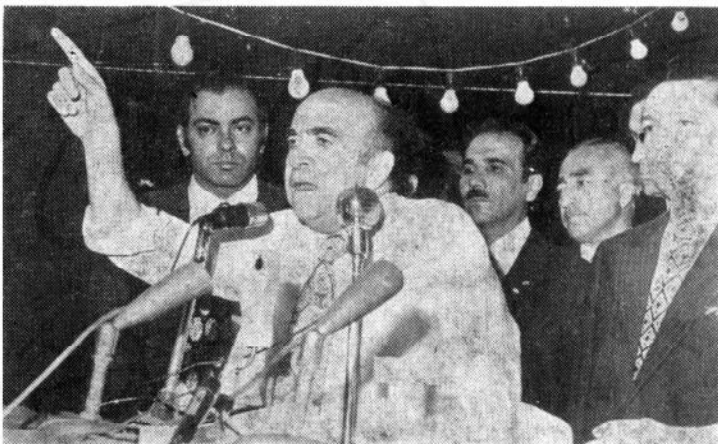
لزوم ستاد فرماندهی مشترکی بوجود خواهند آورد . روزنامه مینویسد که جزئیات این قرارداد بدست سازمان های اطلاعاتی غرب افتاده است .

● مقامات شوروی نگرانی خود را از اقدام رهبران چین کمونیست در زمینه برقراری رابطه با آمریکا و ژاپن ابراز داشتند و تاکید کردند که این تصمیم رهبران چین يك اقدام ضدشوروی است . پراودا در مقاله ای به مناسبت سالروز تاسیس حزب کمونیست چین نوشته بود که شوروی حاضر است با چین يك قرارداد مرزی امضاء کند .

● خانم «نگوین تی بین» وزیر خارجه دولت موقت انقلابی ویتنام جنوبی «ویت کنک» و رئیس هیئت نمایندگی آن در مذاکرات صلح پاریس ، پیشنهاد جدید صلح ویت کنک را اعلام کرد . براساس این پیشنهاد اسیران جنگی آمریکا همزمان با خروج کلیه سربازان آمریکائی از ویتنام آزاد خواهند شد . این طرح همچنین شامل پیشنهادی در باره تشکیل يك «دولت ملی مورد توافق همه» برای ویتنام جنوبی میباشد .

● کاخ سفید واشنگتن اعلام کرد با آنکه در پیشنهاد هفت ماده ای ویت کنک نکات مثبتی دیده میشود ، دولت آمریکا نمیتواند این پیشنهاد را بشکل کنونی آن بپذیرد .

● دولت ترکیه اعلام کرد که از سال ۱۹۷۲ بعد کشت خشخاش را به کلی ممنوع خواهد کرد .



آقای هویدا در میتینگ انتخاباتی همدان

● ملت شوروی و رهبران این کشور روز جمعه طی مراسمی باشکوه و آکنده از حزن و اندوه در آخرین

از خبرهای خاص و خصوصی مطبوعات

احزاب و انتخابات

با این که هنوز علت مشخصی برای این کار از طرف مقامات حزب مذکور بیان نشده است شایعات مختلفی منجمله توافق قبلی دو حزب بر سر این مسئله انتشار یافته است - برخی محافل معتقدند چون حزب مردم آمیدی بموفقیت خود در تهران نداشت از انتشار لیست کاندیداهای تهران خودداری کرده است.

«جوانمردان»

● حمله دبیرکل حزب مردم به سیاست دولت هویدا در مورد زمین در محافل نزدیک به حزب ایران نوین هیچ تعجبی برنیا نگیخته است . این محافل انتظار چنین حملاتی را پس از سخنرانی‌های نخست وزیر در مورد خاکبازی و زمین‌خواری داشتند.

خاصه که در حزب اقلیت زمین داران و مالکان و کسانی که از راه معاملات زمین ثروتهای بزرگ اندوخته‌اند کم نیستند.

«آیندگان»

● حزب مردم که در دوره کنونی ۳۲ نماینده در مجلس شورا دارد امیدوار است تعداد آنها را در دوره آینده حداقل به ۴۵ نفر برساند.

دربست درهای بسته گفته میشود که اختلاف دو حزب اکنون بر سر ۵۰ کرسی جدید شورا است و انتظار نپروود که بیش از ۱۰ کرسی از این تعداد نصیب حزب مردم شود.

«آیندگان»

زمین و مسکن

● اظهارات موکد نخست وزیر درباره مبارزه با گرانی زمین بازار معاملات زمین را کاملاً راکد ساخته

روابط خارجی

● روابط ایران و کویت که اخیراً روبسردی گرائیده بود با سفر قریب الوقوع وزیر خارجه کویت به تهران بهبود خواهد یافت.

دولت کویت اخیراً از روش و سیاست انگلستان در مورد خلیج فارس پیروی میکرد و در بعضی موارد در صدد تخطئه در مورد سیاست ایران برمیآمد . اما ظاهراً دولت کویت که خود را در این مورد تنها می بیند در صدد برآمده است که با اعزام وزیر خارجه خود به تهران روابط خود را با ایران بهبود بخشد . «روشنفکر»

● دولت انگلیس بدنبال کوشش سه ساله خود برای تشکیل فدراسیون شیوخ در خلیج فارس ، از دنبال کردن این طرح منصرف شده است . بریتانیا مایل بود که نه شیخ نشین به جای آن که هر کدام مستقل باشند اتحادیه ای تشکیل دهند . اما بحرین و قطر که دو شیخ نشین مهم خلیج فارس هستند تصمیم گرفتند استقلال خود را اعلام دارند.

گفته میشود اغلب امیرنشینان خلیج فارس متقاعد شده اند که ایران در مورد پس گرفتن جزایر خود با اعراب طرف نمیشد بلکه این دولت انگلیس است که استرداد جزایر سه گانه ایران را موکول به موافقت ایران با تشکیل فدراسیون شیوخ کرده بود . «مرد مبارز»

● از نکات جالب که در جریان فعالیت های انتخاباتی این دوره به چشم میخورد اینست که هر دو حزب اکثریت و اقلیت يك هدف دارند و آن شرکت مردم در انتخابات است.

مسئولان هر دو حزب فقط از مردم درخواست میکنند که در انتخابات شرکت کنند و بهر کسی که میخواهند رای بدهند و هدف از اجرای يك برنامه مشترک عادت دادن مردم بشرکت در انتخابات است و در مورد این موضوع خاص اکثریت و اقلیتی وجود ندارد.

● نکته قابل توجه دیگر این که اصولاً حزب مردم برخلاف حزب ایران نوین فعالیتی از خود نشان نمیدهد . چنانکه در این دوره بیش از ۱۲۰ کاندیدا معرفی نکرده و تازه آن عده از کاندیداها هم که میدانند موفق نخواهند شد بهراکز حوزه های انتخاباتی نرفته اند.

صرفنظر از این کاندیداهای حزب مردم در این دوره روش ملایم ودوستانه ای نسبت به دولت و حزب حاکم در پیش گرفته اند و در میان نامزدهای انتخاباتی آنها که میدانند در انتخابات موفق خواهند شد از کمترین انتقادی از دولت خودداری میکنند . «روشنفکر»

● عدم معرفی کاندیداهای حزبی از طرف حزب مردم در پایتخت موجب شگفتی محافل سیاسی شد.

چگونگی توزیع درصد امکانات زندگی

در خانوارهای تهرانی

■ طبق آمار بانک مرکزی در سال ۱۳۴۸ چگونگی توزیع امکانات و وسائل زندگی در خانوارهای تهرانی در هر صد خانوار بشرح زیر بوده است:

۱ - برق	۸۶ درصد
۲ - رادیو	۷۲
۳ - آب لوله کشی	۵۶
۴ - یخچال	۳۸
۵ - اجاق گاز	۲۵
۶ - تلویزیون	۲۳
۷ - تلفن	۱۳
۸ - اتومبیل	۸

مسیحی معادل ۸ میلیون دلار (۶۴ میلیون تومان) کالای مختلف به ممالك جهان سوم و بالاخص باتحاد جماهیر شوروی و ممالك اروپای شرقی صادر خواهد نمود که این رقم ، يك رقم قابل ملاحظه و فوق العاده در اقتصاد ایران است.

« جوانمردان »

گوناگون

● در این هفته بنا بامرشاهنشاه، نام سه مدرسه از دو هزار و پانصد مدرسه ای که بمناسبت دو هزار و پانصدمین سال شاهنشاهی ایران تاسیس خواهد شد بنام سه فضانورد شوروی نامگذاری شد.

● بطوری که گفته میشود مسئولان سازمان رادیو و تلویزیون مصمم هستند لایحه ای بتصویب مجلس بگذرانند که براساس آن هیچیک از سازمانهای دولتی و یاشهرداریهاتوانند عوارض و یا مالیاتی از خریداران رادیو و تلویزیون دریافت کنند. زیرا این عوارض مانع از آن میشود که همه مردم و بخصوص روستائینشان شخصا صاحب تلویزیون گردند . در حال حاضر

گفته میشود بعلت رونق معاملات زمین در حدود سه هزار بنگاه معاملاتی در تهران وجود دارد که عده زیادی از آنها دارای پروانه کسب نیستند و این خود معرف ناموزونی مشاغل است.

«مردمبارز»

عمرانی

● مراحل مقدماتی احداث شهر صنعتی قزوین اینروزها در شرف تکوین است و انتظار میرود از سال آینده طرحهایی که جهت پیاده شدن در این شهر در نظر گرفته شده است بتدریج از قوه بفعل درآید.

طبق پیشبینیهایی که به عمل آمده است در این شهر بیش از ۱۵ واحد صنعتی جورواجور تاسیس خواهد شد این شهر که در فاصله کمی از شهر فعلی قزوین احداث خواهد گردید ظرف ده سال آینده جمعیتی معادل ۱۰۰٫۰۰۰ نفر پیدا کند.

● صنایع نساجی ایران که طی سالهای اخیر رشد فوق العاده تحسین آمیزی داشته است طبق پیشبینی - هایی که بعمل آمده در سال آینده

است . حتی برخی از زمینداران تلاش فراوان بکار میبرند که اراضی خود را با بهای ارزان بفروش برسانند اما کسی طالب خرید آنها نیست.

گفته میشود دولت مایل نیست این انتظار خریدار و فروشنده بطول انجامد و بزودی کمیسیونی با شرکت وزرای آبادانی و مسکن ، منابع طبیعی و سرپرست اوقاف طرحی در این باره ارائه خواهند داد.

● شهرداری در بحبوحه اظهار نظرهای داغ در باره راکد ماندن معاملات زمین همچنان فروش هشتاد هزار متر اراضی خود را واقع در داودیه دنبال میکند این اراضی از طریق مرایده بفروش میرسد و قیمت آن از متری چهارصد تومان آغاز میگردد.

از اینرو گفته میشود دولت مبارزه خود را متوجه بورس بازی در اراضی خارج از محدوده و موات خواهد کرد و در باره بهای زمینهای داخل محدوده فعلا برنامه ای ندارد.

● طبق طرح وزارت آبادانی و مسکن اراضی دولتی و شهرداری و موقوفه به قطعات مناسب تقسیم می شود و در اختیار اشخاص فاقدخانه شخصی میگزارند و با دادن وامهای کافی خریداران را تشویق به تهیه مسکن مینمایند.

● بورس بازی زمین عوارض نامطلوب اقتصادی دارد که توفیق برنامه های انقلابی را با موانع جدی مواجه میسازد. تولید اقتصادی هنگامی افزایش مییابد که سرمایه و نیروی انسانی در راه کارهای تولیدی بکار بیفتد . اما بورس بازی زمین نه فقط مبالغ هنگفتی از سرمایه را از جریان کار تولیدی خارج میسازد بلکه مشاغلی ایجاد میکند که هر کدام ترمزکننده پیشرفت اقتصادی هستند و از آن جمله باید بنگاههای معاملاتی را نام برد.

پایان سفر دوازده روزه نخست وزیر

■ امروز نخست وزیر به سفر ۱۲ روزه خود بدور ایران پایان میدهد، و در هر شهر و مرکز هر استان که میرسید، نطق انتخاباتی جالب و موثری ایراد میکرد. هویدا در این سفر دور و دراز که جمعا دوازده هزار کیلومتر خواهد شد، بطور متوسط هر روز هزار کیلومتر راه را پشت سر گذاشت، و از مهمترین مراکز کشور دیدن کرد. نطقهای نخست وزیر در مشهد و کرمان و بندرعباس و شیراز و اصفهان و آبادان و کرمانشاه واجد مطالب مهمی بود که در محافل سیاسی مورد بحث و تفسیر قرار گرفت. در این مسافرتهاى انتخاباتی، نخست وزیر فرصت یافت که یکبار دیگر از مشکلات مردم استانها و شهرستانها از نزدیک آشنا شود، و برای رفع این مشکلات دستورات سریع و موثر صادر نماید. در کشور ما این نخستین بار است که نخست وزیری بعنوان لیدر یک حزب، برای مبارزات انتخاباتی به سفری چنین دور و دراز میپردازد. «روشنفکر»

نزدیک يك سال است که وزارت منابع طبیعی آگهی تقسیم زمینهای جدیدی را منتشر کرده و تا این هفته از فروش و واگذاری اراضی مزبور خبری نیست.

گفته شد بنظر میرسد این اراضی که در نوارهای «نشتارود - رودسر» و «المده - محمدآباد» و «رودسر - هشتر» قرار دارد بجهاتی اجراء مقررات واگذاری آن برعهده تاخیر افتاده است.

«جوانمردان»

● وزارت دادگستری از چند روز پیش مفاه قانونی تبدیل هر روز زندانی از قرار ۵۰ ریال را به ۵۰۰ ریال شروع کرده است و از این طریق در روزهای اخیر عده زیادی از بدهکاران آزاد شده اند.

بدنبال این اقدام وزارت دادگستری طرحی در دست دارد که بموجب آن مبلغ قانونی مربوطه به هزینه بازداشت شدگان که از طرف بازداشت کننده تامین شود نیز به نسبت زیادی بالا خواهد رفت.

«مردمبارز»

● یکی از پولدارترین بانکهای کشور که پول کلانی به صاحبان کارخانجات بصورت وام پرداخت کرده و میکند و در بعضی از کارهای صنعتی به سرمایه گذاری پرداخته و هر سال به صاحبان سهام خود ۱۲ درصد یعنی بالاترین رقم، بهره میدهد و هر سهم یک هزار ریالی این بانک ۱۶۰۰ ریال در بازار خرید و فروش میشود بیش از یکصد نفر کارمند از مدیر عامل و مدیران ادارات و کارمند عادی و ماشین نویسن ندارد و جمع پيشخدمتها و رانندگان این بانک هم به ۲۲ نفر میرسد نیز تنها بانکی میباشد که در تهران و شهرستانها دارای شعبه و نمایندگی نمیشد و با وجودی که نام بانک روی آن است باجه بانکی برای دریافت و پرداخت و با باز کردن حساب جاری نداشته و ندارد.

«دنیا»

● غیر از یکی دو نوار اولیه «المده - نشتارود» و «هشتر - آستارا» که اراضی جنگلی ساحل آن توسط وزارت منابع طبیعی بین متقاضیان فروخته شده است اکنون

در بسیاری از شهرستانها يك چنین عوارضی که پرداخت آن بعهده خریدار و تماشاکننده تلویزیون است دریافت میشود. در عمل مشاهده شده است که پس از وضع چنین عوارضی میزان مصرف تلویزیون بطور سرسام آوری کاهش یافته است. بعلاوه طبق اظهار مطلمین وصول چنین عوارضی هزینه ای نیز برای دولت دربر خواهد داشت. «روشنفکر»

● تا يك ماه دیگر ایستگاه فرستنده اف ۱۰ ام رادیو ایران که همه شب موسیقی ایرانی و کلاسیک و جاز را با سیستم استریو برای علاقمندان موسیقی اصیل پخش میکند بمحل فرستنده تلویزیون ملی منتقل خواهد شد و برنامه های جدیدی برای این فرستنده تهیه شده است که برنامه های موسیقی با شکل تازه ای به شنوندگان اف ۱۰ ام عرضه شود.

«جوانمردان»

● مشکل تشابه اسمی تاکنون چندبار در جریان انتخابات ایران پیش آمده است. يك بار موقعی بود که حسین مکی کاندیدای حزب دمکرات از اراک شد و بعدا يك حسین مکی دیگر که اهل اراک بود و دارای نفوذ محلی هم بود اعلام کرد که مردم اراک به او رای داده اند و اوست که اهل اراک است و چند روزی هم در مجلس متحصن شد اما کاری از پیش نبرد. يك بار هم يك دکتر علی امینی که کارمند دولت بود اعلام کرد آرائی که در صندوق های تهران بنام علی امینی - دکتر امینی و دکتر علی امینی ریخته شده است متعلق به اوست اما ۲۴ ساعت بعد از این موضوع مورد بازخواست قرار گرفت و در نتیجه ناچار در صدد عذرخواهی برآمد. این جریان نیز در کابینه قوام السلطنه اتفاق افتاد.

«روشنفکر»

علی‌اصغر فراسیون

دشواری کار نویسندگان

چو مسموم گردد، تن جامعه نویسنده باید کند دفع سم

من گاهی مکنونات قلبی را روی کاغذ آورده‌ام و مرور کرده‌ام، خودم خیلی خوشم آمده است زیرا از لحاظ طرح مطلب و فن نگارش و شرائط سخن در نظرم عالی بوده است بطوری که اگر در یک جامعه معتدل‌تر منتشر میشد با احتمال قریب به یقین مورد تحسین و تمجید قرار میگرفت اما فردای آن روز در وقت و ساعتی که سکون و آسایش و راحت و آرامش بیشتری داشته‌ام و در آن تجدیدنظر کرده‌ام برخلاف میل درونی خویش از ترس مردمی که هنوز فکرشان برای واقع‌بینی و فهم حقیقت آماده نبوده بعضی از کلمات را عوض کرده و برخی از سطور را خط کشیده و قسمتی از مطالب را حذف و خیلی چیزها را در ترازوی زمان کم و زیاد کرده‌ام تا کم‌کم شیر بی‌بال و دم واشکم شده است.

چه کنم؟!

مگر میشود برخلاف نظم و طبع عالم و مخالف اقتضای شرائط روز و محیط عمل کرد؟!

درست است که باید شهامت داشت و اقلا در حدودی که عقل مردم تصدیق کند حقایق را گفت ولی اگر روح خود مردم آماده و مستعد نباشد و عقول آنان گوینده یا نویسنده را یاری نکند از گوینده یا نویسنده‌کاری ساخته نیست، غریب و تنها میماند!

پس همانطور که طبیب نباید و نمیتواند بهر مزاجی هردوئی و غذائی را بدهد و ناچار است که تابع وضع و چگونگی مزاج باشد، متفکرین و نویسندگان هم چاره‌ای ندارند جز آن که تابع استعداد و مرحله و منزل عقول و ادراک مردم شوند، با وصف این امید مردم بنویسندگان است زیرا این نویسندگانند که از اظهار حقیقت نمیرسند و از این که مردم را به حقایق اوضاع و امور آگاه کنند باکی ندارند و حتی در رژیم استبدادی به صورت شعر و قصه موش و گربه سخن میگویند، با وجود این که در عرف نویسندگی هم معاشاة با اهویه و افکار مردم و همرنگی در معتقدات و آداب و رسوم و سنن دیرینه جزء اصول ضروری است و با همرنگی و هماهنگی است که میتوان افراد جامعه را جلب و موفقیت در تبلیغ و ارشاد رایج‌ریزی کرد، با وجود این که باید دانست و فراموش نکرد که افراد انسان با روح خودخواهی و با ضعفی که محیط مجاور و عادات بومی در روحیه آنان ایجاد میکند و با تعصبی که از پدران و نیاکان خویش بارش برده‌اند عقل سلیمشان تسلیم عادات و معتقدات آنها میشود و هر دعوت و دلالتی ولو معقول که مخالف عادات و سنن کهن و معمول باشد با عناد و تعصب مواجه می‌گردد و با هر اصلاح و رنورمی‌مخاصمه

دارند و سرسختی و مقابله میکنند و به واقعیات حیات و غرائز و طبایع خود ریا میکنند و دروغ میگویند و درعین ارتکاب انواع انحرافات و تمایل به اقسام منہیات مثلا اگر در روزنامه‌ای یا مجله‌ای از لحاظ علمی سخن از مسائل جنسی برود ناشر و نویسنده را تقبیح میکنند ولی نویسنده باید بداند که در مجاهده مجامله راه ندارد و مجاهده دقیقه‌ای از تقبیح و تشنیع آراء و معتقدات مطرود و مذهب دروغ نمیکند و بحث در مسائل جنسی اگر در حصار ادب و نزاکت و رعایت حریم عفت و عصمت و بسا احتراز از فساد و برای ارشاد و اصلاح جامعه باشد وظیفه متخصصین بهداشت و مسائل تناسل و راه سالم آن مطبوعات است و حتی در قرآن هم نسبت به رابطه جنسی دستور علمی دیده‌میشود. این نویسنده است که بجای فرماندهی مسلح علیه حکومت‌های ستمگر بالاخص وقتی که حکومت را ستمگر نداند مردم را علیه حماقتها، سستی‌ها و موهوم پرستی‌های خودشان و علیه کاریکاتوری که از مدیریت و مدنیت ساخته‌اند تحریک به قیام میکند.

بلی نویسنده است که با تمام قدرت از طفیان علیه لغاظی و ظاهر سازی و فریب و اغفال طرفداری می‌کند و با تولید ایمان قدرتهای افراد و سازمانها را در مسیر انقلاب و در خدمت تحول و تعالی در می‌آورد و ما را متوجه میکند که انقلاب سفید انقلاب علیه خودمان است، علیه سنت‌های خودمان و علیه جهل و غفلت

لطفا ورق بزنید

درباره هواپیماهای جدید شرکت هواپیمائی ملی ایران و مزایای آن

تازه در طریق اجراء هدفهای انقلاب شاه و مردم برمیدارد و روی مدیریت در سطح عالی همراه با دوراندیشی و واقع بینی و درك صحیح از نيات رهبر انقلاب اجتماعی ایران و خواسته های جامعه متحول و انقلابی کشور موجب شده است که هواپیمائی ملی ایران سائقه خصلت چشمگیر انقلاب سفید در همه کارها چند قدم جلوتر از مطالبات عمومی باشد.

مدیریت هواپیمائی ملی ایران درکی عمیق از خواسته های مردم دوران انقلاب و بینش وسیع دارد و به اهمیت زمان و به سرعت در جامعه انقلابی ایران به خوبی واقف است و خوب احساس کرده است که ایران دوران انقلاب با توسعه سریع و حیرت انگیز اقتصادی بیک شبکه منظم ارتباط هوایی داخلی نیازمند است و هواپیماهایی از نوع (دی ۰ سی ۶) و (دی ۰ سی ۰۳) دیگر جوابگوی نیازهای چنین شبکه ای نیست و باین جهت کمپانی کشورهای پیشرفته بسراغ بهترین هواپیماهای جت برای خطوط داخلی خود رفته است که بهترین وسیله برای پرواز- های کوتاه مدت است و در نوع خود گرانترین هواپیماست و جالب این است که هواپیمائی ملی ایران این سرویس عالی را در برابر ارزانترین نرخ و تعرفه مسافرت از لحاظ استاندارد بین المللی در اختیار مسافران خطوط داخلی میگذارد. (هما) با به کار انداختن جت های ۷۳۷ در خطوط داخلی يك قدم دیگر برای ارتقاء بر سطح خدمات سازمانی خود که تامین آبرو برای کشور و تامین رفاه و آسایش و سرعت برای هم میهنان است برداشت و اکنون با تجهیز تازه ، «هما» بالهائی نیرومندتر بر سر کشور میگزیراند. «پیغام امروز»

سال گذشته هواپیمائی ملی ایران اعلام کرد که در اجرای نيات شاهانه، برای گسترش شبکه پروازهای جت در خطوط داخلی ، هواپیمائی ملی ایران سفارش خرید ۳ هواپیمای جت بوئینگ ۷۳۷ داد و برای این کار ۱۸ میلیون و ۵۰۰ هزار دلار سرمایه گذاری کرد. نخستین جت ۷۳۷ خریداری «هما» فردا و دومین جت ۷۳۷ يك هفته دیگر و سومین جت ظرف ۱۵ روز آینده، در اختیار هما قرار خواهد گرفت جت های بوئینگ دو موتور ۷۳۷ می- تواند تا ۱۲۵ مسافر حمل کند و هواپیما های بوئینگ ۳۷ آنچنان طرح شده که بتواند از اجزاء و مجموعه ایزاری که هم اکنون جهت هواپیمائی بوئینگ ۷۲۷ ساخته میشود استفاده گردد. حداکثر سرعت پرواز در مسیر افقی و در ارتفاع ۷۱۶۵ متر ۹۴۳ کیلومتر در ساعت و حداکثر سرعت مجاز در مسیر نزولی در ارتفاع ۶۰۹۵ متر ۱۰۱۰ کیلومتر در ساعت است. کارخانه بوئینگ ایزار مخصوص در فرودگاههای ناهموار را به هواپیماهای مدل ۷۳۷ افزوده و این هواپیماها میتوانند در باندهای بدون آسفالت و پوشیده از شن عملیات پروازی را انجام دهند.

هما با شبکه گسترده داخلی خود فواصل شهرهای کشور را کوتاه و استفاده از وقت را بیشتر کرده است. و مسافران میتوانند ظرف چند ساعت خود را از تهران بدورترین نقاط کشور برسانند.

و اکنون با بکار انداختن جت های ۷۳۷ در خطوط داخلی ، شبکه داخلی هما گسترش چشمگیری پیدا خواهد کرد. هواپیمائی ملی ایران به عنوان يك سازمان پیشرو ملی هر روز گام

و پیمای و بیماری خودمان ، علیه سستی و سهل انگاری و عادات و اوهام و خرافاتی است که بینائی ما را تیره و تار کرده است.

انقلاب سفید ما علیه دروغ و تظاهر و تملق و چاپلوسی است و علیه این عادات مذموم است که اغلب با احتراز از انتقادات سالم منصوب را مدح و فقط مخلوع و معزول را ذم میکنیم، آمده را خوب و رفته را بدجلوه میدهم.

این نویسندگان هستند که میتوانند در لوی پرچم انقلاب مشعل بگیرند و مجاهدین نهضت را رهبری کنند و با توجیه و توضیح مقاصد انقلابی عوامل و عناصر اجرائی را مهار کنند و با منع و دفع هرگونه انحراف فقط و فقط بسوی پرچم و برای مضاعف سازی فرهنگ و اقتصاد و بالا بردن سطح دانش عمومی و دریدن پرده های خرافات و تجزیه و تفکیک نیک و بد و زشت و زیبا و صلاح و فساد و مبارزه با بندگی و بردگی و چهل و بیسودی و فقر و مرض سوق دهند.

نویسنده باید پیرامون بخش دوجانبه ارزشهای فرهنگ شرق و غرب قلم فرسایی کند و از اختلاط دو فرهنگ يك جامعه حسابی تر و عاقلتر و هشیارتر بسازد و احتیاجات مادی و معنوی خویش را فراموش نکند وجود خود را وقف تجدید سازمان جامعه کند از انتقاد ناتوانیها و نارسائیها و عکس العمل انتقادات صالح نهراسد، بتها را بشکند و سر و کارش همیشه با انسان و مسائل انسانی و حیات و حالات و سرنوشت بشر باشد تا انقلاب سیر تکاملی خود را طی کند و هر روز و هر لحظه بیش از پیش بشمر و اثر برسد و آمل عالی و ابتکار و اقتدار پیشوای نهضت بهتر و بیشتر تجلی کند و میوه انقلاب ما از شکوفه فضل و فضیلت شکوفا گردد. خلاصه از سرمقاله کانون سردفتران

زمینداران شهری

اصلاحات ارضی زمینداران را از روستاها ریشه کن کرد ولی اکنون ما با يك طبقه زمیندار شهری روبرو هستیم که میکوشد همه‌ی اصول انقلاب را زیر پا بگذارد و نظامی را که در گذشته بر روستاها مسلط بود در شهرها ادامه دهد. در میان این دوطبقه‌ی زمیندار شباهتها بسیار است. زمین داران روستایی کار نمیکردند، گذرانشان از محل اجاره‌یی بود که کشاورزان میپرداختند، اجاره دارانی داشتند که دسترنج خود را بدانها تقدیم میداشتند، درآمدهای سرشار آنان صرف سرمایه‌گذاریهای تولیدی نمیشد و بیشتر به مصارف تجملی میرسید، ثروت آنان یا بر میراث متکی بود، یا بورس بازی و یا حتی قمار.

زمینداران شهری نیز گار نمی‌کنند، گذرانشان از محل اجاره‌یی است که میگیرند، مستاجرینی دارند که اگر نه مانند اجاره داران روستایی بر روی زمینها کار میکنند، بهر حال دسترنج خود را به موجد تقدیم می‌دارند (بطور متوسط ۲۵ تا ۳۰ و حتی ۴۰ درصد درآمدشان را)، درآمدها و ثروتهای سرشار آنها در امور تولیدی بکار نمی‌افتد و صرف خرید و فروش زمین و مصارف تجملی میشود. ثروت آنان نیز یا بر میراث متکی است، یا بورس بازی و یا حتی قمار.

مساحت زمینهایی که زمینداران روستایی داشتند البته بزرگتر بود (اگر چه در میان زمینداران شهری

نیز دارندگان میلیونها متر زمین کم نیستند) ولی ارزش املاک زمینداران شهری بسیار بیشتر است. به کمک سفته بازی و بورس بازی، آنها بهای زمین را در شهرها به ارقام باور نکردنی رسانده‌اند. هر راه یا خیابانی که وزارت راه یا شهرداریها میکشند، بهای زمین آنها را چند برابر میکند. و هر اسفالت یا رسیدن خط انتقال نیرو یا شبکه آب، ثروت آنان را یکشبه مضاعف میسازد.

این طبقه همان قدر انگلوار و غیر مولد و زیان‌آور به حال اجتماع است که طبقه‌ی زمیندار روستایی. نقش ترمز کننده‌ی آن در شهرها و در اقتصاد بطور کلی همان اندازه منفی است که زمینداران روستایی بودند. نمونه‌های موفق بورس بازان زمین و زمین‌خواران و خاکبازان، سر مشق‌هایی ویران کننده برای هر کسی گذاشته‌اند که میتواند مختصر پولی برای ورود در بازار زمین کنار بگذارد.

مردمان فرش و اتومبیل خود را میفروشد و با قرض پولی فراهم می‌کند و به خرید و فروش زمین میپردازند. از کارمند معلم و نویسنده و وکیل دعاوی و پزشک، از هر قشر و طبقه‌ی اجتماعی، کسان بیشماري وقت و پول و نیروی خود را در کار زمین گذاشته‌اند. هیچ سرمایه‌گذاری در بازدهی با آن رقابت نمیتواند کرد. هیچ درجه‌ی تخصص عالی به پستی

تجربه و مهارتی که يك دلال عادی بدست آورده نمیرسد. دلال و بورس باز زمین شاخص‌ترین چهره‌های اجتماعی شده‌اند. در میدان رقابت اقتصادی آنها گوی سبقت را از هر کارشناس اقتصادی، از هر صاحب تخصص حرفه‌یی، از همه‌ی کسانی که عمرشان را به تحصیل و کار مولد میگذرانند، ربوده‌اند. حتی قماربازان حرفه‌یی باید به حال آنان غبطه‌خورند. کیست که با چنین سرعتی ثروتمند شود، کیست که قمار هایش هرگز باخت نداشته باشد؟

وقتی موسسات بزرگ تولیدی و بازرگانی نمیتوانند بیش از ۲۰ درصد در سال سود سهام بدهند (آنها در موارد استثنائی) و آنگاه هر زمینخوار معمولی هر سال ۴۰ یا ۵۰ یا حتی ۱۰۰ درصد از سرمایه‌گذاریش در کار زمین برداشت میکند، چگونه میتوان انتظار داشت افراد قدم در کارهایی گذارند که مستلزم صرف وقت و نیروی ذهنی و بدنی و همچنین قبول مخاطرات است؟

افراد هرچه بیشتری به زمین - خواری روی می‌آورند و سرمایه‌های هرچه بزرگتر به صورت قباله‌ها و اسناد مالکیت برهم انباشته میشود. در روی دیگر سکه نیز خیل بیخانمانان هر روز رو به انبوهی میگذازد. بهای زمین به نحو ممانعت‌کننده‌یی بالا میرود. حتی دولت خود به‌صورت بزرگترین مستاجر درمی‌آید.

«آیندگان»

افزایش علاقه و ایمان هویدا باصل تحزب

وبی نیازی از نطق های نوشته شده

اطراف بودجه کل کشور و پاسخ به بیانات نمایندگان مخالف از آنجمله بوده است.

علت اینکه نخست وزیر فعلی در سال اول نخست وزیری خود از ایراد نطق های بدون استفاده از نوشته ناراحت بود مربوط به سابقه سواد آموزی او یا فراگرفتن سواد فارسی میباشد. او زبان فارسی را در خارج از ایران و در دیار بیگانه و در شهر های دمشق و بیروت آنهم در نزد مادر خود فرا گرفت و پراتیک زبان را هم در خانه با مادر خود مینمود چون در خارج از خانه فقط با دو زبان روبرو بود و میتوانست به صحبت با یکی از این دو زبان بپردازد و این دو زبان یکی زبان عربی یا زبان ملی مردم سوریه و لبنان بود و دیگری زبان فرانسه که بعلمت اینکه هر دو کشور جزو مستملکات فرانسویها بود زبان دوم مردم این دو کشور شده بود. او در ۲۲ سالگی پس از ۱۹ سال اقامت متوالی در خارج از کشور وقتی بایران آمد زبان فارسی او شکسته بسته بود و شباهت بزبان فارسی یکنفر خارجی داشت که زبان فارسی را در خارج فرا گرفته باشد.

خط فارسی هویدا نیز در نوع خود جالب است و با وجودی که تند مینویسد ولی شبیه به خط قرآنی است و علت هم فراگرفتن زبان عربی در دبستان و دبیرستان بوده چون زبان عربی در دبستان فرانسویهای دمشق و دبیرستان فرانسویهای بیروت نیز

بدین جهت چاره ای جز استفاده از نوشته نداشت ولی بعلمت ممارست در این راه تصمیم گرفت بهنگام ایراد نطق از نوشته قبلی استفاده نکند ولو اینکه در نطق خود مهارت و استادی نشان ندهد و (بیافند) و با این وصف باید ارتجالا یا فی المجلس به ایراد نطق بپردازد. دفعه اول وقتی پشت تریبون رفت تا بایراد نطق از روی نوشته بپردازد پس از اینکه سه سطر نطق را خواند دید قادر به خواندن نیست و افتاده است.

تصمیم گرفت نطق نوشته شده را در جیب بگذارد و بایراد نطق خودمانی بپردازد و به چند جا گریز بزند اتفاقا آنروز توانست از عهده ایراد نطق بدون استفاده از نوشته قبلی بخوبی برآید و اگر گاهی (میافتاد) و لسی دچار مکث زیادی نمیشد بلکه دنباله نطق را به موضوع دیگری ربط میداد. کار او بجائی رسید که نطق نوروزی سال گذشته خود را که پس از تحویل سال در تلویزیون ایراد کرد و نطق او يك نطق كاملا ادبی بود از حفظ نموده بود و بدون اینکه حتی يك كلمه را جا بیاندازد تمام جملات را با ژست جالبی که در پشت صفحه تلویزیون بخود گرفته بود ایراد کرد و اکنون وضع و موقعیتی در ایراد نطق پیدا کرده که باصطلاح راه افتاده و می تواند بدون کمترین احساس دراستفاده از نطق نوشته شده مشغول ایراد نطق طولانی شود و نطق های اسفند ماه او در مجلسین شورایملی و سنا بحث در

امیرعباس هویدادومین نخست وزیری است که در موسم انتخابات از تهران عازم ایالات شده و در مراکز استانها در میتینگ های انتخاباتی شرکت میکنند.

اولین نخست وزیر ایران که سفر انتخاباتی دور ایران رفته بود دکتر منوچهر اقبال بود که در تابستان گرم سال ۱۳۳۹ و در مردادماه عازم مراکز استانها شد تا در میتینگ های انتخاباتی حزب ملیون شرکت نموده و بعنوان رهبر حزب ملیون بایراد نطق های انتخاباتی بپردازد.

نخست وزیر فعلی در طول شش سال و پنج ماه نخست وزیری خود همه نقاط کشور را زیر پا گذاشت و از همه استانها و شهرهای درجه اول و دوم و سوم بازدید نمود و جائی نبود که مورد بازدید قرارنگرفته باشد چون یا به هیئت اجتماع رهسپار استانهای مختلف کشور شد و یا اینکه به تنهایی و یا باتفاق یکی دو نفر از وزراء به سرکشی از شهر های دور و نزدیک پرداخت البته از دو استان بطور رسمی و برای انجام کار بازدید ننمود و این دو استان همانا استانهای شمالی کشور میباشد و مراکز این دو استان مورد بازدید او قرار نگرفت ولی چند بار بطور تراتریت از این شهرها عبور نمود.

نخست وزیر فعلی تا سال دوم نخست وزیری خود بدون استفاده از نوشته قادر به صحبت نبود و هنگام صحبت کردن باصطلاح (میافتاد) و

رفت و این پست به عطاء خسروانی وزیر کار تفویض شد.

همان موقع گفته میشد علت دست کشیدن از کارهای حزبی مربوط به بیعلاقگی او به اصل حزب در ایران بود و در سالهای اول نخست وزیری خود هم تا حدی این سرخوردگی در او هویدا بود ولی در مرداد ۱۳۴۸ پس از اینکه دومین دبیر کل حزب ایران نوین از کارهای دولتی و حزبی کنار رفت نخست وزیر فعلی به اصل حزب و نجات حزب حاکم از وضع آنروزی دست بکار شد و چاره منحصر به فرد را اختصاص قسمت اعظم کار حزبی در وجود شخص نخست وزیر داشت و تاسیس دفتر سیاسی حزب از ابتکارات او بوده چون عمده اختیارات حزب که در گذشته در ید دبیر کل بود اکنون در اختیار دفتر سیاسی و در راس آن رئیس دفتر سیاسی حزب میباشد.

سابق براین نخست وزیر فعلی به دوستان نزدیک خود نمیگفت چرا عضو حزب نمیشد ولی در یکسال اخیر آنچنان به کار حزبی علاقمند شده که به یکی یکی دوستان میگوید تو چرا عضو حزب نمیشوی و این سؤال را بطور جدی بعمل میآورد و چند بار هم آنرا تکرار میکند تا دوست او جواب بدهد چشم میروم و آنکت را پر میکنم و امضاء مینمایم. هویدا در حزب علاوه بر ریاست دفتر سیاسی حزب و ریاست هیئت اجرایی حزب سرپرستی یا ریاست یکی از حوزههای حزبی را هم بهعهده دارد و برای دفتر سیاسی حزب اعضای این دفتر را که با او همکاری دارند خود او کاندیدا کرد تا با او متجانس باشند و اینعهده هنوز عضویت دفتر سیاسی را بهعهده دارند.

ضمناً اعضای دفتر سیاسی عضویت هیئت اجرایی حزب را هم دارا میباشد

وزیری دو برابر هر وزیر حقوق دریافت میکرد چنانکه در مجلسین سنا و شورای ملی نیز همین رسم معمول است و رئیس مجلس سنا و رئیس مجلس شورای ملی در ماه دو برابر سناتور و نماینده مجلس حقوق از صندوق وصول میکنند.

حقوق هر يك از روساء مجلسین در ماه یکصد و سی هزار ریال میباشد و استفاده از اتومبیل اختصاصی با راننده و سوخت هم به آن علاوه میشود.

در لیست نامزدان انتخاباتی حزب حاکم یکی از کسانی که زیاد در تدوین این لیست موثر بود رئیس دفتر سیاسی حزب بود. نخست وزیر فعلی که ریاست دفتر سیاسی حزب را بهعهده دارد تا مرداد سال ۱۳۴۸ شغل آکثبوی در حزب ایران نوین نداشت چون دراوان نخست وزیری خود از قبول پست دبیر کلی حزب خودداری نمود در حالیکه قاعده و قرار حکم میکرد پس از مرگ حسنعلی منصور که پست دبیر کلی حزب و نخست وزیری را توانان بهعهده داشت این پست حزبی را بهعهده بگیرد و اما پس از چندی مبر و این دست و آن دست کردن سرانجام انصراف خود را اعلام داشت و عطاء خسروانی را که علاوه بر پست وزارت کار سمت معاونت دبیر کلی حزب را نیز بهعهده داشت کاندیدای این مقام حزبی نمود.

نباید پوشیده داشت وقتی درآذر ۱۳۴۲ حزب ایران نوین تاسیس شد نخست وزیر فعلی که در آن موقع عضو هیئت مدیره شرکت ملی نفت بود بسمت معاون دبیر کل حزب معرفی شد و اما پس از اینکه وزیر دارائی شد آنقدر بی میلی نشان داد تا این که رضایت دوست خود حسنعلی منصور را فراهم ساخت و از پست معاونت دبیر کلی حزب ایران نوین کنار

تعلیم داده میشد. نخست وزیر در میتینگ های حزبی که در مراکز استانها برپا شده و میشود بطور کلی بدون استفاده از نوشته بایراد نطق میپردازد.

در مناطق گرمسیری ترجیح میدهند کت را از تن خارج کند و آستین های پیراهن را بالا بزند و با این سرو وضع مشغول ایراد نطق شود.

نطق های پی در پی اینکه ایراد میکند باعث شده است که خیلی خوب راه بیافتد و حتی در يك مورد نطق بی سر و ته ایراد نکند و بیشتر مطالبی که به زبان میآورد موضوع دار است و بعضی از قسمت های آن تازگی دارد و هر چند برخی از قسمت های نطق او تکراری میباشد. نخست وزیر فعلی مزه نمایندگی مجلس را نچشید و با وجودیکه در اوائل شهریور ۱۳۴۲ تصمیم براین شده بود از طرف کنگره آزاد زنان و آزاد مردان کاندیدای نمایندگی از تهران شود ولی روی اصرار و پافشاری خود نگذاشت نام او در لیست کنگره مزبور قرار گیرد. او همان موقع بطور خصوصی بما گفته بود وضع زندگی او طوری است که نمیتواند با دو هزار و پانصد تومان حقوق نمایندگی مجلس گذران کند و چون حقوق عضویت هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران چند برابر حقوق نمایندگی مجلس میباشد ترجیح میدهد پست دولتی خود را رها نکند.

جالب اینکه حقوق نخست وزیری او هم کافی نیست برای اینکه از وزیر کمتر حقوق بگیرد. وزیر علاوه بر حقوق هر ماه شصت هزار ریال پاداش دریافت میکند که بطور مجموع به ۱۸۰ هزار ریال در ماه میرسد در صورتیکه او فقط ۱۲۰ هزار ریال از صندوق دولت دریافت میدارد و قاعده حکم میکند دو برابر وزیر حقوق دریافت نماید چون تا قبل از او هر نخست

مشکل اصلی حکومت در ترکیه

حکومت نظامی، یک ماه دیگر در ترکیه وقت دارد و گمان بر این است که دست کم تا سپتامبر تمدید خواهد شد، اما از پس محنت هایی که در بهار، بر ترکیه نازل شد - آنگاه که دست طبیعت و جنون انسان، در یک توطئه بدخواهانه، هم پیمان شدند - دورنمای بهبود و النیام، روشن تر از آن مینماید که یک ماه پیش، ممکن مینمود.

اثلاف غریب «تکنوگرات» ها به رهبری پروفور «اریم» که دوازدهم مارس به قدرت رسید، اکنون به وظیفه ای روی آورده است که بخاطر آن، به حکومت گمارده شد: اصلاح اجتماعی و اقتصادی. لایحه های مربوط به اصلاح ارضی، تجدید نظر در نظام غیر عادی آموزشی و مشکل مالیات، روی میز طراحی است و گمان میرود ظرف چند هفته آینده، به مجلس ملی، برده شود. در باره همه این مسائل، دیر زمانی گفتگو شده است - در ترکیه، همواره میان تصور و عمل، ورطه پهناوری است، اما نکته اساسی این است که حکومت اکنون که ارتش را پشت سر دارد، دیگر چندان دلواپس وظیفه بیواسطه حفظ قانون و نظم نیست که هر چیز دیگر را در اتاق انتظار معطل نگه دارد.

از جهات بسیاری، ترکها در زمینه در آویختن با جریک های شهری برسی عینی به جهان داده اند. سؤال های اصلی «ارتش آزادی بخش خلق ترکیه» درهم شکسته است و بسیاری از سرکردگان فتنه جویان - گرچه نه همه شان - از جمله کسانی که گمان میرفت مسئول ربودن و کشتن کنسول اسرائیل، در ماه مه بوده اند، بدام

افتاده اند. منتها، ارتش آزادی بخش که در سوریه، آموزش دیده است، سازمانی نیمه سوخته مینماید. چریک های ترک، مرتکب این خطب بزرگ شدند که با قتل کنسول، همدردی های بالقوه را از خود بیگانه کردند، گوآنکه تعدادی نسبی از روشنفکران چپی، هنوز حاضرند با حمایت از آنها، غبار تردید را از دل شان بسترند، اما بسیاری از ترکها، شاید اکثریت ترکها، هنوز تصمیم دارند که در هر بحرانی، در کنار قدرت بایستند. و چنین مینماید که ارتش از پشتیبانی مردم در سرکوبی تروریست ها، برخوردار بوده است.

این که آیا ارتش در این اقدام، بسیار خشن بوده است یا نه، موکول به بحث است - و البته آنکارا و استانبول، از شایعه های مربوط به بازداشت شبانه استادان دانشگاه می - جوشد. آمارها، سر درگم کننده است. بسیاری از کسانی که برای استنطاق، بازداشت شده اند، ظرف دو سه روز آزاد گشته اند.

و ادعاهای مربوط به بدرقتاری یا شکنجه چیزی نیست که به آسانی بتوان ثابت کرد. روی هم رفته برای ترکها، نیروهای امنیتی، بنحو شکست انگیزی ملایم بوده اند و جریان های قانونی، عمل عادی خود را طی میکنند.

● مشکل اصلی حکومت، نقش ارتش است که در ترکیه، به اندازه هر چیز دیگر، حربه ای اجتماعی است. مسلم شده است که پاره ای از افسران پایین درجه - و همچنین برخی از اعضای پاپیس - با تروریست ها همکاری میکرده اند.

در چند هفته گذشته، تصفیه بی

سر و صدای در جریان بوده است. افسرانی که وفاداری شان، موکول به تردید بود، نابهنگام، بازنشسته شده اند یا به سمت هایی در گوشه های دور کشور، فرستاده شده اند. در راس هرم ارتش، مردان ارشد، نمای نافذ یک وحدت را آشکار میسازند. حقیقت آنکه فرماندهان نیروهای سه گانه، غالباً با یک هواپیما به این سوی و آن سوی پرواز میکنند، که این، به زعم بسیاری از ناظران، حکایت از همگامی و هم اندیشی شان دارد، اما این که میان آنها چه اندازه وحدت نظر ناب وجود دارد، چیزی است که هنوز باید آزمایش شود. یک بخش متنفاذ ارتش، در دومین هفته مارس، جانبدار یک کودتای مستقیم نظامی بود و گرچه این خطر در زمان کنونی، از میان برخاسته است، ارتش هنوز زیر گردن پروفور «اریم» نفس میکشد.

با این همه تصادفاً، همه نشانه ها، حاکی از آن است که تمایل ناب به اعاده حکومت کامل قانونی، وجود دارد و در این زمینه، طرز عمل کابینه و رهبران ارتش، هر دو، سخت با طرز عمل همقطاران شان در یونان، تفاوت دارد. مذاکره میان پروفور اریم و رهبران احزاب دیگر برای تنظیم خطوط راهنمای یک قانون اساسی نو، ادامه دارد. روش نسبتاً خردمندانه ای که براساس آن، این تبادل نظر ها، انجام میشود، نشانه امید بخشی است. نتیجه، ممکن است یک «ساخت» نو برای یک قانون اساسی نو باشد که به قوه اجرایی، اختیار افزون تری دهد، اما تنظیم قانون اساسی نو و اجرای برنامه های اصلاحات، کمی بیشتر از آنچه در مارس، محتمل مینمود، دارد به درازا میکشد. «آیندگان»

از : دکتر سلیم استاد دانشگاه تهران

جنگ و گریز مقامات

تا جایی که ناچار میشوند خود پیشدستی کنند و آنچه را ساخته و پرداخته خودشان است اشتباهی و ناروا قلمداد نمایند ، تدابیر مربوط به ترافیک و تامین گوشت و حتی قسمتی از برنامه هائی که وسائل ارتباطات جمعی اجرا شده و میشود از همین قبیل است و بهمین دلیل بوده که خود متصدیان امر در برابر یکدیگر گاه به گاه بر میخیزند گاه از یکدیگر انتقاد میکنند ، در این میان مردم بناچار و سرگردان از هروضعی زبان می‌بینند و بهر صورت مالیات می - پردازند و بهر شکلی در مزاحمت قرار میگیرند و هر روز و همه روز باین که نتیجه فعالیتها و اقدامات درآینده نزدیک منتج به رفاه و آسایش خواهد گردید دل خوش میدارند ، اما باز هم عملا می‌بینند که با وجود برق ، خاموشی دارند ، و با داشتن تلفن از مکالمه با طرف خود محروم‌اند و آن همه از بهداشت دم میزنند ولی از بهداری واقعی نیز برخوردار نیستند و ترافیک برایشان سرسام میآورد ، خواربار و مواد مصرفی آنها هم هرروز گرانتر و نامرغوبتر میگردد و لذا اگر تصور کنند که این جنگ و گریز مقامات به نفع آنها نیست نمیتوان بی‌حقشان دانست تا نظر خود آنان چه باشد .

«بهارایران»

احتیاجات و دیگر وسائل زندگانی مردم را فراهم میآورند و کسانی که امر خدمات عمومی را تقبل کرده‌اند و هر روز بصورتی و نوعی مشکل مواجه میشوند اما کمتر عمیقا در صدد حل این مشکلات برمیآیند چنانکه امر مسکن ، حمل و نقل ، آب و برق ، بهداشت ، تامین خواربار و از همه مهمتر تامین سلامت فکری مردم بسا سازمانها و دستگاههائی است که بسیاری از آنها بهیچوجه متوجه اهمیت وظیفه خود نیستند و یا بهتر در اندیشه مسائلی هستند که با هدفهای اولیه و علل وجود آنها مناسبت چندانی ندارد ، فرضا سازمان مسکن برای تامین مسکن طبقات ضعیف و کم‌درآمد بوجود آمده وگرنه ثروتمندان و بزرگان و صاحبان تعیش هیچگاه از لحاظ مسکن در مضیقه نبوده‌اند لذا اگر سازمان مسکن دراندیشه مسکنی برای افراد این گروه باشد با علت وجود خودی مبارزه کرده است پس ساختن آپارتمانهای پنج میلیون‌ریالی و یا گرانتر کاری بجز وظیفه اولیه و مهم آن دستگاه است ، بهمین نحو دیگر سازمانهای عمومی و بخش عمومی که به کارهائی جز آنچه مربوط به آنهاست هنگامی میپردازند از حدخود عدول کرده‌اند ، نتیجه چنین وضعی جنگ و گریز مقامات مسئول است از انتقادهائی که بطرز کار آنها میشود

با این که اکثر مقامات مسئول و همچنین کسانی که سمنی را می - پذیرند برای این که مقبولیت عامه پیدا کنند خود را خادم جامعه و آماده شنیدن انتقادهای منطقی معرفی می - نمایند و با این که علی‌المعمول دولت نیز آماده پذیرفتن انتقاد سالم و سازنده است ولی بمحض این که انتقاد بصورتی هرچه هم اصولی باشد آغاز میگردد بزودی مقام مسئول با تمام قوا کوشش میکند که انتقادکننده را ناوارد و خطاکار و تحریف‌کننده جلوه بدهد و بالطائف الحیل ثابت کند که آنچه را او عمل کرده صحیح و اصولی و غیرقابل اعتراض بوده است تاجائی که این رویه در بین بالاترین مقامات مسئول تا ضعیف‌ترین و کوچکترین مقام اداری مشهود و محسوس افتاده است ، بدیگر سخن بسیاری از این مقامات تاب شنیدن انتقاد را ندارند و بهیچوجه و بهیچ عنوان و هیچ نوع تذکری را هرچه هم از روی وطنخواهی و دلسوزی باشد نمیپذیرند و سپس هنگامی نتایج کارهای بی‌مطالعه و بی‌منطقی که انجام داده‌اند آشکار شد يك روز بناگهان اعلام میدارند که مطالعات اخیر نشان داد که باید این نحوه عمل عوض گردد و سخنی نوآورده شود که نورا حلوتی دیگر است ، از همین قبیل است تصمیمات مقامات مختلفی که بازندگان مردم سروکار دارند و خواربار و

روشنفکران جهان را مسائلی است

روشنفکران را مسائلی است و روشنفکری را نیز. و هر دو را الزاماتی. بنظر میرسد که روشنفکران مهجور و بی تفاوت مانده‌اند و کسی را سر آن نیست که زبان حال آنها را دریابد. و این منتهی بنوعی در خود فرو روی و سر بچیپ کشیدن شده که جز بی‌رمقی فکری حاصلی بر آن نمیتواند باشد.

بی‌تردید در برابر يك دوره پر تحرک و عمران گر هیچ آفت بدتر از این حالت ذهنی و روحی بی‌تفاوتی نمیتواند باشد چرا که مغزها عقیم ماندنشان ضایعه‌ایست حقیقی که ممکن است نه تنها يك دوره کوتاه مدت بلکه تمامی عمر نسلی را دربرگیرد.

گویا این پدیده بی‌تفاوتی روشن‌فکران صورتی جهانی دارد و کم و کیفش بحساب شرایط اجتماعی و نوسانات سیاسی واز همه مهمتر بحسب خصوصیات دوره اقتصادی که کشورها در حال گذر و عبور از آنند فرق میکند بعنوان مثال سر خوردگی روشنفکران کشورهای صنعتی پیشرفته نوعی یاس و تسلیم در برابر خشونت ماشین و نفوذ و پیشرفت حیرت‌انگیز آن است در تمام شئون زندگی يك روشنفکر امریکائی اگر در کلاف نیرومند اقتصاد ماشینی خود سخت تافته و بافته نشده باشد بی‌تردید اسیر یاس و حرمانی است ناشی از هیچ انگاشتن خود در مقابل ماشین زیرا در جامعه‌ای که او زندگی میکند واحد‌های سنج ارزشهای انسانها و ماشین‌ها رفته رفته یکی میشود و

چیزی برای پرستش و معتقد شدن بآن میجوید و سرانجام در آستانه ماشین زانویش را بزمین میرسانند و اگر هم در بافت عمومی جامعه جائی را بساو تخصیص دهند و سرنوشتی برایش مقدر سازند در تخصیص این جا و تعیین این سرنوشت باز هم ماشین موثر است از آن سوی دیگر در غرب همین نسیم وزان است انسان روشنفکر غرب اروپا بویژه در انگلستان و فرانسه می‌اندیشد که بهر حال راهی بهشت نیست چرا که ارزشهای اخلاقی وی از انقلاب کبیر فرانسه تا حال حاضر بسیار دگرگون شده و ماشین فاصله او را تا معنویات افزون ساخته است حال آنکه این روشنفکر غرب اروپائی سخت در چنک میرائی که بر او مانیزم رنسانس متکی است پرورده شده است. حتی این میراث چنان قوی است که میلیونها توریست دلار زده دجال منش امریکائی وقتی به اروپا می‌آیند پیش از هر چیز تشنه دیدن نشان و آثار و جای پای تمدن و فرهنگ اومانیزم و انسان دوستی‌اند همین میراث است که روشنفکر اروپای غربی دائما احساس رسالت میکند و اگر میراث فرهنگی اثری در سرنوشت جوامع داشته باشد اروپای غربی بهترین نمونه و مثال آنست روشنفکران امریکائی اصراری ندارند که این رسالت را حس کنند بخصوص اگر از طرف صاحبان قدرت خوب خریداری شوند بدین معنی که خمیرمایه فکری آنها تجاری است در حالی که در اروپای غربی روشن‌فکران

را اصراری بر این است که روشنفکر بمانند وانگهی قدرت‌ها در مقیاس اروپائی عمل میکنند یعنی در مقیاس کشور های کوچک از لحاظ مساحت و محدود از لحاظ بنیه اقتصادی بنا بر این سرمایه‌داری اروپای غربی برخلاف سرمایه‌داری آمریکاهمیشه قادر بخريد روشنفکران نیست اگر سیل مهاجرت مغزها و اساسا مغزهای فراری بیشتر متوجه امریکاست علتش را در این تفاوت باید جستجو کرد و اگر امریکا پول میدهد تا اروپا فکر کند این نیز ریشه‌ای نیز در همان امر دارد.

روشنفکران در کشور های بلوک شرق درد دیگری دارند آنها سالها در حسرت يك تولید ملی سرفراز و قابل ارائه بجهان می‌سوختند و امروز در حسرت يك شکوه طبقاتی برای طبقه خود باین درد و آن در می‌زدند اما این خاصیت را در جامعه‌شان باید شناخت که هیچ قدرتی جز دولت طالب خریدنشان نیست اگر بدولت رو نکنند نبوغشان زایل میماند اما اگر بتامای هم بتوده مردم رو کنند مسئولند زیرا در کشور آنها دوران بازی با توده‌ها بآن صورت که روشنفکران برای خود مقام و معنوتی پیدا کنند گذشته است. در این کشورها روشنفکران باید نهیب دهنده موتور تولید ملی و آفریننده حماسه‌های ملی خود باشند اما قهرمانان این حماسه کسی جز اعضاء حکومت قانونی و رسمی نیست بنابراین روشنفکر بلوک شرق پیغمبری است بی‌معجزه هنرمندی است بی‌عشق و کمانداری است

مگر آنکه با برنامه‌های دولت همراه باشد که در این صورت پیرویشان در چهار چوب يك سیاست مستقل ملی در طول زمانی دراز شاید حتمی باشند و اما در کشورهای در حال توسعه دولتها روشنفکران را گروهی ناز پرورده و خیال باف و حتی نق نقو می‌شناسند و قطب اصلی جامعه را مردمی میدانند که برنامه‌های عمرانی را بخاطر آنها تنظیم کرده‌اند و برتر از این مسئله مهم را امنیت و ثبات می‌شمارند بهر قیمتی که باشد.

بنظر میرسد که پیچیده‌ترین مسئله را همین دسته از دولتها بوجود آورده‌اند یعنی کشورهایی که به‌عمران مادی یا توسعه فیزیکی خود بیش از پرورش دماغها توجه دارد و اما راه چاره در تقرب دولت به روشنفکران است چرا که بهر حال حکومتها همیشه نیازمند مغزها هستند حتی وقتی که حکومتی باشد بقدرت و عظمت امریکا بهین سفارش شاید این باشد که در کشورهای در حال رشد دولتها قبل از اینکه از روشنفکران مهجور طبقه‌ای ناراضی بسازند یارانی هم رزم بوجود آورند این کار حوصله می‌خواهد و نرمش و ضابطه حل آن چون مسئله با روشنفکر سر و کار دارد علم می‌تواند باشد والا غیر.

در کشورهای در حال رشد بهر حال بهین تلاش آستکه از خط و حد مشترک روشنفکران و دولتها که همان بیدار و فعال داشتن توده مردم است استفاده شود - و گر نه کالسه حکومت متعادل کشانده نمیشود. و اسباجرا از اسب تعقل جدائی میگیرد. که سر بسته سخن را بیش از این مجال نیست.

بر آن بیافزائید می‌سوزانند اما درد بزرگتر آنها درد ضعف مفرط تولید ملی و آفت بوروکراسی و بی‌پناهی دموکراسی است شاید دقیقتر بشود گفت آسیب پذیری دموکراسی. زیر رسم آزادی و آزادگی گرچه در این کشورها سنتی است بسیار کهن اما نهال دموکراسی اجتماعی هم خوب ریشه نگرفته بلکه آفت زده است. بنابراین هرگز بارور نشده است. براینها می‌افزائیم نکته‌ای را و آن اینکه در بسیاری از کشورهای در حال توسعه برنامه‌های دولت مرفقی‌تر از تمنیات معمولی مردم است.

روشنفکران در این قبیل ممالک از یکسو از ضعف تولید ملی و دموکراسی و برنامه‌های نارسائی دولتها مینالند و از سوی دیگر از جهل عوام. از اینرو نه زبان ملت را میدانند و نه زبان دولت را. بنوعی احساس بی‌وزنی و عدم مشارکت در امور دارند. بنوعی سرگشته‌اند و کوه علم و پرتو نبوغ خود را خفته و خفه می‌یابند. بنوعی از واقعیات دور میشوند و مهجور میمانند مسئله دیگر اینجاست که بخش خصوصی و عمومی در این قبیل کشورها ناتوان تر از آنند که بتوانند روشنفکران را به نیکوئی خریداری کنند بهمین دلیل کش و واکش و کش و واکشی بی‌سن روشنفکران و دولتها و همچنین بین روشنفکران و مردم در کشورهای در حال رشد هویدا است که طبیعی است نتیجه بنفع روشنفکران نخواهد بود زیرا اینان نیز ناتوان تر از آنند که مردم را همیشه با افکار خود همراه سازند وانگهی وقتی خود جزء دولت‌اند و حکومت، نفوذشان به حداقل میرسد

بی‌کمان که اگر انعطاف خود را باز نیابد نمیتواند در سلك روشنفکران بماند و باید که طبقه اجتماعی دیگری بپیوندند يك چیز هست و آن اینکه روشنفکران جماعات بلوک شرق سنتهایی از طبقات کارگر و کشاورز را داخل عرف و عادات خویش کرده‌اند شاید بگویند بعکس فرزندان از طبقات کارگر و کشاورز ره به طبقه روشنفکر جسته و حتی درصد بالائی را تشکیل داده‌اند که در این صورت می‌گویم نتیجه یکی است در هر حال روشنفکر بلوک شرق چیزی از پرولتاریا و یا افراد پرورده جامعه‌سوخوزها و کلخوزها دارد - روشنفکران بلوک شرق اگر حماسه آفرین‌ها نباشد اندیشمندانی‌اند بسیار غالب و همین برفضیلتشان می‌افزاید و بر بازدهی کارشان به نسبت روشنفکران مغرب زمین می‌افزاید اینها فشار ماشین را نیز حس میکنند و حقارت خود را در برابر آن نیز اما روال کارشان به آنها تلقین کرده است که مردم مقدس‌اند و محترم و ماشین اساسا برای خدمت بآن ساخته شده منتهی این يك شعار است و حقیقت آستکه چه در امریکا و چه در روسیه اقمار مصنوعی اسپوتنیک‌ها در خدمت مردم نیستند بگذریم از مسابقات فوتبالی که جریانش و مراسم و سیله اقمار مصنوعی پخش میشود! روشنفکر بلوک شرق از این قضایا رنج میبرد.

کشورهای آسیائی (بجز ژاپن) و افریقائی برای روشنفکران خود مسائل دیگری دارد. خیل کشورهای در حال رشد روشنفکران خود را در آتش يك سیاست مستقل ملی و يك مبارزه واقعی علیه استعمار نو و کهنه سرخ و سیاه، زرد و آبی و هرچه که

نه هر که چهره برافروخت دلبری داند نه هر که آینه سازد سکندری داند

شعری که هفتصد سال پیش سروده شده و در مورد ویتنام امروز مصداق دارد
با داشتن ۲۴ هزار شاعر نوپرداز مجله ارگان حتی نیم مصراع هم نداشت
روی جلد بگذارد

پیا که نوبت صلح است و آشتی و عنایت بشرط آنکه نگوئیم از آنچه رفت حکایت

وقتی آدم شصت روز باروپا میرود باید خدا حافظی اش هم گودبای باشد

من پیش آمده که امیدوارم بلطف
دوستان سخن سنج و شعرشناس رفع
شود و این گره از کار من باز شود
بسیاری از خوانندگان عزیز و دوستان
گرامی دیده و نادیده درباره من و
کارگاهم دو جور حساب میکنند ،
یکی اینکه کارگاه مرا با صفحات ادبی
گرامی مجلات اشتباه میکنند و دوم
اینکه چون میدانند من شعرنو دوست
ندارم اشعاری در قالب کهن میسرایند
و برای بنده ارسال میدارند تا چاپ
کنم و در نامه‌ای که ضمیمه شعر
مرحمتی‌شان است مرقوم می فرمایند
(آقای نمدمال، تو که باشعرونومخالفی
بفرما اینهم شعر کهن ، چاپش کن تا
دل نوپردازان بسوزد).

که در اینجا ناگزیرم برای روشن شدن
ذهن این دسته از خوانندگان محترم و
گرامی عرض کنم این صفحه ازنامش
پیداست . صفحه نمدمالی است ، نه
صفحه ادبی . دوم اینکه اگر من با
شعر نو مخالفم دلیل نمیشود که طرفدار
چنین اشعاری هم باشم ، فی‌المثل :
میمیرم من برای ذوب آهن
شود جانم فدای ذوب آهن

یا :

دندان تو مانند سرب
چشمان تو مانند ترب
بنده کمترین اگر به شعر کهن
عشق میورزم باین خاطر است که



وزیر محترم ایران پیپی بگوشه لب
دارند .
در مورد «گودبای» کردنشان
حرفی ندارم ، از قیافه‌شان پیداست که
وطن پرست و میهن دوست و فدائی
هستند و حق دارند بجای خدانگهدار
و خدا حافظ کلمه «گودبای» بکار
ببرند اما اخوی تنها پیپ بکنج لب
گذاشتن دلیل این نیست که بایسن
سادگی میشود جناب آقای هویدا شد.
اولا برای هویدا شدن میبایست
سپید تومان به جناب آقای دکتر
شاهقلی وزیر محترم بهداشتی بدعکار
بود .

ثانیا بقول حافظ شاعر آسمانی‌مان
نه هر که چهره برافروخت دلبری داند
نه هر که آینه سازد سکندری داند
هزار نکته باریکتر ز مو اینجاست
نه هر که سر بترشد قلندری داند

سخن را روی با صاحب‌دلان است

عرض کنم خدمت حضور با
سعادت خوانندگان عزیز و گرامی
بخصوص خوانندگان محترمی که طبع
شعر و ذوق سلیم دارند گرفتاری برای

با عرض معذرت باز شماره قبل
بدون هیچ دلیلی کارگاه تعطیل شد
انشاءالله به بیحالی نمدمال خواهید
بخشید .

خواننده محترمی کارت خدا حافظی
جناب آقای محسن داوودپور را برای
بنده ارسال داشته‌اند شاید هم خود
جناب آقای محسن داود پور این لطف
را در حق بنده فرموده‌اند که مبادا از
غیبت‌شان ناراحت بشوم در هر دو
صورت از لطف‌شان ممنون و سپاسگزارم
مضمون کارت بطوریکه ملاحظه می-
فرمائید این است .

گودبای

بواسطه مسافرت شصت روزه خود
به پاریس و لندن و روم و سایر کشور
های اروپائی از دوستان و آشنایان
خدا حافظی مینمایم .

ملایر محسن داوودپور

گفت :

سه روزه رفته‌ای سی روزه حالا
زمستون رفته‌ای نوروزه حالا
خودت گفتی که وقت گل میایم

شماره کن به بین چند روزه حالا
بطوریکه در متن کارت ملاحظه
میفرمائید جناب آقای محسن داوودپور
عکس‌شان را سمت چپ کارت تودیع
(گودبای) شان گراور کرده‌اند در
حالی که مانند جناب آقای هویدا نخست



گوربای

بواسطه مسافرت ۶۰ روزه خود به پاریس و لندن و روم
وسایر کشورهای اروپائی از دوستان و آشنایان خداحافظی
مینمایم

ملایر - محسن داورپور

رجوع شود بکارگاه

جلد گذاشته بود که در نوع خود جالب و ابتکاری است (عینا آن را در کارگاه ملاحظه میفرمائید) روی جلد عکس جفدی است که سمبل جنک است و عکس دو کبوتر که بشیر و بشارت دهنده صلح و پایان جنک است، در قسمت پائین عکس دو سرباز امریکائی و ویتنامی دیده میشوند که دست محبت ویاری و همکاری بگردن هم افکنده اند و بسوی سرنوشت بهتری میروند که تصدیق میکنید عکس روی جلد در نهایت ذوق و سلیقه و عمق و معنی انتخاب شده است.

حالا برای اینکه این عکس گویا باشد یا يك مصرع شعر یا يك بیت شعر یا نیم مصرع شعر یا يك جمله مناسب لازم است.

بطوری که در عکس و سمت راست بالای عکس ملاحظه میفرمائید نوشته شده:

بیا که نوبت صلح است و آشتی...
که اصل بیت از سعدی است و کاملش این است:

بیا که نوبت صلح است و آشتی و عنایت
بشرط آنکه نگوئیم از آنچه رفت حکایت

حالا از شما سؤال میکنم این شعر سنتی است؟ این شعر کهنه است؟

من کردم و اینهمه کتابهایی که تابحال نویسندگان و اندیشمندان و شاعران در مورد مرگ و زندگی و هستی و نیستی در يك بیت خلاصه کند نه تنها من (که قابل نیستم) دنیا اورا به شاعری میشناسد و این یکی از آن موارد است که حافظ شاعر آسمانی ما میفرماید:

در هوا چند معلق زنی و جلوه کنی
ای کبوتر نگران باش که شاهین آمد
تمامش را در سیزده چهارده کلمه خلاصه کرده، کپسول کرده و گفته دیگر روده درازی چرا؟ شعر نوئی که هفتصد سال است کهنه نشده و تا زندگی روی کره زمین باقیست کهنه نخواهد شد بقول سعدی:

ز خاک سعدی شیراز بوی عشق آید
هزار سال پس از مرگ او گرش بوئی
مثال دیگری برایتان میآورم طبق نوشته گرامی روزنامهها قرار است انشاءالله قوای امریکا تا نه ماه دیگر از ویتنام خارج شوند و این جنک لعنتی خانمانسوز در این کشور آتش گرفته و جنک زده بعد از حدود بیست سال تمام شود گرامی مجله فردوسی ارگان شعروادب و هنر امروز شماره (۱۰۱۹) بتاریخ هفتم تیر ماه ۱۳۵۰ عکسی روی

می بینم سعدی یا حافظ یا خیام و مولوی یا دیگران صدها جلد کتاب را در امر روان شناسی و فلسفه و حکمت و تصوف و غیره در يك بیت یا دوبیت خلاصه و کپسول کرده اند و بدست من و دیگران داده اند و تمامش مغز است نه پوست. اگر قرار باشد شعر پوست باشد من خودم از همه شاعران معاصر «نو و کهنه» شاعرترم چون حرفها و اشعار من هم از پوست تجاوز نمیکنند ولی شعری را شعر نو میدانم که هیچ وقت کهنه نشود.

برای مثال عرض میکنم هفته گذشته يك فاجعه جهانی بوقوع پیوست که سیاه و سفید و زرد و سرخ در دنیای غم و اندوه فرو رفتند و گریستند این فاجعه غم انگیز که دنیائی را عزادار ساخت مرگ سه فضا نورد شوروی بود، که بخاطر پیشرفت علم و دانش بشری مدت بیست و چهار روز در فضا و در ماوراء «جو» و دور از یاز و دیار، زن و فرزند، دوست و خویشی و پیوند در فضا سرگردان و معلق بودند. در سفینه شان هویج کاشتند سبزی کاشتند آزمایش های علمی کردند و بعد سوار سفینه دیگری شدند و عازم زمین شدند و چند لحظه مانده باینکه بزمین برسند و به سر خانه و کاشانه وزندگی شان باز گردند اجل گریبان شان را گرفت (خداوند روحشان را شاد بدارد که چه مردان بزرگ و قهرمانی از میان ما رفتند همین طور آن سه فضا نورد امریکائی که دو سه سال قبل در موشک شان سوختند و قبل از اینکه موشک بجانب ماه پرواز کند در يك چشم بهم زدن بدل به مشتی خاکستر شدند فرقی نمیکند، این جماعت نه متعلق بدشوروی هستند نه متعلق بامریکا بلکه متعلق به همه مردم روی زمین هستند) باری از مرحله پرت افتادم اگر کسی توانست این همه پرگوئی که

بنویسد چون خسرو شاهانی سبیلو (از من و از ما) و (از آن دانشیار دانشکده ادبیات) ماهیانه پانصد تومان مادام العمر باج خواسته (و ما ندادیم) با شعر نو مخالف است و آثار هنری و ادبی و جاودانه مردان و ابر مردان و ربر مردان رامسخره میکند و میکوبد از خوانندگان عزیز معذرت می-خواهم سخن بدرزا کشید. روی این اصل از کلیه خوانندگان محترم و گرامی و خصوصا خوانندگان عزیزی که طبع موزون و ذوق سلیم دارند خواهش میکنم از ارسال شعر برای چاپ در کارگاه نمدمالي خودداری بفرمایند، که باعث شرمندگی است هر وقت خوانندگان گرامی و شاعران نوپرداز و کهن سرا توانستند چنین شعری بگویند و بسرایند تلفن کنید خودم بدر خانه تان میآیم و میگیرم و میبرم و با افتخار و غرور و سربلندی بنام خودتان چاپ میکنم :

در همه دیر مغان نیست چو من شیدائی
خرقه جانی گرو باده و دفتر جانی
کشتی باده بیاور که مرا بی رخ دوست
گشت هر گوشه چشم از غم دل دریائی
سخن غیر مگو با من معشوقه پرست
کز وی جام می ام نیست ز کس پروائی
نرگس ار لاف زد از شیوه چشم تو مرنج
نروند اهل نظر از بی نایبانی
دل که آئینه شاهیست غباری دارد
از خدا میطلبم صحبت روشن رانی
کرده ام توبه بدست صنی باده فروش
که دگر می نخورم بی رخ بزم آرائی
جوی ها بسته ام از دیده بدامان که مگر
در کنارم بنشانند سهی بالائی
سر این نکته مگر شمع برآرد بزبان
ورنه پروانه ندارد به سخن پروائی
این حدیث چه خوش آمد که سرگه میگفت
بر در میکده ای با دف و نی ترسانی
گر مسلمانی از این است که حافظ دارد
آه اگر از پی امروز بود فردائی

آقای رویائی و دیگران بگذارید
فی المثل
مرا بمددگیت دعوت ...
شفافیت یاخته های سبب ...
از بوق يك الاغ دوچرخه ...

حتی این روشنفکران و نوپردازان و گیسوشالالها و ریشوشالالها نیم مصراع هم نداشتند که بدرد (نمیگویم روی سنک قبر ژنرال سوکارنوبخورد) به درد روی جلد مجله ارگان بخورد و باز دست بسوی دیوان سعدی دراز کردید و با نیم مصراع شعر سعدی حرف تان را زدید و بشکل شعر نو هم چاپ کردید .

بیا که

نوبت

صلح است

و آشتی

پس این شعر نو شما به چه درد میخورد؟ حالا بروید در مجله تان یا در روزنامه های دیگر بمن فحش و ناسزا بدهید و تهمت و افترا بزنید و

شعری که هفتصد سال پیش سروده شده و امروز مصداق حال سربازان امریکائی و جنگندگان ویتنامی را دارد و مجله ارگان شعر و ادب و هنر امروز یعنی گرامی مجله فردوسی با داشتن بیست و چهار هزار شاعر نوپرداز (از زمان نیما گرفته تا باین لحظه که مادری سرخشت بنیشتند و بجهای بدنیا بیاورد که بعدها قراز است شاعر نوپرداز بشود) و داشتن چهل و هشت هزار دیوان شعر که چهار دیوان آن يك جا متعلق بآن دانشیار محترم دانشکده ادبیات است (سراینده این شعر يك یعنی چهار دو یعنی چهار) حتی نیم مصرع هم نداشت که روی تابلو بآن قشنگی روی جلد بگذارد؟ آیا این شعر کهنه است بیا که نوبت صلح است و آشتی و عنایت بشرط آنکه نگوییم از آنچه رفت حکایت میخواستید روی جلد نیم مصراع از مرحوم نیمایوشیج، جناب آقای شاملو، جناب آقای نادرپور، مرحومه فروغ فرخزاد «پری شادخت شعر آدمیان»



رجوع شود بکارگاه

گزارشهای منتشر نشده سفیر ایران که بوزارت خارجه نرسید

مجموعه حاضر، متضمن پنج گزارش سیاسی از میرزا ملک خان ناظم‌الملک میباشد که در تاریخ بیست و هفتم ذیحجه سال ۱۲۹۵ قمری هجری، هنگامی که او سفیر ایران در لندن بوده نوشته شده و در نظر داشته است، آنرا به وزارت امور خارجه ایران بفرستد (۱) ولی بعلی که از چگونگی آن آگاهی نداریم آنرا به وزارت خارجه نفرستاده و در دست بازماندگان او باقی مانده است و اینک نسخه اصل گزارشهای مزبور شامل ۲۹ صفحه رقی در تصرف دانشمند محترم آقای دکتر معینیان همسر یکی از نوادگان میرزا ملک خان میباشد (۲) و ایشان آنرا با سه صدری تمام بوسیله برادر همسر خود و دوست ارجمند نگارنده سرکار سرهنك مهندس علی ملکمی برای انتشار و استفاده، در اختیار نگارنده گذاشتند از این رو من از آقای دکتر معینیان و همچنین از دوست گرامی خود سرکار سرهنك ملکمی سپاسگزارم

و اما مخاطب این نامه‌ها، بطوری که از فحوای آنها برمیآید، وزیر خارجه وقت، میرزا حسین خان سپهسالار است که از سال ۱۲۹۰ ه. ق بوزارت امور خارجه ایران انتخاب شده (۳) و تا شوال سال ۱۲۹۷ ه. ق بر آن منصب و مقام باقی بوده است.

اهمیت این چند نامه و یا گزارش بیشتر از این نظر است که ما را به وضع سیاسی و اداری آن دوره آشنا میسازد. زیرا در این نامه‌ها از نکاتی گفتگو و صحبت شده است که از غفلت و بیخبری اولیای وقت امور ایران (گزارش یکم) و تغافل کامل دولت در سالهایی که میرزا حسین خان سپهسالار مقام وزارت خارجه را داشته است (۱۲۹۰ - ۱۲۹۷ ه. ق) و همچنین از وضع سفارتهای ایران در کشورهای بیگانه (نامه نمره ۳) و بالاخره از بی توجهی های دستگاه وزارت امور خارجه نسبت به حفظ مدارک و اسناد محرمانه و سیاسی که بدست اشخاص غیر مسئول و صلاحیتدار می افتاده است (نامه نمره ۴) حکایت میکند (۴). نکته دیگری که باز از این گزارشها بدست میآید، مطالبیست که در قسمت اخیر گزارش شماره ۴ شامل شرح ورود ملکم به کنگره برلین ذکر شده و این گزارش اولاً مغایر نوشته های تاریخ نویسان است که میگویند ایران را به کنگره سال ۱۸۷۸ - م برلین راه ندادند و ثانیاً محتوای آن بیشتر به حماسه‌ای شبیه است که جنبه مبالغه آمیز و گرافه گوئی آن آشکار است.

قائم مقامی

- ۱ - در پشت صفحه اول این مجموعه نوشته شده است «پاکت نهم ناظم‌الملک سفیر ایران مورخ ۲۷ ذیحجه ۱۲۹۵».
- ۲ - مرکز اسناد دانشگاه تهران نیز از این مجموعه میکروفیلی برای خود تهیه کرده و طی شماره ۲۸۳۴ در کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه موجود است.
- ۳ - ر. ک منتظم ناصری ج ۳ ص ۳۳۳ و تاریخ روابط سیاسی ایران و عثمانی تألیف محمود فرهاد معتمد ص ۳ و ۴
- ۴ - مساله بی توجهی به اهمیت محرمانه بودن اسناد و حفظ آنها ظاهراً تا سال ۱۳۱۸ ه. ق نیز مشابه سایر بقیه پاورقی در صفحه بعد

لندن بتاريخ ۲۷ شهر ذیحجه ۱۴۹۵
پاکت [نهم] مشتمل [بر] ۵ نمره
نمره اول (۵)

[۱] خداوندگارا از وقتیکه
موکب همایون بایران مراجعت
فرموده‌اند (۶) تا امروز از وزارت
خارجیه هیچ پاکت و هیچ خبر مکتوبی
نرسیده است.

مسئله افغانستان قبل از جنگ نزد
ارباب بصیرت خوب معلوم و آشکار
بود. چه طور ممکن میشد که آن قسم
دولت افغان با دولت انگلیس بتواند
همجواری بکند و حالا هم چطور ممکن
است که افغان از چنگ استیلای انگلیس
خلاص بشود درمقدمات این جنگ جمیع
وزرای سابق و جمعی از معتبرین این
ملك از قبیل فرمانفرما و مامورین
سابق هند براین دولت هجوم کردند که
شیرعلیخان تقصیر ندارد و کمال ظلم
است که انگلیس با افغان بجنگد.
اعتراضات کرده مخالفین و حمایت
ایشان نسبت بشیرعلیخان نزدیک شد که
دست و پای وزرای [۲] حالیه را در
جنگ افغان بکلی به بندد. وزرا در
مقابل اعتراضات بتدریج تفصیل
مراودات خود را با شیرعلیخان بروز
و نشر دادند و بواسطه نشراین تفصیلات
شیرعلیخان را يك بیک باین خلق
حالی کردند بطوریکه حالا عموماً
هواخواه این جنگ و طالب اضمحلال
قدرت شیرعلیخان هستند. اگر شیر
علیخان زود طالب مصالحه شود او را
در کابل مثل یکی از نوابهای هند
باقی خواهند گذاشت و لیکن اگر در

مخالفت خود ایستادگی نماید و اینها
را مجبور بکند که پیش بروند تا
بهرات خواهند رفت البته در نظر عالی
هست که در این چند سال متصل می-
نوشتیم که انگلیسها در مقابل بی‌اعتنائی
شیرعلیخان عاجز مانده‌اند. خط عمده
بیچاره شیرعلیخان این شد که معنی آن
عجز انگلیس را نفهمید چون دید هر
چه میگوید و هرچه میکند انگلیسها
متحمل میشوند خیال کرد که واقعا اینها
در مقابل او عاجز مانده‌اند غافل از
این بود که خطایا و جهالتهای او را
يك بیک در دفتر خود ثبت میکنند و
يك روزی می‌آیند در حضور فرنگستان
حساب او را [۳] میکشند و فتوی
دفع او را از خلق انگلیس و فرنگستان
میگیرند. اگر چه در تهران هیچکس
فرست و دماغ این را نخواهد داشت
که معنی این عرض مرا ملتفت بشود
و لیکن محض اینکه در دفتر سفارت
و وزارت ما بماند عرض میکنم که
خطایا و تقصیرات و بخصوص عجائب
عدم کنایت ما نیز در دفاتر روس و
انگلیس نقطه به نقطه ثبت میشود.
هیچ شکی نداشته باشید که عنقریب
جمیع این تقصیرات ما را بمیان
خواهند آورد و حکم آنها را از رای
عامه خواهند گرفت چنانکه از برای
عثمانی و افغان گرفتند. خواهید پرسید
کدام تقصیرات؟ اگر متغیر نخواهید
شد و اگر بمن التفات مخصوص خواهید
کرد همه را بتفصیل در يك کتابچه
جداگانه بیان خواهم کرد و اگر شما
هم مثل افغان و عثمانی عاشق اداره

خود و طالب تملقات هستید پس از این
اشاره مختصر خود هزار عذر می‌خواهم.
نمره ۲ درباره رقابت روس و انگلیس
و اثر آن در وضع ایران
[۴] بعد از جنگ قریمه (۷) دولت
انگلیس بیطرفی را شیوه و پولطیک
خود قرار داده. در هر موقع حفظ
صلح را برجمیع مقصودات ترجیح
میداد. باقتضای طول این پولطیک،
ملت انگلیس کم‌کم از خیال و رسوم
جنگ بکلی بری شد. لارديکونفیلد
که برحسب عمق خیال و قدرت عقل
الان اول شخص روی زمین است در
این چهار سال بتدابیر دقیق و بملاحظات
حکیمانه غیرت و خیالات حربه این
ملت را بحرکت آورد. تغییراتی که
از پولطیک این شخص در مزاج ملت
انگلیس حاصل شده به آسانی نمیتوان
بیان کرد و همین قدر باید دانست
که حالت امروزه دولت انگلیس هیچ
ربطی بحالت دو سال قبل ندارد.
پیرارسال هیچ وزیر انگلیس جرات
نداشت که اسم جنگ را بزبان بیاورد
و الان تمام ملت انگلیس بطوری مستعد
جنگ و معتقد پولطیک وزرای حالیه
است [۵] که لارديکونفیلد مثل یکی
از سلاطین مقتدر میتواند تمام قدرت
این ملت را بهر سمتی که بخواهد
حرکت بدهد. مکرراظهاراتاف می‌کند
که اگر ده سال جوان‌تر بودم با این
قدرتی که حالا بدست من افتاده است
دنیا را تغییر میدادم. در هر صورت
این حالت و این پولطیک تازه دولت
انگلیس در دنیا بخصوص در معالک
مشرق باعث تغییرات کلی خواهد شد.

دستگاههای اداری ایران بوده است زیرا نخستین بار در سال ۱۳۱۸ است که وزارت خارجه بفکر تاسیس دفتری
بنام «کابینه‌میشتریل» می‌افتد تا نوشته‌های متضمن مطالب محرمانه را در آنجا حفظ نمایند. (در. ک به نامه مورخه
۱۴ رجب ۱۳۱۸ شماره ۴۲۸۶. برك ۳۶ در مجموعه ۱۹۹۶ Supl Persan مجموعه اسناد میرزا ملكم خان در
کتابخانه ملی پاریس).

۵ - اعدادی که بین دو قلاب [] نوشته شده نشان دهنده آغاز هر صفحه و شماره توالی صفحات سند
اصلی است.

۶ - اشاره به سفر دوم ناصرالدین شاه به اروپاست که از سلخ ربیع‌الاول ۱۲۹۵ تا نهم شعبان ۱۲۹۵ بطول انجامید.

۷ - منظور کریمه Crimé است

پس از انجام کار افغان ، دولت انگلیس امور عثمانی را بطور مالکانه نظم خواهد داد و هیچ شکی نداشته باشید که مجبورا از روی يك طرح وسیع نكار ایران خواهد پرداخت . تا این اواخر جمعی از عقلا براین اعتقاد بودند که هرگز روس بسمت هند حرکت نخواهد کرد . و حالا بچندین وقوعات و سندات معتبر ثابت شده است که قبل از عهد نامه برلین دولت روس از روی يك طرح بزرگ در صدد لشکر کشی بسمت هند و از سه جا لشکر روس رو بافغانستان در حرکت بوده است . از وقتی که این طرح روس آشکار و ثابت شده عامه خلق انگلیس براین عزم هستند [۶] که هجوم آینده روس را در هر جا و بهر طور که ممکن باشد از حالا سد نمایند . چنانکه معلوم همه کس است یکی از اسباب بزرگ این کار باید بحکم طبیعت دولت ایران باشد نمیتوان تصور کرد که بر مذاق این مسئله در این چند ماه چه نوع مذاکرات مهم بمیان آمده است . چون در مرادفات انگلیس با شیرعلیخان در مقدمات کار بعضی خطها شده که حالا مایه تاسف اینهاست وزرای حالیه کمال مواظبت رادارند که در مرادفات ایران خطی نشود . بعلم الیقین میدانم که این اوقات در موافقت و تقویت ایران از هیچ نوع همراهی مضایقه نخواهند داشت . هرات را مشکل می بینم باین زودیها بما بدهند و لیکن در عوض آن بعضی املاک دیگر و بعضی تلافیهای دیگر هست که خیلی خوب میتوانیم بگیریم عقیده بنده این است که در این موقع بجهت ضبط مرو و استحکام عموم حدود یا جمیع اسباب لازمه را میتوانیم در کمال خوبی از انگلیس بگیریم .

در نظر عالی هست که در اینجا میفرمودید لارد کرنویل از روس بیشتر از ما میترسد [۷] آنوقت حقیقتا آنطور بود چون مقصود ملت انگلیس حفظ صلح بود و بس ، جمیع وزرا

میلرزیدند که مبادا برخلاف میل ملت در مرادفات خارجی مایه برودت و حرف منازعه بمیان بیاید . این بود که نه بدولت ایران و نه بهیچ دولت دیگر بهیچوجه نزدیکی نمیکردند . حالا بکلی برعکس آنست خود دسته کرانویل پیش از سایرین در جنگ روس اصرار دارند و بعد از این عامه بزرگان و خلق اینجا بجهت دفع روس از هیچ نوع اقدام باکی نخواهند داشت در مقابل این عزم انگلیس دولت روس هم خوب فهمیده است که بجهت دفع مخالفت انگلیس در امور مشرق بجز لشکر کشی بهند چاره دیگر ندارد . بنابراین بعد از این روس هم تمام قدرت خود را صرف لشکر کشی مزبور خواهد کرد . در این عزم طرفین هیچ تردیدی باقی نمانده و از طرفین بطوری مشغول کار هستند که میتوان گفت الان روس و انگلیس باهم در جنگ هستند . راست است هنوز بهم توپ نمیزنند و لیکن آنچه میکنند و آنچه بعد از این بکنند مقصود [۸] واحدشان این خواهد بود که بنیان هستی همدیگر را زودتر و بهتر خراب بکنند . باعتماد بنده در هیان عظمت های این عداوت انگلیس و روس ما میتوانیم خیلی فایده های بزرگ برداریم و لیکن هرگاه بگوئیم ما در بند فایده نیستیم و میخواهیم همین طور آسوده و بیطرف بنشینیم این خیال خام حکماء دولت ما را بکلی منعدم خواهد کرد . در حین جنگ روس و عثمانی ما بر حسب اتفاق توانستیم در يك گوشه فراموش و بیطرف بمانیم . و لیکن در میان جنگ روس و انگلیس بیطرفی ایران بهزار دلیل از جمله محالات خواهد بود . این فقره در نزد روس و انگلیس بطوری ثابت و در نظر ارباب بصیرت چنان محسوس است که در شرح نکات آن هیچ لزومی نمی بینم . بنابراین دولت ایران خواه و نخواه باید خود را مخلوط این جنگ معظم بداند و از حالا چنان مقدمات فراهم

بیاورد که در ظهور جنگ بتواند شریکی را اقلا بهمدستی دیگری رفع نماید . بنده عرض نمیکتم که دولت ایران همدستی کدام را اختیار بکند . عرض من این است [۹] که باید از حالا بدون فوت يك دقیقه بواسطه مذاکرات دولتی طرح و لوازم حرکات آینده خود را فراهم بیاورد .

بنده بی آنکه برعهده اولیای دولت علیه بقدر ذره [ای] تکلیفی وارد بیاورم از پیش خود محرمانه داخل بعضی مذاکرات بزرگ شدم . اقدامات و تحریرات بنده خیلی بیش از انتظار من اثر بخشید . اولاً از اطلاعات و حسن نیت ما زیاده از وصف ممنون و امیدوار شدند و ثانیاً از روی اعتماد باین خیال افتادند که با ما داخل مذاکرات بسیار مهم بشوند ، شاید در طهران بواسطه شارژدافر خود از خیالات اینجا اشاره کرده باشند . اگر چه مشکل می بینم که در آنجا باین زودی صریحا و تماما داخل مذاکرات عمده بشوند . مذاکرات اینجا از روی کمال محرمانیت و اعتماد بوده است و از برای اینکه بدانید اقدامات بنده چه معنی و چه قدری داشته همین قدر عرض میکنم که مذاکرات ما بدون مداخله هیچ منشی ، محرمانه بخط خود لورد سالسبوری شده است [۱۰] باعتماد بنده از وقتی که ایران با انگلیس مراوده دارد تا امروز چنین مذاکرات عمده و چنین احتمال پیشرفت در میان نبوده است و لیکن بهزار افسوس عرض میکنم که وقتی بنده غرق این مذاکرات بودم و لورد سالسبوری را باین مقام آورده بودم که از روی منتهای اعتناء و اهمیت بخط خود با من مکاتبه میکرد يك دفعه ملتفت شدم که دولت ایران بحدی از این عوالم خارج است که حتی در چنین ایام نیز هیچ نمیداند آیا در لندن سفارت دارد یا نه . بی اعتنائی و بی قیدی که اینروزها از طهران بعامه مصالح این صفحات بظهور رسید

ساعت بیگ بن مشهورترین ساعت جهان

«بیگ بن» مشهورترین ساعت جهان که در برج عمارت پارلمان انگلستان در «وست مینستر» قرار گرفته، در سال ۱۸۵۸ میلادی ساخته شده و اکنون تحت توجه و مراقبت قدیمی ترین ساعت ساز انگلستان بنام «جان ورنان» قرار گرفته است.

«جان ورنان» بایستی اطمینان حاصل کند که این ساعت بموقع زنک میزند و دقیق کار میکند و برای رسیدگی به آن بایستی در هر مرتبه از ۴۹۵ پله بالا برود.

عقربه و وزنه تعادل این ساعت يك تن و نیم و پاندول ۳۱۶ متری آن متجاوز از يك تن وزن دارند. هفته‌ای سه مرتبه بوسیله الکتریسته كوگ میشود و كوگ کردن آن در هر مرتبه يك ساعت و نیم طول میکشد. «مهنامه شهربانی»

فوق تصور من بود. از تحقیق بعضی نکات، بی‌قیدی اولیای دولت آیندغه بر من خوب معلوم شد که از من بی‌عاطرتر و احمق‌تر آدمی در ایران نبوده است. [۱۱] نمره ۳ در مورد عقب افتادن مقرری سفارت

«ده ماهه مقرری این سفارت نرسیده است». یقین مستوفیهای وزارت جلیله، سپهقان‌نیل و تنکوزنیل و بقایا و حواله قسم و آیه و همه حکمتهای وزارت اینعهد را باهم مخلوط خواهند کرد و بمن جواب خواهند گفت که اگر مقرری سفارت دو روز تاخیر بکند کره آسمان بهم نخواهد خورد. بلی کره آسمان بهم نخواهد خورد و لیکن سفارتی که در مثل‌لندن جائی ده ماه به تسویه کاری و وعده های دروغ و قرض و گدائی بگذرانند چنان سفارت مایه ننگ دولت و چنان دولت مایه نفرت دنیا خواهد بود. شکی نیست که بندگان عالی جمیع اهتمامات را بعمل آورده‌اند، تنخواه وصول نشده است. غرابت این معنی هرچه باشد حیرت بنده در این نکته دیگر است که دولت علیه ایران و وزارت جلیله خارجه در حفظ سفارت خود عاجز مانده‌اند و توقع دارند يك نفر مامور که بچندین قسم صدمات بی‌دری [۱۲] مضطحش کرده‌اند در لندن سفارت نگاه بدارد. من مبالغی از دولت، طلب بالاتر از دارم که تفصیل آنرا مکرر عرض کرده‌ام و در این سفر همایون‌شاهنشاه روحی فداهمبالغی مخارج فوق‌العاده کرده‌ام. با وصف این اولیای دولت ما، ده ماهه مقرری مرا عقب میاندازند و تعجب میکنند که چرا در مداحی فضایل ایشان بی‌جهت کوتاهی مینمایم. اگر از اول بمن میفرمودید مواجب نخواهیم داد تکلیف من خیلی آسان میشد اما وقتی وعده‌ها و قسمها و تلغرافهای جنابعالی

پیشکش مینمایم من در خود اینقدر هنر سراغ دارم که بتوانم بدون ننگ این نوع مواجها در دنیا زندگانی بکنم و لیکن حقیقتا بسر مبارک جنابعالی بهیچوجه در قوه من نیست که بتوانم بدون مواجب در لندن سفارت نگاه بدارم در حق شخص من هر طور حرکت بکنید هیچ عیب نخواهد داشت اما والله این نوع حرکت شما نسبت باین سفارت هم ظلم هم گناه، هم خیانت است بدولت. اگر من در خدمات خود نسبت بشما کوتاهی کرده‌ام قطعا ملت و پادشاه و خزانه دولت بشما کم خدمتی نکرده‌اند. الان در دنیا هیچ وزیری نیست که بقدر جنابعالی [۱۴] قدرت و مال دولت را بدست خود گرفته باشد. یقینا قادر این هستید که در لندن يك سفارتی نگاه بدارید مرا با این قدرتی که دارید هر قدر که میخواهید فانی بکنید بسیار خوب و لیکن راضی نشوید که در چنین ایام و در عهد وزارت شما سفارتیکه شما خود خلق کرده‌اید در نظر فرنگستان اسباب اقتضاح دولت و مایه ننگ ریاست بشود.

«ناتمام»

را پیش خود میگذارم و ضررهای گوناگون که از تخلف آنها بر من وارد آمده است ملاحظه میکنم می‌بینم مثل این است که دولت ما خواسته است عمدا بوعده های دروغی سفارت خود را سرگردان و پریشان و آلت رسوائی خود بسازد. خاطر دارم هر وقت مقرری سفارت اسلامبول دیر میکرد (۸) بمیرزا سعید خان هزار فحش میگفتید که ای مرد ناقابل اگر نمیتوانی مواجب سفیر را برسانی چرا از منصب خود استعفا نمیکنی و در آن ضمن مثل می‌آوردید که این مرد در منصب خود يك کیسه پولی پیدا کرده است و روی [۱۳] آن افتاده است و هر قدر باو لگد میزنند او از روی آن کیسه منصب خود حرکت نمیکند. بنده همیشه شريك این ایراد بندگان عالی بوده‌ام و موافق سلیقه سابق بندگانعالی خیلی چیزها دارم که بر کیسه منصب بمراتب ترجیح میدهم که از آنجمله یکی استغنائی طبع من است. چنانکه الان این مواجب کثیف را که باید از اول سال تا آخر سال دیگر بهزار نوع التماس و تملق و تصدق و نامردی از همت ریاست شما گدائی بکنم همه را بشما

۸ - اشاره به سفارت میرزا حسین‌خان مشیرالدوله در اسلامبول است که مدت آن از ۱۲۷۵ تا ۷ و ۱۲۸۶ ه. ق بوده است (ر. ک منتظم ناصری ج ۳ صفحات ۲۶۱ و ۳۱۱ و ۳۱۵)

آخرین آهنگ

هنگامیکه موزار نابغه مشهور موسیقی غرق در خیالات و اندیشه های مبهم بود ناگهان صدای توقف کالسه ای را در مقابل منزلش شنید ، باو اطلاع دادند که ناشناسی تقاضای ملاقاتش را دارد. موزار گفت که بدون راهنمایش کنید. سپس خود را با مردی که جوانی را پشت سر نهاده بود و ملبس به لباس مجلل ، با رفتاری همچون نجبا و شخصیتی برجسته که احترام بیننده را برمی-انگیخت ، روبرو شد.

وی موزار را مخاطب قرارداد داد و گفت: « آقا من از طرف شخصیت مهمی ماموریت دارم که باشما ملاقات و مذاکره کنم » موزار حرف ناشناس را قطع کرده و پرسید : « این شخص کیست؟ » ناشناس در جواب گفت : « متاسفانه مایل نیست شناخته شود ! »

« بسیار خوب پس ممکنست بفرومائید از من چه میخواهید؟ » ناشناس گفت :

« چون خواستار ، در حال از دست دادن یکی از دوستان عزیزش می - باشدو می خواهد خاطره مرگ او را برای همیشه زنده نگاه دارد ، می خواهد همه ساله در سالروز مرگ دوست ارجمندش مراسم یادبود مجللی بجا آوردو از شما درخواست ساختن يك آهنگ سوگواری دارد . »

موزار بشدت تحت تاثیر کلمات استوار ناشناس قرار گرفت و با اینکه احساس میکرد اسراری در این کار نهفته است ، قبول کرد که آهنگ مورد تقاضا را بسازد . ناشناس ادامه داد :

« خواهشمندم از تمام نبوغ خود در تهیه این اثر استفاده کنید ، زیرا باید بدانید برای کسی که خودش کارشناس موسیقی است ، این اثر رامی سازید . »

« چه بهتر ! »

« چه مدت وقت برای ساختن

آن لازم دارید ؟ »

« چهار هفته »

« بسیار خوب ، من چهار هفته

دیگر مراجعه خواهم کرد ، ضمنا بفرومائید چه مبلغی برای انجام آن بایسد پرداخت ؟ »

« »

ناشناس بلافاصله کیف بغلی خود را بیرون آورد و پول مورد تقاضای موزار را روی میز گذاشت و از در خارج شد .

موزار لحظاتی بفکر فرو رفت و سپس دستور داد وسایل کارش را مهیا کنندو علیرغم مخالفت همسرش شروع به کار کرد و روزهای متوالی ادامه داد .

شب و روز برای ساختن این اثر بکار ادامه داد و هر قدر پیشتر میرفت بر وسعت دامنه کار خود میافزود. اما جسم او قدرت تحمل این کار طاقت فرسا را نداشت.

يك روز از شدت خستگی و ناتوانی از هوش رفت و بناچار برای مدتی دست از ادامه کار کشید . همسرش که متوجه (افکار تاریک و ناراحت کننده ای که شوهرش را احاطه کرده بود) شده بود او را از ادامه کار منع کرد ، ولی موزار به او گفت: « من اطمینان دارم ، آهنگی را که میسازم در مراسم مرگ خود من بکار خواهد رفت » و چنان این فکر در مغزش رسوخ یافته و قوت گرفته بود که هیچ چیز نمیتوانست آن را تغییر دهد.

هر اندازه که بر شدت کارش می - افزود احساس میکرد که قوایش بتدریج به تحلیل می رود و پیشرفت کار رو به کندی میگذازد . بالاخره چهار هفته

معمود سپری شد و مرد ناشناس برای بار دوم به ملاقاتش آمد . موزار به او گفت :

« برای من میسر نشد که قولم را حفظ کنم » ناشناس در جواب گفت : « خودتان را ناراحت نکنید ، چه مقدار وقت احتیاج دارید ؟ »

« چهار هفته دیگر ، زیرا طرح کار را آنچنان وسیع گرفته ام که قبلا تصور آن رانمی کردم . »

« در این صورت باید به اجرت کارنیز افزوده شود و معادل مبلغی که پرداخته ام بازهم میپردازم . »

موزار که شدیداً از جریان وقایع متعجب شده بود پرسید : « آقابمن بگوید شما که هستی ؟ »

« معرفی من تاثیری در موضوع و ماهیت امر نخواهد کرد ، من چهار هفته دیگر مراجعت خواهم کرد » و بلافاصله خارج شد.

موزار بلافاصله یکی از مستخدمین را فراخواند و باو دستور داد آن مرد را تعقیب کند و ببیند کیست و بکجا میرود ؟

مستخدم پس از مدتی کوتاه مراجعت کرد و گفت :

« متاسفانه با آنکه فوراً برای تعقیب ناشناس رفتم اما انری از او ندیدم »

موزار ناتوان ، در مغزش این تصور بوجود آمده بود که ناشناس يك انسان عادی نیستو مسلماً با عالم دیگر ارتباط داردو از این جهت باو مراجعه کرده که غیر مستقیم خاتمه زندگیش را باو اعلام نماید !!

علیرغم ناتوانی روز افزونش شب و روز بکار خود ادامه داد و معتقد بود که این اثر بهترین و بادوام ترین

نویسنده : کنت کوپینو نویسنده و رجل سیاسی فرانسه

مترجم : سید محمدعلی جمالزاده

قسمت دهم

مجله نگین

جنگ تر کمن

یا آئینه تمام‌نمای اوضاع و احوال اجتماعی و اداری ایران در گذشته
از زبان یک سرباز روستائی



رسیدن عاشق و معشوقه بهم

چشم به لایلا افتاد که مثل
طاوس مست روی قالی نشسته و
مشغول دوخت و دوز بود . از دیدن
من ذوق کرد و باید اقرار کنم که
از سابقش هم قشنگ‌تر و دل‌ربا تر شده
بود . اشکم جاری شد و خدا را شکر
کردم که زنده مانده‌ام و باز بدوستان
بازیم رسیده‌ام .

فهمید که غم و غصه دلم را دارد
میسوزاند و همین که عبدالله در پی
کارش رفت و تنها ماندیم با صدای
ملایم و با مهربانی هرچه تمام‌تر گفت
می‌بینم که غصه‌داری .

سر را بزر انداختم و گفتم خیلی

آثارش خواهد بود که زایده نبوغ او
شمرده خواهد شد .

در جریان کار باز هم موزار دچار
اغماء و بی‌هوشی شد ولی سرانجام
«آهنک منظور» قبل از انقضای چهار
هفته پایان یافت .

چند روز بعد یعنی در پایان چهار
هفته ، ناشناس مراجعت کرد ، اما
موزار از دنیا رفته بود !!

اومرد ، در حالی که به سی و
شش سالگی نرسیده بود . گرچه
زندگیش خیلی کوتاه بود ولی به‌بهترین
وجه درخشید و آثار فناپذیری از
خود به یادگار گذاشت . و سرانجام
آن‌آهنک معروف راهمانطوریکه خود
پیش بینی کرده بود در ماتمش
نواختند .

هم غصه‌دارم . بیش از آنچه تصور
کنی .

گفت آدم باید عاقل باشد و احتیاط
را از دست ندهد . تو خودت خوب
میدانی که من چقدر ترا دوست می -
داشتم و هنوز هم دوست میدارم .
چیزی که هست سلیمان هم خیلی
خیرخواه من بودو نمیتوانستم قدرشناس
نباشم و جواب محبتش را ندهم .
کریم هم خودت خوب میدانی بقدری
شوخ و خوشمزه و تودل‌پرو است که
آدم نمیتواند دوستش ندارد . عبدالله
هم الحق جوان کاردان و زرنگ و بسا
لیاقتی است و آدم نباید کور و نمک
ناشناس باشد . اگر امروز از من
پرسند که از این چهار پسر کدام یک
را بیشتر دوست میداری خواهم گفت
که اگر هرچهار نفرشان را در دیگی
با هم بجوشانند که یکی بشوند چنین
وجودی را با تمام ذرات وجودم دوست
خواهم داشت والی‌الابد دوست‌خواهم
داشت .

پس از ادای این کلمات نگاهش
را بروی صورت من دوخت و گفت واقعا
که باورکردنی نیست . الله اکبر بیخود
غصه‌نخور و مطمئن باش که در گوشه
قلب لایلا جای گرم و نرمی داری و بقول
مردم «حقه مهر بدان مهر و نشان
است که بود» . خودت تصدیق میکنی
که سلیمان در هفت آسمان یک‌ستاره
نداشت و من چطور میتوانستم با او
عروسی کنم . پس از آن خواستم زن

تو بشوم و جواب‌های سربطای دادن
و بجان خودت قسم که بدل نگرفته‌ام
و از تو گله‌ای ندارم . من خوب
میدانم که تو مرا چقدر دوست می -
داشتی و یقین دارم که هنوز هم دوست
میداری . اما کریم ، کریم با آن
جیب خالی مرا از گرسنگی میکشت و
من طاقت آن همه فقر و فاقه را
نداشتم در صورتی که عبدالله الحمدالله
برویبائی دارد و میتواند شکم زنش را
سیر کند و زندگی آبرومندانه‌ای برای
او فراهم بسازد . حالا دیگر پس من
هم باید زن سربراهی باشم و تا لب
گور نسبت به او وفادار و صدیق
باشم ولی البته فکر و خیالم پیش شما
سه نفر است و هر سه نفر شما سه نفر
مرد خودت میدانی چه میخواهم
بگویم و تو آدم فهمیده‌ای هستی و
نگفته میدانی و ننوشته میخوانی .
عبدالله پسر عموی تست ، سعی کن
خیلی دوستش بداری و دوست صدیق
و دوجان در یک قالب با او باشی و
مطمئن باش که او هم هرچه از دستش
برآید در حق تو مضایقه نخواهد کرد
و معلوم است که من هم هیچ کمک و
خدمتی را دریغ نخواهم داشت .

لایلا باز هم حرفهای زیادی بمن
زد که همه سرتاپا نشانه محبت و
مهربانی او بود . ابتدا بسیار مایه‌غم
و اندوهم گردید ولی کلام را قاضی
کردم و گفتم غم بی‌حاصل چه فایده
دارد . باید عاقل بود و سر تسلیم
فرود آورد و فهمیدم که از آن ساعت

به بعد باید تنها پسرعموی لایلا باشم و بس.

ضمناً ملتفت شدم که عبدالله در معاملات تجارتي خود با اشخاص معتبری سر و کار پیدا کرده بود و نظر بخدمتهائی که در نفع آنها انجام میداد لولهنکش در نزد آنها کم آب نمیگرفت. از او خواهش کردم کار آبرومندی برایم دست و پا کند و طولی نکشید که از برکت وجود چنین پسر عمویی خودم را سلطان فوج خمه دیدم. این فوج از افواج خاصه بود و لهذا همیشه در پایتخت میماند و اینور و آنور فرستاده نمیشد و افرادش مامور پاسبانی قصر سلطنتی بودند و اوقات آزاد خودشان را که بسیار بود به هیزم شکنی و سقائی و عملگی و بنائی میگذراندند.

همین که در قشون دارای مقام سلطانی شدم دیگر سر از پانمیشناختم و همچنانکه تا آن وقت صاحبمنصبها پدرم را سوزانده بودند حالا من پدر سربازهایی را که زیر دستم بودند به آتش میزدیم. همین طرز معامله اسباب اعتبارم گردید و نام و نشانی پیدا کردم و روبهرفته از کار و بار خود راضی بودم و ابداً شکوه و شکایتی نداشتم.

آخر ما پاسبانان شاهی بودیم و مکرر صحبت بمیان آمده بود که «اونیفورم» و لباس نظامی مخصوص ممتازی برای ما درست کنند و هنوز هم همین صحبت در میان است و میان خودمان باشد خیال میکنم تا دنیادنیاست این صحبت ادامه خواهد داشت.

گاهی میخواستند از روی اونیفورم پاسبانهای امپراطور روس برایمان اونیفورم درست کنند و از قرار معلوم اونیفورم سبزرنگی است با سردوشها و نوارهای طلایی. روز دیگر خیالشان تغییر مییابد و مصمم میشوند که اونیفورم پاسبانها باید سرخ رنگ باشد ولی با همان سردوشی و زینت وحاشیه و نوار طلایی. من شخصا گاهی فکر

میکتم که اگر چنین لباسی به ما بیوشانند ما چطور خواهیم توانست انجام خدمت بدهیم. وانگی چنین کاری مخارج زیادی دارد و کسی باید این مخارج را بپردازد. جیب خالی و بز عالی که میگویند همین خواهد بود. ولی فعلاً که افراد فوج بجز شلوار های پاره و وصله دار لباسی ندارند و چه بسا کلاهی هم ندارند که برسر بگذارند.

همینکه خودم را صاحبمنصب و مقام دیدم نخواستم از دیگران عقب بمانم و به خود گفتم باید با کسانی که مانند خودم صاحب مقام و اعتبار هستند نشست و برخاست بکنم و همقطار آنها باشم و طولی نکشید که آرزویم برآورده شد. از همه بیشتر به سلطان جوانی اخت شدم که الحق والانصاف جوان تمام عیاری بود و در عالم رفاقت همتا نداشت. او را برای تعلیم نظامی بفرنگستان فرستاده بودند و مدتی با فرنگیها بسر برده بود و در حق فرنگی جماعت داستانهائی برایم نقل میکرد که هرگز بگوשמ نرسیده بود و از شنیدن آن لذت میبردیم. شبی که قدری بیشتر از معمول عرق خورده بودیم (با اصطلاح چای سرد) بنای درد دل را گذاشت و حرفهائی زد که بنظرم همه درست و حسابی بود و در خاطر من نقش بسته است.

میگفت داداش جان، خودت هم خوب میدانی که ایرانی جماعت ساده است و فرنگیها هم احمق تمام عیارند و چیزی سرشان نمیشود. مرا که می بینی در میان آنها بزرگ شده ام و آنها را خوب بجا آورده ام. وقتی مرا به فرنگستان فرستادند اول مرا در مدرسه متوسطه گذاشتند و همین که من هم مثل جوانهای خود آنها آن مدرسه را بآخر رساندم مرا وارد مدرسه نظامی کردند که اسمش «سن سیر» است. پس از دو سال به مقام صاحبمنصبی رسیدم و بایران برگشتم که ای کاش

هرگز برنگشته بودم. اینجا هم داخل نظام شدم و عقیده و نظر مرا در باره تشکیلات نظامی ایران پرسیدند و برایشان شرح دادم. بریشم خندیدند و احمق خواندند و گفتند کافر و بیگانه و دیوانه شده است و انداختند زیر فلکه و تا بخواهی چوب به کف پاهایم زدند. در مدرسه نظامی بما یاد داده بودند که صاحبمنصب باید جانش را برای آبروی خود فدا سازد و بقول آخوندهای خودمانی النار ولا العار...

وقتی حرف رفیقم بدینجا رسید يك گیلان دیگر از عرق در گلو ریختم و گفتم چه حرفهای مزخرفی آدم مگر چندا جان دارد.

رفیقم تصدیق کنان گفت حق با تست و این فرنگیهای نادان نمیتوانند بفهمند که اینجا در مملکت ما همه چیز و تمام عادات و رسوم و منافع و مصالح و آب و هوا و خاک و گذشته و حال و تاریخ و جغرافیا تمام آنچه را بنظر آنها آسان و لازم میسازد در اینجا غیر ممکن و از محالات میسازد. وقتی دستگیرم شد که اگر بخواهم جانم را فدای آبرویم بسازم يك فاز سیاه ثمری ندارد تغییر فکر و عقیده دادم و فهمیدم که درست گفته اند که «خواهی نشوی رسوا هم رنگ جماعت شو» و من همان کسی بودم که همیشه گفته بودم «خواهی بشوی رسوا هم رنگ جماعت شو». از آن بعد زیر آب هر عقیده ای را زدم و طوق این عبودیت را از گردن خود بدور انداختم و قید ایراد گرفتن و اعتراض کردن و منکر شدن و سرزنش و ملامت کردن دیگران را یکباره زدم و من هم مثل همه مردم و هموطنانم شدم و امروز دستی را که نمیتوانم بگرم میبوسم و بهمه بله قربان، بله قربان تحویل میدهم و لامحاله آسوده هستم و دشنام و حرف بیراهه نمیشوم و نفسی میکشم آسوده تا جان به آخر رسد و برآستی آسوده شوم...

بقیه در صفحه ۵۵

تصرف بصره بدست ایرانیان

در زمان شهریاری کریمخان زند

ششم - مسئله کردستان

سرزمین ایران و عراق در ناحیه کردستان چون نزدیک به مسقطالراس زند میباشد بسیار مورد توجه این خاندان بود، طایفه زند از کوههای صعبالعبور این ناحیه ضربات شدیدی به عثمانیها وارد میآوردند و هنگامی که مورد تعقیب قرار میگرفتند به کوهستانهای مرتفع عقبنشینی می نمودند قبل از کریمخان سرپرست طایفه زند شخصی بنام مهدیخان بود. این شخص با جنگجویان تحت فرماندهی خود که از ۷۰۰ نفر تجاوز نمیکرد مرتباً با عملیات چریکی و جنگهای نامنظم مزاحم عثمانیان میگردد و در هنگامی که احساس خطر میکرد بارتفاعات پناه میرد. در مجملالتواریخ گویند که طایفه زند «... با این جمعیت قلیل همیشه با کثرت افواج رومیه بطریق شیخونی به عراقی آویخته جمعی کثیر از آن طایفه را بوادی عدم میفرستاد و در صورت غلبه خصم، خود را به کناری کشیده راه جبال در پیش میگرفت» (۱۹).

این جنگ و گریزها همینطور ادامه داشت تا این که کریمخان روی کار آمد. در آغاز کار کریمخان، شخصی بنام حسن علیخان والی کردستان بود. این شخص قدرت فراوانی یافته بود و چون از کریمخان زند بیم داشت برای درهم شکستن او بطرف پیری و کمزبان لشکر کشید ولی کریمخان که در این موقع سپاهیاناش اندک بود راه مبارزه

مستقیم را در پیش نگرفت، وی شبها به لشکر دشمن شبیخون میزد و تلفات بسیاری به آنها وارد میساخت این نبردهای شبانه مدت ۴۵ روز بطول انجامید و حسنعلی خان در ایس لشکرکشی نتوانست کاری ازپیش ببرد.

در این هنگام نیز خبر لشکرکشی سلطان سلیم پاشای بهبه بسوی کردستان به حسنعلیخان رسید و وی درنگ بیشتر را جایز نداشت از پیری و کمزبان عقبنشینی نمود «... از کردستان خبر ورود سلطان سلیم پاشای بهبه رسید که با جمعیت هزده هزار (۲۰) سپاه کرد و کرماج باغوای بزرگان و ریش سفیدان و اهالی شهر سنجندج و جمعی دیگر از ایلات کردستان که از حسنعلی خان ناخوش و مخوف و در استیصال او میکوشیدند با سلیم پاشای مذکور متفق و چهار منزلی سنجندج رسیده مردم آنجا همگی در تزلزل میباشند از آنجا بی نیل مقصود و عطف عثمان بجانب کردستان نموده باستعجال روانه شده جماعت زندیه با کریمخان عقب فوج او را گرفته پس ماندگان لشکر را تاخت و تازو بقتل میرسانیدند و خان مذکور بسبب برهم خوردگی ملک خود در رفتن تعجیل مینمود و اعتنا به جماعت زندیه که عقب سپاه را داشتند نمینمود «...» (۲۱) بر اثر حملات کریمخان تعدادی از قوای حسنعلیخان بسدین ترتیب از بین رفت لذا او برای مقابله با سلطان سلیم پاشای بهبه نیروی کافی را در اختیار نداشت و در نبرد

شدیدی که بین آن دو درگرفت حسنعلی خان شکست خورد و متواری شد و بدین ترتیب بوسیله سلطان سلیم پاشای بهبه، شخصی که رقیب بس خطرناکی برای کریمخان زند بود از میان برداشته شد. سلطان سلیم که بعد از این واقعه از حمایت مردم کردستان سلب امید کرده بود و از سوی دیگر سردارانش بر علیه او قیام نموده بودند ناچار به ترك این منطقه شد.

کریمخان بدون دغدغه خاطر وارد کردستان شد و در هنگام ورود او خسروخان نوه سبحان وردیخان فرمانروای آن سامان بود و او نیز از کریمخان اطاعت نمود. در اینجا لازم است نکته ای را که مرحوم زین العابدین کوهمره ای ملقب به امیر در ذیل و حاشیه ای که بر مجملالتواریخ می نویسد گفته شود او از زبنةالتواریخ نقل میکند که «چون حسنعلیخان کرد اظهار اطاعت و انقیاد نسبت به کریمخان نمیکرد کریمخان پس از مغلوب کردن مهرعلی خان تکلومتوجه کردستان شد. حسنعلیخان و پیروانش خواهی نخواهی قبول فرمانبرداری وی کردند» (۲۲) ولی آنچه مسلم است این است که حسنعلیخان بعد از شکست به طرف آذربایجان متواری شد و تا پایان عمر در آنجا میزیسته است.

این حوادث روشن گر این واقعیت است که کریمخان زند تا چه حد به منطقه کردستان توجه خاصی مبذول میداشته است.

۱۹ - مجملالتواریخ تألیف ابوالحسن بن محمد امین گلستانه صفحه ۱۴۶ - ۲۰ - غرض هیجده هزار میباشد.

۲۱ - مجملالتواریخ ص ۱۶۰ - ۲۲ - ذیل و حاشیه زین العابدین کوهمره ای بر مجملالتواریخ ص ۴۵۱.

سالها بعد از این واقعه، حادثه دیگری در کردستان اتفاق افتاد؛ اینکه حادثه بسیار کوچک است ولی بدلالی که ذکر شد کریمخان به آن انداز به منطقه کردستان اهمیت میداد که همین واقعه کوچک منجر به اعزام قوا از طرف او گردید و در نتیجه یکی دیگر از علل اختلاف میان او با والی بغداد بوجود آمد موضوع از این قرار است که سلیمان پاشا والی کردستان عراق از دولت عثمانی رنجیده خاطر شده بود بنزد کریمخان پناه آورد. خان زند وی را سخت مورد حمایت خود قرار داد و از او در نزد دولت عثمانی شفاعت کرد. این درخواست کریمخان مورد قبول عثمانی قرار گرفت تا جایی که سلیمان پاشا را مجدداً به سمت حکومت کردستان عراق منصوب نمودند. محبت کریمخان زند در باره این پاشا باعث شد که بعد از مرگ او برادرش که بنام محمد پاشا نامیده میشد و به جای او به حکومت رسید نسبت به دربار ایران حق شناس و خدمتگزار باقی بماند اما خدمتگزاری و توجه محمدپاشا نسبت به کریمخان مخالف نظر و حتی موجب سوءظن عمرپاشا والی بغداد و بصره بود به همین جهت محمد پاشا را معزول کرد و برادرش محمودپاشا را به حکومت چولانور ریاست طایفه بابیان منصوب کرد. محمدپاشا مراتب را به کریمخان زند اطلاع داد کریمخان از پاشای بغداد خواست که محمد پاشا را در سمت قبلی ابقاء کند اما والی بغداد نه تنها این خواسته را قبول نکرد بلکه عده‌ای را هم‌مأمور

کرد که به قلعه چولان بروند تا چنانچه ناراحتی از طرف کریمخان یا احیاناً محمد پاشا ایجاد شود آنرا برطرف و محمودپاشا را در حکومت یاری نمایند. از این طرف نیز کریمخان سپاهی به سرداری علی مرادخان زند به کمک محمدپاشا فرستاد. حملات سپاه ایران در آغاز باعث شد که سپاهیان عثمانی شکست بخورند ولی در همین هنگام علی مرادخان که مثل غالب اوقات مست بود به تنهایی خود را داخل سپاه عثمانی انداخت. و نام خود را اظهار داشت. سپاه عثمانی او را دستگیر نموده و در نتیجه سپاه ایران که سردار خود را از دست داده بودند شکست خورده و متواری و بسیاری از آنها کشته شدند. علی مرادخان را به بغداد بردند و بعد از چندی دولت عثمانی او را آزاد کرد هرچند خان زند سردار دیگری را فرستاد و او این شکست را جبران کرد ولی اقدامات عمرپاشا مبنی بر رد تقاضای کریمخان همیشه در نظر شهریار زند بود و انتظار داشت که فرصتی بدست آید تا بتواند جریان این اعمال را بنماید لذا بصراحت میتوان بیان داشت که ساله کردستان نیز یکی از علل لشکرکشی شهریار زند بسوی بصره میباشد.

هفتم - کشته شدن یابی ایرانی

بدست حاکم بصره

میرمهای وغانی پسر میرناصر از مشایخ بندر ریگ بود. این شخص قبل از سلطنت کریمخان بر اثر شرارت و راهزنی در خلیج فارس برادران و عموها و برادرزادگان خود

را یکی پس از دیگری بقتل رساند و فرمانروای بلامنازع بندر ریگ شد و به شرارت و راهزنی در خلیج فارس پرداخت. نخستین بار که کریمخان بر شیراز مسلط شد میرمها را به شیراز فرا خواند و چون میدانست که وی آدم ناراحتی است او را توقیف نمود ولی میرزا محمدبیک خرموجی که داماد میرمها بود از او شفاعت کرد. چون این شخص از خدمتگزاران صدیق شهریار زند بود وساطت او مورد قبول قرار گرفت کریمخان میرمها را مرخص نمود و ریاست طایفه وغانی و ضابطی بندر ریگ و حدود آنرا بوی محول نمود. (۲۲) از سال ۱۱۷۶ که میرمها مجدداً بمحل خود بازگشت باز بنای شرارت و آدمکشی را گذاشت. کریم خان که در این هنگام مشغول امور مرکزی ایران بود نتوانست به تنبیه میرمها بپردازد ولی عاقبت امیرگونه خان افشار را برای سرکوبی او اعزام داشت میرمها بدربار گریخت و به جزیره خارکو رفت ولی چون این جزیره بدون آب بود تصمیم گرفت که به جزیره خارک دست اندازی نماید.

بعد از این که میرمها تصمیم به تصرف خارک که در آن زمان در تصرف هلندیها بود گرفت (۲۴) هلندیها با شیخ سعدون آل مذکور حاکم بوشهر که او نیز از میرمها دل خوشی نداشت بنای مراده گذاشتند و طرفین بر حسب وعده و قرارداد قبلی متفقاً از خارک و بوشهر بسوی خارکو رهسپار شدند. میرمها با کشتیهای خود در روی دریا باستقبال دو نیروی مهاجم شتافت و بعد از نبردی آنها را شکست

۲۳ - تاریخ خلیج فارس نوشته ویلسون ترجمه محمد سعیدی ص ۱۵۵ بعد.

۲۴ - توضیحا باید اظهار شود حکومت هلند که در جزایر اندونزی کنونی مستقر بودند تصمیم گرفتند تا مرکزی در بصره دایر نمایند برای این منظور نماینده‌ای را با عده‌ای به بصره فرستادند و حاکم بصره نیز همه‌گونه قول مساعد به نماینده این شرکت داد ولی بعد از این که رونق‌ورزافزون کار آنها را دید دیگر به فکر اخاذی افتاد و چون با مقاومت نماینده شرکت مواجه شد به بهانه‌ای او را بزن‌دان افکند تا این که توانست مقدار معتناهی پول از او بگیرد و بعد از این عمل او را رها ساخت. نماینده هلند پس از رها شدن بفکر تصرف جزیره بقیه پاورقی در صفحه بعد

بهر صورت میرمنا، شخصی که سالیان دراز موجب ناامنی قسمتی از جنوب ایران شده بود بقتل رسیدولی کریمخان زند پس از اطلاع از این جریان ناراحت شده و نامه شدید و اعتراض آمیزی به والی بغداد و بصره فرستاد که بچه علت مامور یافی دولت ایران را به ایران مسترد نداشته و خودسرانه او را بقتل رسانیده است. اواخر نامه از رستم التواریخ برای آگاهی بیشتر نقل میشود.

«... الحمدلله که ما از حد وکالت خود پای بیش نه نهاده و بسا کمال ادب و انصاف در مقام خود مانند سد سکندر ایستاده ایم، لاجرم غلط بسیار بزرگی از تو صادر و جرم بسیار عظیمی از تو ظاهر شده، تنبیه تو بر ما لازم و به تحذیر تو عازم میباشیم، ای بیخرد ناهوشیار، چاکر یافی روگردان ما را تو چرا بر دار کردی، تنبیه چاکر گناهکار بر آقای وی است نه بر غیر و در حقیقت میرمنا صاحب سیف و قلم و بکمالات صوری و معنوی آراسته بود، از کشور روم خونبهایش بیش است. پس بر ما واجب و لازم است که خونبهای چاکر رشید نامور خود را از تو بگیریم ..»

خلاصه کلام آن که عادلانه خاتون خواهر احمد پاشای بغدادی را از برای ما بفرستید یا بصره را به تصرف کارگزاران ما بدهید و یا آماده جنگ باشید و زهرآب شمشیر دلیران را

شکسته ای رسانده و بدریا رود. وی و همراهان در آن کشتی شکسته چندین روز بهر طرف در حرکت بودند تا این که صبح یکی از روزها کشتی بساحل رسید متوجه شدند که بساحل بصره رسیده اند میرمنا بهیچوجه تمایل نداشت که در بصره پیاده شود زیرا شرارت های فراوان او و آدمکش های که انجام داده بود باعث گردیده بود که سراسر مردم خلیج و نیز مردم بصره تشنه خون او باشند ولی نداشتن آذوقه و آب و نیز نبودن کشتی سالم او را ناچار کرد که در آنجا توقف کند شاید بدون این که کسی متوجه او شود بتواند مقداری آذوقه تهیه کند ولی مردم بصره او را شناختند و او و همراهانش را دستگیر کردند. مولف گیتی گشا مینویسد که بعد از اسیر نمودن میرمنا گزارش به عمرپاشا والی بغداد دادند و اودستور قتل او را صادر کرده و بطور مخفی او را کشتند (۲۵) ولی «سرجان ملک» مینویسد که حاکم بصره فوراً او را بقتل رساند و جسد او را بصحرای انداخته تا طعمه سگان و عبرت ساکنین آن دیار شود. ضمناً «سرجان ملک» اضافه مینماید که اگر «... متابعتش با او میساختند شاید تا مدتی میتوانست در مقابل قوه ای که از خارج رو به جزیره آورده بود مقاومت کند اما کسانی که با وی بودند از درغناد برآمدند و او مجبور شد که به بصره برگردد...» (۲۶).

داد و تلفات سنگینی به آنان وارد ساخت. این فتح میرمنا را تشویق نمود که به خارک که دارای قلعه مستحکم و مجهز بتوپهای زیادی بود حمله برد. این عمل انجام شد و با این که محاصره شدگان با تهوری بس شگفت آور دفاع کردند ولی شجاعت خارج از حد میرمنا عاقبت به نتیجه رسید. خارک و قلعه مستحکم هلندیها بتصرف او درآمد جمعی از هلندیها بقتل رسیدند بقیه نیز در يك کشتی روانه مرکز هلند شدند و بعد از این واقعه است که نقش هلندیها برای همیشه در خلیج فارس پایان مییابد.

این فتح و تصرف خارک باعث تحکیم میرمنا در اعمال خلافش شد و بیشتر به دزدی و راهزنی پرداخت. کریمخان که دیگر تحمل بیش از این نداشت زکی خان را مامور سرکوبی او نمود و بسوی دستور داد که کشتی تهیه نموده و افراد مسلح را به خارک برساند و دستوری به عمال خود در بنادر جنوب داد که با تمام نیرو در تهیه کشتی و سرباز، زکی خان را مدد نمایند. هنگامی که خویشان و ندان میرمنا متوجه شدند که دیر یا زود کار میرمنا ساخته میشود یکی از خویشان او بنام حسن سلطانی هنگامی که میرمنا در بازار جزیره خارک گردش میکرد با عده ای دور او را گرفت و جنگ شدیدی بین آنها بوقوع پیوست و عاقبت میرمنا توانست با تعداد معدودی از همراهان خود را به کشتی

خارک افتاد این جزیره از لحاظ موقعیت طوری قرار گرفته است که میتواند رفت و آمد کلیه کشتیها را به سوی شط العرب زیر نظر داشته باشد لذا نماینده هلند از شیخ بندر ریک این جزیره را گرفت و قلعه ای در آن ساخت و بر اثر کار و کوشش خستگی ناپذیر در اندک زمانی خارک بصورت يك مرکز فعال تجارتی درآمد بطوری که جمعیت آن که قبل از آن از یکصد ماهیگیر فقیر تجاوز نمیکرد به هزاران نفر بالغ شد و علاوه بر آن این نماینده با کشتیهای خود توانست جلوی ورود و خروج کشتیها را از شط العرب بگیرد. این کار به حاکم بصره بقدری صدمه زد که حتی حاضر شده بود آنچه از نماینده هلند گرفته پس بدهد و در عوض او اجازه ورود کشتیها را به شط و در نتیجه به بصره بدهد.

۲۵ - گیتی گشا ص ۱۶۱ تا ص ۱۶۸.

۲۶ - تاریخ ایران تالیف سرجان ملکم ج ۲ ص ۷۱.

بچشید و دست امیداز دستگاه زندگانی بکشید ، تا آن که بعد از این حد خود بدانید...» (۲۷).	سلطان عثمانی است و بدون اجازه سلطان عثمانی هیچ کاری نمیتوان انجام داد ولی در مورد جنگ اختیار بسیار داشت هر طور صلاح میدانید انجام دهید . با توجه به مطالب بالا به خوبی مشهود است که اقدام والسی بغداد در این مورد نیز آتش اختلاف را شعله ویر ساخت و این عمل در تصمیم کریمخان مبنی بر حمله به بصره بی تاثیر نبوده است.	عثمانی و شورشائی که در سراسر این امپراطوری بزرگ بروز نموده بود ، خود موجب تشجیع کریمخان در لشکرکشی به بصره شد (۲۸). کریمخان به خوبی از اوضاع داخلی آن کشور آگاهی داشت و می دانست که دولت عثمانی در اثر جنگهای متوالی با روسیه و اطیش و نیز شورشهای داخلی مانند قضیه کریمه و مصر و قیام مردم بالکان ضعیف شده است (۲۹) لذا بعد بنظر نمیرسد اگر او خواسته باشد عراق را ضمیمه ایران سازد و کار آنجا را بکسر نماید.
جواب کریمخان چنین داده شد که اختیار عادلۀ خاتون با خود اوست و او هر کس را که بخواهد به شوهری اختیار میکند شهر بصره نیز متعلق به	هشتم - ضعف دولت عثمانی از دلایل دیگری که از خلال نوشته های منابع و ماخذ میتوان استنباط کرد این است که وضع داخلی امپراطوری	ناتمام

۲۷ - رستم التواریخ تالیف محمد هاشم (رستم الحکما) باهتمام محمد مشیری ص ۴۰۰

۲۸ - در اینجا لازمست برای آگاهی خوانندگان ارجحند اشاره ای به وضع امپراطوری عثمانی بنمائیم . از قرن سیزدهم میلادی که ترکان عثمانی توانستند امپراطوری عثمانی را بوجود آورند تا سال ۱۶۸۳ میلادی که قوای عثمانی در پای حصار وین از قوای اطیش و لهستان شکست خورد این کشور توانست کشورهای همجوار را یکی پس از دیگری در تحت سلطه خود قرار دهد . در سالهای ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۹ میلادی عثمانی یونان ، صربستان و بلغارستان را تصرف کرد . و نیم قرن بعد امپراطوری رم شرقی عملاً در متصرفات عثمانی قرار گرفت و این امر در سال ۱۴۵۳ میلادی با تصرف قسطنطنیه عملی شد و کنستانتین نهم امپراطور روم در دفاع شهر جان سپرد . و در دوران سلطنت محمد فاتح (۱۴۵۱ - ۱۴۸۱ میلادی) موره و ابویه از جمهوری ونیز منزع شد و جزو این امپراطوری قرار گرفت و همچنین این کشور توانست بسنی و هرزگوین ، آذوف و کریمه را تصرف گردد . تصرف مصر به دست ترکان عثمانی اهمیت زیادی داشت زیرا خلافت عباسیان را منقرض ساخت و پادشاه عثمانی عنوان خلافت کسب کرد . امپراطوری عثمانی در دوران سلطنت سلیمان خان اول معروف به قانونی در داخل و خارج به اوج عظمت و اقتدار خود رسید . در سال ۱۵۲۱ میلادی بلغراد را گرفت و پنج سال بعد هنگری را متصرف شد و از طرف شرق نیز پس از یک سلسله جنگهای قسمت وسیعی از ارمنستان و دو شهر بغداد و بصره را متصرف شد و به کمک ناوگان خویش بر عدن و سواحل جنوبی عربستان تسلط یافت و همچنین توانست قسمت مهمی از شمال آفریقا را در تحت تسلط خود قرار دهد . و باین ترتیب امپراطوری وسیعی بوجود آمده که کلیه راههای بازرگانی مدیترانه ، دریای سیاه ، بحر احمر و قسمتی از اقیانوس هند تحت فرمانروائی وی قرار گرفت . از سال ۱۶۸۳ بدلایلی این امپراطوری عظیم تجزیه گردید . نخست این که مداخلات دولتهای فرانسه ، انگلستان ، روسیه ، آلمان و ایتالیا در این کشور که هریک به جهانی منافعی در این منطقه داشتند و برخورد این منافع و رقابتهای بایکدیگر بیش از پیش موجب ضعف این امپراطوری را فراهم میآوردند . دوم این که ضعف حکومت مرکزی باعث عدم توجه به اکثر مردم این امپراطوری و تامین خواسته های آنها میباشد که علت اصلی آن زاعمد تربیت شاهزادگان این امپراطوری بعد از سلیمان خان قانونی میتوان دانست که اکثر آنها بیشتر در حرمسرا برده و از اوضاع سیاسی و اجتماعی مردم اطلاع کافی نداشتند.

در نتیجه شورشائی در ملل مختلف این امپراطوری بروز کرد . این شورشها که با مداخله کشورهای دیگر بروز نموده بود در آغاز بیشتر رنگ مذهبی داشت و بعداً بصورت سیاسی و ایده تلوژیکی خود نمائی میکرد . بی لیاقتی و رشوه خواری دستگاه حاکمه و اعمال وحشیانه لشکریان عثمانی نیز باین امر کمک مینمود . همه این عوامل باعث گردیده بود که حکومت مرکزی عثمانی دچار ضعف شود.

۲۹ - برای آگاهی بیشتر از حکومت عثمانی و عواملی که باعث تضعیف و در نتیجه تجزیه این امپراطوری گردید به کتاب خاورمیانه نوشته پروفیسور ژولنچافسکی مراجعه شود.

مترجم: دکتر کوثری

گرا نبها ترین تابلو معروف جهان را چگونه دزدیدند و چطور بدست آوردند

مستطیل شکل که در پارچه سفید بسته شده بود قرار داشته است. ماما کارگر دروغین تابلوی ژوکوند را در روپوش خود مخفی ساخته بوده است.

پلیس اثر انگشت ۲۵۷ نفر را که در موزه لوور کار میکردند حتی اثر انگشت آقای «هومول» مدیرکل موزه را ضبط کرد ولی این اقدامات منجر به کشف سارق نشد.

ساکنین پاریس هم در اضطراب بسر میبردند. دیگر لبخند اسرارآمیز «مونالیزا» سالن مربع موزه لوور را روشن نمیساخت. روزنامه ها هریک بنحوی دراطراف موضوع قلمفرسائی میکردند یکی از روزنامه ها سارق را مبتلا به بیماری روانی و عاشق تابلوی ژوکوند معرفی میکرد و روزنامه دیگر مینوشت که قصد ربایندگی این بوده که از روی آن تابلوی جملی ترسیم کند و تابلوی اصلی را تصاحب نماید و روزنامه دیگری نوشته بود که احتمال دارد که این تابلو که بر روی چوب نقاشی شده سوخته شده باشد و مسئولین موزه لوور شایعه سرقت آنرا منتشر ساخته باشد.

مجله ایلوستراسیون برای کسیکه تابلو را بجای اصلی خود باز گرداند

شد و معلوم گردید که تابلو را به کارگاه عکاسی نبرده اند. ناچار آقای بندیت رئیس موزه را آگاه ساختند و پس از تحقیقات مقدماتی معلوم شد که قاب تابلو را در زیر یک پلکان گذاشته اند ولی اثری از خود تابلو نیست بدون شک تابلوی تاریخی ژوکوند سرقت رفته بود. نگرانی و وحشت کارمندان موزه لوور قابل توصیف نبود.

آقای «دوژاردن بومتر» معاون وزارت صنایع مستظرفه فرانسه و رئیس اداره آگاهی پاریس بمحل وارد می شوند و دستور میدهند که تماشاچیان موزه را اخراج کنند و در نزدیکی در از آنها بازرسی بدنی بعمل بیاید ولی چیزی کشف نمیشود.

رسیدگی های بعدی نشان داد که در ساعت هفت صبح یکی از مستحفظین یکی از درهای موزه را گشوده و مردیکه با روپوش مخصوص کارگران ساختمانی ملبس بوده است بداخل موزه راده داده ظاهرا این مرد با یکی دیگر از کارگرانی که مرتب در آنجا کار میکرد شباهتی داشته است چند دقیقه بعد مردیکه لباس کارمندان عالیرتبه دولت را بتن داشته بسوی کلاه «تویلری» میرفته است در زیر بغل او یک کارت

روز بیست و دوم اوت سال ۱۹۱۱ در ساعت هشت صبح «لوی برو» نقاش با وسائل کار خود وارد سالن «مربع» موزه لوور گردید او میخواست از منظره تماشا کردن یک خانم پاریسی از تابلوی ژوکوند شاهکار «لئونارد داوینچی» نقاشی نماید.

ولی تابلوی معروف ژوکوند در سرجای خود نبود. نقاش بفوریت رئیس مستحفظین موزه لوور را باخبر ساخت مستحفظ موزه گفت:

— مسلما تابلو را به کارگاه عکاسی برده اند که کپیهای از آن بردارند یکی دو ساعت بعد آنرا عودت خواهند داد.

ولی یکی دو ساعت گذشت و «ژوکوند» بجای خود باز نگشت مجددا موضوع با مستحفظین درمیان گذاشته



پروکیا سارق تابلو ژوکوند



تابلوی ژوکوند تحت مراقبت پلیس ایتالیا بطور موقت در يك موزه ایتالیائی بنمایش گذاشته شده است.

تابلوی ژوکوند منتشر شد که در زیر آن نوشته شده بود: «مواظب جیب برها باشید».

آقای «هومول» مدیر کل موزه لوور بعثت سهل انگاری در انجام وظیفه و ناتوانی در حفظ شاهکار های هنری که بدو سپرده شده بود از کاربرکنار

لطفا ورق بزنید

«فوتن بلو» و «ورسای» و «تویلری» قرارداد داشت و بالاخره آنها در موزه لوور در معرض تماشای عموم هنر دوستان قراردادند. سارق تابلورقیبی هم در آلمان پیدا کرد در آنجا هم يك کپی تابلوی ژوکوند از موزه اشتوتگارت بسرقت رفت. در یکی از روزنامه های فرانسه کاریکاتوری از

مبلغ چهل هزار فرانک طلا جایزه تعیین کرد و حتی متعهد شد که هویت سارق را مکتوم نگاهدارد ولی نتیجه از این عمل حاصل نشد تابلوی ژوکوندر را فرانسوای اول پادشاه فرانسه در «سه قرن پیش از لئونارد داوینچی نقاش آن بمبلغ چهار هزار سکه نقره خریداری کرده بود و این تابلو مدتی در قصر

ایمنی بیشتر با لباسهای روشن رنگ

اطفال و سالخوردگان بیش از دیگران در معرض خطرات عبور و مرور هستند. بموجب مطالعات یکساله باشگاه اتومبیل آلمان فدرال، لباس های روشن رنگ و چشمگیر میتوانند در کاهش سوانح عامل موثری باشند. در آزمایش بروی ۱۲۰۰ کودک و ۲۰۰ نفر سالمند با لباسهای برنگهای سرخ و زرد و رپوشهای شطرنجی سیاه و سفید، مسلم شده است که توجه رانندگان سریعتر جلب میشود. باشگاه نامبرده از صاحبان صنایع تقاضا کرده است در آینده لباسهای ایمنی بیشتری با رنگ های چشمگیر بیازار عرضه کنند.

«تندرست»

کارآگاه صورت جلسه بازجویی را بر روی همان قالیچه نوشت و بامضای طرف رسانید!

دولت ایتالیا با کمال میل تابلوی ژوکوند را بدولت فرانسه مسترد ساخت در آن زمان روابط بین دو کشور کاملاً دوستانه بود.

«پروگیا» سارق تابلو که دفاع مسخره اش باعث خنده حضار شده بود به سبیل یک دادگاه ایتالیائی بعداقل مجازات: یکسال و پانزده روز زندان محکوم شد.

عتیقه فروش که ازدولت فرانسه مبلغ بیست و پنجهزار فرانک طلا بعنوان پاداش گرفته بود این مبلغ را کافی ندانست و موضوع را به محکمه ارجاع کرد و محکوم شد.

تابلوی ژوکوند با تشریفات به فرانسه وارد شد و در محل خود قرار گرفت. روز اول ژانویه ۱۹۱۴ سارق تابلو بفرانسه مراجعت کرد و برای تماشای تابلویی که مدت دو سال باو تعلق داشت بموزه لوور رفت.

او در سال ۱۹۴۷ در «هوت ساووا» درگذشت.

فردای آنروز مامورین پلیس بداخل مسافرخانه ریختند و مردباریک اندام را بدون هیچگونه مقاومتی در اطاقش دستگیر نمودند. در تحقیقات معلوم شد که او یک نقاش ساختمان و سی و دو ساله است او در بازجویی تکرار کرد که بعزت عشق و علاقه بوطن خود ایتالیا دست بسرقت زده است.

او که مرتباً در موزه لوور کار کرده بود و تمام گوشه و کنار ساختمان را بخوسی میشناخت بصورت یک کارگر ساختمانی وارد اطاق مربع شده و تابلوی معروف را پائین آورده و در بلوز سفید خود پیچیده و از عمارت خارج شده و باطاق محقر خود در خیابان مریضخانه سنتلوی برده بوده است.

نکته عجیب این بود که مامورین پلیس فرانسوی که کلیه اشخاصی را که در موزه لوور کار میکردند مورد بازجویی قرار داده بودند از این شخص هم تحقیقاتی بعمل آورده بودند. یک کارآگاههربانی پاریس باطاق او وارد شده بود در آن موقع تابلو در روی میزی زیر یک قالیچه پنهان شده بود.

شد و بتدریج موضوع بدست فراموشی سپرده شد.

دو سال بعد در پایان سال ۱۹۲۳ یکی از عتیقه فروشهای شهر فلورانس در ایتالیا که اعلاناتی برای خریداشیاء هنری در روزنامه ها منتشر میساخت نامه ای از پاریس دریافت کرد. نویسنده نامه که خود را «ونساتزو» معرفی کرده بود نوشته بود که تابلوی ژوکوند در اختیار اوست و مایل است برای اینکه این شاهکار به کشور ایتالیا باز گردد آنرا به یک تاجر ایتالیائی بفروشد. عتیقه فروش موضوع راجدی نگرفت ولی با وجود این به نامه پاسخ داد بزودی «ونساتزو» نامه دیگری فرستاد و اعلام داشت که به فلورانس وارد شده است.

میعادگاه در یک مسافرخانه درجه دو تعیین شد. در آنجا مردی سبزه و باریک اندام که سبیل پریشی داشت از داخل مخفی گاه یک چمدان که پر از لباس های کهنه بود تابلوی ژوکوند را بیرون آورد مامورین گمرک فرانسوی از وجود آن مخفی گاه آگاه نشده بودند و بدین ترتیب ژوکوند از فرانسه خارج شده بود.

صاحب تابلو گفت که من ایتالیائی هستم و حاضرم در ازاء مبلغ پانصد هزار فرانک آنرا به موزه «اونیزی» تسلیم نمایم.

عتیقه فروش مسحور زیبایی تابلو شد و گفت اگر هم این تابلو حقیقی نباشد آنرا بسیار استادانه تقلید کرده اند مرد باریک اندام برای اثبات اصالت تابلو مهر موزه لوور را در پشت آن نشان داد.

ژری گفت که این معامله بسیار مهمی است من فردا با رئیس موزه «اونیزی» بنزد شما خواهم آمد و بمحض خروج از مسافرخانه ماجرا را به پلیس اطلاع داد.

امام حسین و ایران

نویسنده: (کورت فریشل) آلمانی

اقتباس ذبیح اله منصوری

آخرین مرحله جنگ حسین (ع) در کربلا

۱۳۲

پرتاب میشد بی اطلاع است و تصور میکند که تیر فقط خراشی بر بدن وارد می آورد (۱).

تیری که از فاصله نزدیک پرتاب میشد اگر بدست يك كماندار قوی پرتاب شده بود، زره را سوراخ میکرد و گرچه بمناسبت وجود زره خیلی در بدن فرو نمی رفت اما مضروب را مجروح مینمود و هرگاه، آن تیرها پیاپی به مضروب اصابت میکرد او را از پا در می آورد و در آن موقع حسین (ع) به تنهایی آماج سهام عده ای از کسانی شده بود که در سپاه بین النهرین يك كمان و يك ترکش پر از تیر داشتند.

نمیگوئیم که حسین (ع) آماج تمام کمانداران شد چون بقول ابن باجه، کماندارانی بودند که ترکش پر از تیر داشتند و بطرف حسین (ع) تیر نینداختند چون میدیدند ضرباتی که بر او وارد می آید، آن قدر زیاد میباشد که دور از جوانمردی

در بعضی از منابع دیده شده که وقتی حسین (ع) پیاده با سواران سپاه بین النهرین می جنگید زینب بن علی دختر علی بن ابیطالب (ع) و خواهر حسین (ع) نزد عمر بن سعد فرمانده سپاه رفت و به او گفت چگونه تو راضی میشوی که مقابل چشم های تو نوه پیغمبر اسلام را بقتل برسانند؟

عمر بن سعد جواب داد من نخواستم او را بقتل برسانم و خود وی خواهان قتل خویشتن میباشد و هم اکنون اگر تسلیم بشود زنده خواهد ماند زینب بن علی گفت برادر من تسلیم نمیشود ولی تو نباید موافقت کنی که مقابل دشمنان تو او را بقتل برسانند؟

عمر بن سعد جواب داد من مأمور هستم و باید دستوری را که بمن داده شده بموقع اجرا بگذارم. جنگ، برای حسین (ع) به شدیدترین مرحله رسیده بود و کسی که این قسمت از تاریخ جنگ روز دهم محرم را میخواند تعجب میکند که چگونه آن مرد میتواند به تنهایی آنهم پیاده، با آن همه سوار که از هر طرف باو حمله میکردند بجنگد؟

با این که حسین (ع) در آن روز نشان داد که دارای قدرتی است بیش از قدرت سن او و آن توانائی از ایمان وی سرچشمه میگرفت، بتدریج بر اثر تیرهایی که به او اصابت میکرد ضعیف میشد. نسل معاصر که تفنگ و مسلسل و توپ را اسلحه میدان جنگ می بینند از اثر تیزی که با کمان

۱ - برای ثبوت تاثیر تیر کمان در میدان جنگ همین کافی است که گفته شود بنابر نوشته مجله (تایم) چاپ آمریکا مورخ پنجم جولای ۱۹۷۱ (همین هفته)، صفحه چهاردهم، ارتش آمریکا، تیر و کمان را جزو اسلحه جنگی واره میدان کارزار کرد و گویا تیر و کمان های جدید ارتش آمریکا از نوع (تیموریالیک) میباشد و تیر، با يك نوع فتر پرتاب میشود.

(مترجم)

برسانند و او را از صلیب فرود بیاورند اما مسیح درخواست آنها را نمیپذیرفت.

بین عیسویان این روایت مذهبی فقط راجع به مسیح نقل نمیشود بلکه در مورد عده‌ای از شهدای دیانت مسیح که بدست امپراتوران روم و حکام آنها بقتل رسیدند نیز ذکر میگردد که ما برای احتراز از اطناب، از ذکر نام آنها و چگونگی کشته شدنشان صرفنظر میکنیم اما این روایات مذهبی که در تمام مذاهب توحیدی هست جزو تاریخ (به مفهوم امروزی) نیست و ما عیسویان هم روایات مذکور را از لحاظ مذهبی می‌پذیریم بدون این که جزو تاریخ کنیم و بعضی از محققین مذهبی اروپا هم در صدد برآمده‌اند که روایات مذکور را با دلایل عقلی توجیه کنند و بحث‌هایی کرده‌اند که از نظر بکار انداختن نیروی فکر بسیار جالب توجه است و از جمله، (مال‌برانش) فرانسوی متفکر و فیلسوف قرن هفدهم میلادی و نویسنده کتاب (چگونه حقیقت را باید جستجو کرد) یک بحث جالب توجه راجع باین موضوع دارد و از آن نتیجه مثبت گرفته است؟

لحظه‌ای آنهایی که به حسین (ع) حمله میکردند دست از وی برداشتند چون دیدند که خیلی خسته شده است.

شاید یکی از آنها گفت که دست از او بردارید چون نزدیک است بمیرد و دیگران از وی تاسی کردند و دست از او برداشتند.

بدون شك در آن سپاه عده‌ای سلحشور صنفی و سرباز واقعی هم بوده‌اند و اینگونه افراد وقتی ببینند که حریف دیگر توانایی دفاع از خود را ندارد، وی را بحال خود می‌گذارند و ضربات دیگر را بر او وارد نمیکنند.

در هر حال، لحظه‌ای دست از حسین (ع) برداشتند و او توانست چند تیر را که نوک آن از زره گذشته بود از تن بیرون بیاورد و دور بیندازد. در آن موقع خون از همه جای حسین (ع) فرو میریخت چون ضربات زیاد بر او وارد آمده بود و شاید از فرط گرما و عرق ریختن در صدد برآمد که زره خود را بگشاید و دور بیندازد. بر روایتی خواست زره خود را بگشاید و با دامان جامه‌اش خون پشانی و چشم را پاک کند.

دیده شده است که نوشته‌اند حسین (ع) در آن موقع زره خود را می‌گشود تا این که بدن بدون حفاظ خود را آماج تیرها و ضربات شمشیر نماید ولی این نظریه منطقی نیست و اگر منظور حسین (ع)

است آنها هم ضربتی بر او وارد بیاورند و وارد آوردن ضرباتی جدید بر او، نه برای آنها افتخار دارد و نه سبب میشود که فرمانده سپاه پاداشی به آنها بدهد و همان بهتر که دست خود را به خون مردی که به تنهایی با یک سپاه می‌جنگد نیالیند.

در بعضی از تواریخ قرون اخیر نوشته شده که آن قدر حسین (ع) آماج تیرها قرار گرفت که از جلو و عقب چون خاریشت جلوه میکرد.

معلوم است که وقتی يك نفر به تنهایی آماج تیر افراد يك سپاه قرار بگیرد بدنش چون خاریشت میشود اما بنظر میرسد که مورخین مزبور که شیعه بوده‌اند خواسته‌اند که خواننده را بترحم درآورند اما در این که حسین (ع) مورد اصابت تیرها قرار گرفت تردیدی وجود ندارد، چون مورخین قرون دوم و سوم و چهارم هجری نیز این موضوع را نوشته‌اند.

اصابت تیرها از يك طرف، و شمشیر زدن حسین (ع) که پیاده بود در قبال آن همه سوار از طرف دیگر و فرو ریختن خون از زخم پشانی که يك چشم او را ناراحت میکرد وی را بسیار خسته نمود.

بعضی از راویان شیعه مذهب نوشته‌اند که در آن موقع که حسین (ع) بسیار خسته شد فرشتگان آمدند و به او گفتند که ما از تو حمایت میکنیم و دشمنانت را در يك لحظه معدوم خواهیم کرد ولی حسین (ع) نپذیرفت.

راویان شیعه مذهب دیگر گفته‌اند که جن‌ها که موجودات نامرئی اما غیر از فرشتگان هستند آمدند و به حسین (ع) پیشنهاد کردند که برای حمایت وی با سپاه بین‌النهرین بجنگند. اما حسین (ع) پیشنهاد آنها را برای جنگ نپذیرفت.

من دوبار در این بحث گفتم که ما اروپائیان نیز از این گونه روایات که دارای جنبه مذهبی میباشد داریم و روایات مذهبی ما حاکی از این است که هنگامی که میخواستند مسیح را به صلیب بکوبند فرشتگان آمدند و به او پیشنهاد کردند که اجازه بدهد در يك لحظه (پونطوس - پیلطس) حاکم روم در فلسطین را (که فرمان مصلوب کردن مسیح از طرف او صادر شده بود) با تمام سربازانش بهلاکت برسانند ولی مسیح نپذیرفته بود و حتی تا لحظه آخر که بر صلیب قرار داشت فرشتگان به او نزدیک میشدند و پیشنهاد میکردند اجازه بدهد که آنها حکمران (روم) و سربازانش را بقتل

حسین (ع) که زخم‌های بسیار برداشته بود و از همه جای بدنش خون فرو میریخت نتوانست درد شدید اصابت تیر بر شکم را تحمل نماید و از آن بعد مقدمه کشته شدن حسین (ع) فراهم گردید (بطوری که خواهد آمد).

این روایت جنگ حسین سوار بر اسب بالدار (ذوالجناح)، بعد از دفاع عمومی او در قبال تمام سپاه بین‌النهرین بود.

ولی گفتیم روایتی دیگر وجود دارد که حسین (ع) پیاده بمیدان جنگ رفت و سربازانی هم که باو حمله کردند پیاده بودند.

بموجب این روایت حسین، به تنهایی با تمام پیادگان جنگید و زخم‌های متعدد برداشت تا این که برحسب آنچه در فوق گفته شد تیری بطور مورب برپیشانی‌اش اصابت کرد و آنگاه نیزه‌ای در تهی‌گاهش فرو رفت و پس از آن تیری بشکمش اصابت کرد و تیر اخیر حسین (ع) را بی‌تاب نمود.

قسمت ضعیف این روایت در این است که سپاه بین‌النهرین بتصدیق تمام مورخین قدیم يك سپاه سوار بود و سپاه سوار با اسب می‌جنگید مگر این که گفته شود که سواران برای این که با حسین (ع) بجنگند از اسب‌ها پیاده شدند که این هم منطقی نیست چون سربازان در حالی که سوار بر اسب بودند زودتر میتوانند حسین را بقتل برسانند.

مگر این نظریه پیش‌بیاید که چون فرمانده سپاه بین‌النهرین گفته بود که حسین (ع) را زنده دستگیر کنند عده‌ای از سواران پیاده شدند تا این که بتوانند وی را دستگیر نمایند و اگر چنین باشد باز این سؤال بذهن تبادرمیکند که چرا حسین (ع) که هنگام جنگ تن به تن سوار بر اسب پیکار میکرد بعد از این که حمله عمومی سپاه بین‌النهرین آغاز گردید از اسب پیاده شد و نبرد پیاده را ترجیح داد.

دیگر روایات مربوط باین که حسین (ع) پیاده در مقام دفاع از سپاه بین‌النهرین برآمد معذور است و روایات مربوط باین که حسین (ع) سوار بر اسب جلوی حمله سپاه بین‌النهرین را گرفت زیاد و چند نفر از دسته اخیر میگویند بعد از این که اسب حسین (ع) کشته شد وی مجبور گردید که پیاده از خود دفاع کند.

ناامام

این بود که بدن بدون حفاظ خود را آماج تیرها بکند در مقام دفاع برنیامد و بدون حفاظ دست بردست می‌نهاد و مقابل سپاه بین‌النهرین میایستاد تا این که او را بقتل برسانند و ما گفتیم بچه علت حسین (ع) دست روی دست نگذاشت و خود را بدون جنگ در معرض خطر کشته شدن قرار نداد. او اگر دست بر روی دست میگذاشت و مقابل سپاه بین‌النهرین میایستاد، تا این که وی را بقتل برسانند خودکشی کرده بود و مردان بزرگ دنیا خودکشی نمیکردند و نمیکند برای این که خودکشی فرار کردن از انجام رسانیدن وظیفه است و حسین که تصمیم گرفته بود برای پرئسیپ خود پیکار کند ضروری میدانست تا آخرین رفق که دارد، پیکار نماید و خود را دست بسته، در معرض خطر کشته شدن قرار ندهد.

دیگر این که حسین (ع) اگر دست روی دست می‌نهاد و مقابل سپاه بین‌النهرین میایستاد، دستگیر و اسیر میشد و او نمیخواست اسیر شود.

با اطلاعی که از روحیه حسین (ع) و اراده بدون ترلز او در دست میباشد او زره را نمیگشود تا این که بدن خود را بدون حفاظ مقابل ضربات شمشیر و نیزه و تیر سواران سپاه بین‌النهرین قرار بدهد.

حسین (ع) با تعریف امروزی يك مردانقلابی بود برای این که میخواست وضع حکومت بنی‌امیه را منقلب کند و حکومتی دیگر بوجود بیاورد که بنابر گفته او اساس آن مبتنی بر قوانین اسلام باشد و در آن حکومت بیت‌المال به مصرف واقعی آن برسد و يك مرد انقلابی که دارای هدف مخصوص میباشد خودکشی نمیکند و لذا روایت مربوط باین که حسین (ع) زره را گشود تا این که بدن را بدون حفاظ در قبال ضربات خصم قرار بدهد ضعیف است و قابل پذیرفتن نیست.

ولی ممکن است که گرمای شدید و تعریق فراوان او را وادار کرده باشد که زره را بگشاید و زره از طرف جلو گشوده میشد.

همین که حسین زره خود را گشود يك تیر به شکم او اصابت یا این که بزیر سینه اصابت نمود و چون زره باز شده بود تیر، بمقدار زیاد در بدن فرو رفت، بعضی نوشته‌اند که آن تیر از کمان خولی بن یزید اصبحی جستن کرد و برخی تیرانداز را دیگری دانسته‌اند.

زخم‌هایی که مستقیم بر شکم وارد بیاید و امعاء را سوراخ یا قطع کند دردآور است و

ولادیران گمنام ایران



- ۱۷۲ -

اقتباس ذیح‌اله منصوری

جنگ در کنار رودخانه (کور)

صف دوم بعد از این که به ساحل رسید همانطور که اسماعیل میرزا گفته بود این مزیت را داشت که با تفنگ‌های پر وارد ساحل شد و شلیک او لطمه‌ای شدید به سربازان حریف زد اما صف‌دوم بیش از یک مرتبه نتوانست شلیک کند و بعد از این که صف سوم وارد گردید جنگ با سرنیزه بین صف دوم و سربازان تزاری شروع شده بود.

سربازان صف سوم که تفنگ‌های پر داشتند با رعایت احتیاط، بسوی سربازان تزاری تیراندازی کردند و آنگاه به کمک صف دوم وارد جنگ شدند و آنها هم با سرنیزه به سربازان تزاری حمله‌ور گردیدند و اسماعیل میرزا، برای این که نیروی مقابل را بکلی از بین ببرد یا منهدم کند فرمان داد تمام نیروی او از رود بگذرد و در مشرق رودخانه با سربازان تزاری بجنگد و هنگامی که نیروی اسماعیل میرزا مشغول عبور از رودخانه بود سربازان تزاری تماس با سربازان ایرانی را قطع

شد و گرچه تلفات صف دوم باندازه صف اول سنگین نبود مع‌هذا تا وقتی بساحل رسید عده‌ای از سربازانش در آب افتادند.

اسماعیل میرزا به مامورین بهداری گفته بود که ما امروز نیروی حریف را در آن طرف رودخانه از پا در می‌آوریم یا وادار به عقب‌نشینی می‌کنیم و شما مجروحین را بساحل شرقی برسانید و همانجا زخم آنها را ببندید.

اما بطوری که گفتیم بمناسبت سرعت حرکت صف‌ها و این که بی‌انقطاع از طرف مقابل شلیک میشد مامورین بهداری نتوانستند مجروحین را از آب خارج کنند.

معلوم است مجروحی که در آب می‌افتد اگر دوچار ضعف شود، خفه خواهد شد چون نمیتواند سر را از آب خارج کند و عده‌ای از مجروحین خفه شدند.

ولی آنهایی که زخمشان خفیف‌تر بود توانستند سر را از آب خارج کنند و نفس بکشند.

سربازانی که در ساحل شرقی بودند بدقت نشانه میگرفتند تا این که با هرگلوله یک سرباز را که از آب عبور میکرد بیندازند.

بعضی از سربازهای ایرانی هنگام دویدن خم میشدند که کمتر در عرصه هدف قرار بگیرند.

ولی خم شدن آنها سبب میشد که صف دوم بدون پناه بماند و چون هر صف در عقب صف دیگر حرکت میکرد اگر صف اول خم میشد صف‌دوم در عرصه هدف قرار میگرفت.

سربازان صف اول مانند برله‌های پائیزی که با یک وزش نسیم بر زمین میریزد در آب می‌افتادند و آن قدر وقت ضیق بود و صف دوم برای اینکه خود را بساحل برساند عجله داشت که مامورین بهداری نمیتوانستند که مجروحین را از آب خارج کنند و به عقب ببرند.

صف دوم از روی مقتولین و مجروحین صف اول گذشت ولی آن صف هم مثل صف اول دچار تلفات

و هنوز این عادت از بین نرفته است (۱).

اما اگر اسم کوروش از نام رودخانه‌ای که از کنار شهر بازارگاد در فارس میگذشت گرفته شده باشد خود کوروش بزرگ بانی سلسله هخامنشی آن اسم را اقتباس نکرده بلکه جدش کوروش پادشاه کشور انزان (انزان) که کشوری بوده در فارس، آن نام را اقتباس کرده چون جد کوروش بزرگ موسوم به کوروش بود و کوروش بزرگ بانی سلسله سلاطین هخامنشی، کوروش دوم بوده است.

کوروش دوم و بانی سلسله هخامنشی پسر (کمبوجیه) یا (کبوجیه) بود و او پسر کوروش اول و در هرحال خود او اسم کوروش را برای خویش انتخاب نکرد و حتی اگر چهار افسانه مربوط بتولد کوروش و بزرگ شدن او را هم واقعیت بدانیم باز باید تصدیق کرد که قبل از او، اسم کوروش وجود داشته است.

با توجه باین موضوع و این که در نزدیکی شهر بازارگاد در فارس رودخانه‌ای بوده که کوروش اول اسم خود را از آن رودخانه گرفته چه ضرورت داشته که کوروش دوم، اسم خود را روی رودخانه‌ای که قبل از او به اسم کوراه خوانده میشد و در قفقازیه جاری است بگذارد و با وجود یک رودخانه به اسم کوروش در فارس بعید مینماید که اسم رودخانه‌ای دیگر را هم کوروش گذاشته باشند مگر این که در مورد گفته استرابون مبنی بر این که در نزدیکی بازارگاد رودی به اسم کوروش جاری بوده تردید کنیم و شاید رودی که در قفقازیه جاری است از آغاز به اسم کوروش خوانده میشد، و اسم کوروش از آن رود اقتباس گردیده است.

را برود کور رسانید و در قسمت فوقانی اردوگاه پادشاه آلبانی جلوی رودخانه یک سد موقتی بوجود آورد و آب سوار بر ساحل شد و اردوگاه پادشاه آلبانی را آب برد.

این واقعه در تاریخ ارمنستان نوشته شده ولی بعید میدانیم که اسماعیل میرزا از این واقعه اطلاع داشته است و او با هوش فطری و یتحمل با شنیدن شرح واقعه‌ای که در کنار رود ارس برای آقا محمدخان قاجار اتفاق افتاده بود و آب وارد اردوگاهش شد کنار رود کور احتیاط را از دست نداد گواين که تندآب رودخانه کور باندازه رود ارس نبود و از ازمه قدیم جغرافیادان‌ها رود کور را که در قدیم بنام (کوراه) خوانده میشد، یک رود آرام می دانستند و مسئله نام‌تزاری بر رود کور موضوعی است که جغرافیادان‌ها هنوز راجع به آن یک نظریه قطعی ندارند و آنچه آنها را مانع از ابراز نظریه قطعی میشود نوشته (استرابون) جغرافیادان یونانی است که در ۵۸ قبل از میلاد متولد شد و در بیست و پنج بعد از میلاد زندگی را بدرود گفت و کتاب جغرافیای هفده جلدی او معروف است و آن کتاب تاریخ نیز میباشد و استرابون از هر منطقه که نام برده، تاریخ آن را باختصار نوشته و جلد پانزدهم کتاب جغرافیای استرابون مربوط به ایران میباشد و در آن نوشته که کوروش بزرگ بانی سلسله هخامنشی اسم خود را از رودخانه کوروش که از کنار (بازارگاد) میگذشت، گرفته است.

بعید نیست که اسم کوروش بطوری که استرابون نوشته از نام آن رودخانه گرفته شده باشد چون در قدیم، مردم عادت داشتند که اسم خود را از نام اماکن اقتباس میکردند

کردند و عقب‌نشینی نمودند و بعد از این که آنها عقب نشستند آفتاب، در ساحل غربی رودخانه کور بافق نزدیک شده بود و اسماعیل میرزا گفت که اردوگاه بوجود بیاورند و شب را در ساحل شرقی رودخانه بگذرانند و چون شب فرا میرسید اسماعیل میرزا از تعقیب سربازان تزاری صرف‌نظر کرد ولی چون بیم آن میرفت که در شب مورد حمله قرار بگیرد دستور داد که اردوگاه بوجود بیاورند.

اردوگاه ایرانیان کنار رودخانه کوروش در محلی قرار گرفته بود که اگر در بالا، جلوی رودخانه را می‌بستند، آب به آن اردوگاه سوار میشد یا اگر در بالا نهری از رودخانه جدا میکردند آب آن نهر اردوگاه را غرق میکرد.

با این که بعید مینمود که سربازان تزاری بعد از قطع تماس با عقب‌نشینی برگردند و در شب یک نهر از رودخانه جدا کنند و به طرف اردوگاه جاری نمایند باز اسماعیل میرزا احتیاط را از دست نداد و کنار رودخانه، در قسمت فوقانی نگهبان گذاشت که اگر بخواهند نهری حفر کنند یا جلوی رودخانه یک سد موقتی ایجاد نمایند که آب وارد اردوگاه ایرانیان شود مانع از کارشان بشوند. در صورتی که اسماعیل میرزا اطلاع نداشت که قرن‌ها قبل از آن تاریخ (تیکران بزرگ) پادشاه ارمنستان همان نقطه را که وی اردوگاه کرده بود به آب بست.

تیکران بزرگ با «شوت‌کول» پادشاه کشور (آلبانی) می‌جنگید که بعد اسم آن کشور (داغستان) شد و پادشاه آلبانی در آن نقطه، کنار گذار از که اردوگاه بوجود آورده بود.

پادشاه داغستان که در آن موقع کشور (ایبری) را که بعد اسم آن گرجستان شد، اشغال کرده بود خود

اسماعیل میرزا ، در آن شب ، نمی - توانست در صدد کشف اجساد برآید و گفتارها را که برای پیدا کردن اجساد ، دارای استعدادی زیاد هستند براند و در تمام ادوار آن جانور لاشخوار ، مورد نفرت جنگاوران بود چون می - دانستند بعد از این که شب فرا رسید در میدان چنک به اجساد مقتولین حمله ور میشود .

صبح روز بعد ، اردوگاه را جمع کردند و سربازان راه مشرق را پیش گرفتند که خود را به گولچای برسانند . گولچای از شهرهای کوچک منطقه شیروان بود ، و شهر بزرگ آن منطقه را شیروان ، کرسی ولایت تشکیل میداد ولی اسماعیل میرزا ترجیح داد که اول گولچای را اشغال کند و بعد شیروان را اشغال نماید . زیرا پیشبینی میکرد که شیروان دارای یک پادگان قوی است و اشغال آن دشوارتر از اشغال گولچای میباشد و او میخواست که مجروحین را در گولچای بگذارد و آنگاه برای اشغال شیروان برود .

ما چون در دوره اول چنک تزار با فتحعلیشاه ، راجع به شیروان ، از لحاظ جغرافیائی و سوابق تاریخی توضیح داده ایم ، تکرار نمیمائیم . همچنین ، وضع شهر شیروان ، در دوره اول چنک تزار با فتحعلی شاه ، هنگامی که مصطفی خان شیروانی از آن دفاع میکرد بنظر خوانندگان رسیده است .

اسماعیل میرزا با احتیاط بطرف گولچای رفت و در هر ساعت منتظر بود که طایفه او گزارش بفرستد که سربازان تزاری را می بیند اما تا روز سوم گزارشی راجع به مشاهده کردن سربازان تزاری از طایفه نرسید . فقط ظهر آن روز طایفه خبر داد که از دور غبار زیاد نمایان است . بعد گزارش فرستاد که عده ای بنظر میرسند ولی هنوز نتوانسته ایم بفهمیم که هستند . ناتمام

بگیرند و مجروحین در آنها دراز بکشند .

دفن اموات و ساختن جمعبه های مخصوص حمل مجروحین مانع از این شد که آن روز اسماعیل میرزا بتواند از کنار رودکور دور شود . ولی افراد گشت او در اطراف مشغول اکتشاف بودند که ایرانیان غافلگیر نشوند .

چون کنار رودخانه خطرناک بود و بعید نمیشود که سربازان تزاری در صدد برآیند که آب را سوار بر اردوگاه ایرانیان کنند اسماعیل میرزا گفت که در شب دوم اردوگاه را دور از رودخانه ، در منطقه ای بالنسبه مرتفع بوجود بیاورند که خطر آب وجود نداشته باشد و گرچه سربازان برای استفاده از آب بایستی راهی بیشتر را طی نمایند اما در عوض اردوگاه بیشتر امنیت داشت .

گزارش افراد گشت نشان میداد که در اطراف ، سربازان تزاری نیستند و معلوم میشود که خیلی عقب نشینی کرده اند .

وقتی سربازان تزاری عقب نشینی کردند دو گاو آنها بدست ایرانیان افتاد و آن روز که ایرانیان کنار رود کور توقف نمودند گاوها را ذبح کردند و غذا پختند و آن روز و شب بعد ، زمان استراحت سربازان اسماعیل میرزا بود .

هنگام شب غیر از افراد گشت و نگهبانان اردوگاه خوابیدند .

بعد از این که قدری از شب گذشت از قسمت های باین رودخانه یعنی از طرف جنوب صدای زوزه گفتار بگوشها رسید و سربازان از صدای گفتار خیلی مهموم شدند .

زیرا میدانستند که آن جانور مشغول حمله بلاشه همقطارهای آنهاست که بعد از تیر خوردن در آب افتادند و جریان رودخانه آنها را به طرف جنوب برد و در نقاطی از ساحل رودخانه ، به خشکی انداخت و لسی

نکات فوق سبب شده که هنوز هم جغرافیادانها نتوانسته اند راجع بوجه تسمیه رودکوروش (کور) یک نظریه قطعی ابراز کنند چون نمیدانند آیا از آغاز اسم آن رودخانه کوروش بود یا این که بعد ، بانی سلسله هخامنشی اسم خود را بر آن گذاشت و چگونه با وجود رودی باسم کوروش نزدیک بازارگاد رود دیگر واقع در قفقازیه را بنام کوروش خواندند .

رود کوروش از رودهایی است که بدفعات سواحل آن میدان چنک شد و از لحاظ میدان چنک شدن تقریباً مانند رود (هالیس) است که امروز آن را به اسم (قرلایرماق) میخوانند و در ترکیه امروزی واقع است .

رود هالیس بین اقوام شرق و غرب قرار گرفته بود و رود کوروش بین اقوام شمالی و جنوبی و لذا در تمام ادوار گذشته ، سواحل رود هالیس و رود کوروش محل برخورد اقوام جنگاور بود که از شرق و غرب یا شمال و جنوب حرکت درمیآمدند و در آنجا بهم میرسیدند و یک قوم میخواست از رود بگذرد و قوم دیگر در صدد برمیآمد که از عبورشان ممانعت نماید .

آن شب اردوگاه ایرانیان کنار رود کور نه به آب بسته شد و نه مورد حمله قرار گرفت .

روزی بعد ، اسماعیل میرزادستور تدفین مقتولین را داد و گفت که مجروحین سخت را هر طور شده به شهر گولچای برسانند .

وضع بعضی از مجروحین طوری بود که نمیتوانستند که سوار بر اسب شوند و اسماعیل میرزا گفت عده ای از درخت های نزدیک رودخانه را ببندازند و با چوب آنها جمعبه های طولانی و کم عرض باندازه این که یک نفر بتواند در آن دراز بکشد بسازند و هر دو جمعبه را با یک اسب بارکش قوی بکنند بطوری که دو جمعبه ، در طرفین اسب ، مثل دو کجاوه قرار

علم آینده شناسی و آینده آن

زیاد و سریعی دارند و بهیچوجه بعید نیست که بر اثر فشار کم حوصلگی‌ها و بی‌تابی‌ها ، آینده‌شناسی ، همچون قایقی نامتوازن که برای رسیدن به ساحل شتابان حرکت میکند ، روزی واژگون گردد .

آنان که به آینده شناسی دلبستگی دارند ، نباید این دگرگونی ناگهانی را از خاطر ببرند که در مقابل این علم حالت تحسینی عجولانه را بمحکومیتی همانقدر عجولانه‌تر مبدل سازند . در حال حاضر نیز ، شاهد انتقادات روز افزونی هستیم که بویژه اشتباه درپیش بینی تحولات آینده را هدف قرار میدهند .

در يك بررسی تازه که توسط کیت پاویت ، عضو هیئت مدیره علمی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی ، و کلود مستر عضو وزارت حمل و نقل فرانسه بعمل آمده است ، برخی از شیوه‌های پیش بینی فنی که از جمله دقیق‌ترین شیوه‌ها در حال حاضر است ، مورد شك قرار گرفته‌اند .

گزارش آنان آنقدر بدبینانه است که بسیاری از شخصیت‌هایی که آنرا مطالعه کرده‌اند ممکن است چنین استنتاج کرده باشند که : «تجربه پیش بینی درازمدت» سراسر با شکست مواجه گشته و بنابراین لازم است هرچه زودتر باین اقدام پر خرج و منحرف کننده خاتمه داده شود .

لطفا ورق بزنید

روبرت یونگ ، یکی از متخصصان بلند مرتبه علم آینده شناسی است . او بوجود آورنده موسسه تحقیقات درباره آینده ، در وین است و یکی از موسسین انجمن مطالعه در مسائل آینده ، در هامبورگ ، بشمار میرود و در ضمن ، عضو شورای مدیریت مرکز تحقیقات درباره آینده ، در برلن غربی است . وی آثار متعددی درباره آینده‌شناسی نگاشته است که از جمله ، این کتابها به فرانسه ترجمه و منتشر شده است : آینده از هم اکنون شروع شده است . در سال ۱۹۶۹ ، تحت نظارت او و یوهان گالتونک ، (نمونه انسان سال ۲۰۰۰) انتشار یافت که مبتنی بود بر مبنای مباحثات نخستین کنفرانس بین المللی تحقیق درباره آینده ، که در ۱۹۶۷ در اسلو برگزار شد و نیز از افکار و هدفهای طرحی ملهم بود که او بسال ۱۹۶۴ تهیه کرده و آنرا «بشریت سال ۲۰۰۰» نام گذارده بود . روبرت یونگ اکنون در دانشگاه فنی برلن غربی و موسسه اتوسوهر در دانشگاه آزاد برلن غربی تدریس میکند .

کنترل و هدایت حوادث بوجود آورد و شیوه‌هایی عرضه کند که بتوان سرنوشت بشر را تعیین کرد و همچنانکه در گذشته طغیان رودها مهار شد ، بنحوی جریان تاریخ را بدست گرفت .

تعجب آور نیست که پس از دهها سال اغتشاش ، حال انسانها در طلب امنیت باشند و اطمینان و یقین را به حوادث غیرمترقبه ترجیح دهند و اگر در نظر بگیریم که آنان بر اثر افزایش جمعیت ، کم غذایی ، فساد محیط ، احتمال جنگهای هسته‌ای ، شیمیایی و بیولوژیک احساس خطر میکنند ، وضع آینده را بهتر درک خواهیم کرد . اما بی‌تابی و عجله ، مشاوران خوبی نیستند . زیرا تمایلات

شهرت آینده شناسی در سراسر جهان ، چنان ناگهانی بدست آمده که مانند زمینه‌های دیگر ، سوء تفاهمها و ساده‌انگارهای زیادی را همراه داشته است .

از این رشته فکر نوین یعنی آینده شناسی ، برای درمان علمی بحرانهایی که جهان را متشنج ساخته است ، داروی معجز آسایی را انتظار دارند . جالب اینکه تنی چند از پیش‌گامان این رشته را ، علیرغم میل خودشان به مرتبه پیامبران رسانده‌اند .

انتظار دارند که این علم برای دهه های آینده ، نه فقط برنامه‌های کاملاً مشخصی ارائه کند ، بلکه فنون و روشهای دقیقی برای پیش بینی ،

نبت ایالت کالیفرنیا، به عنوان «موسسه مستقل» و «غیر انتفاعی» به ثبت رسید. اما امروز به تمامی اهمیت تاریخی این موسسه آگاهی داریم. این اهمیت فقط ناشی از فعالیت آن نیست، بلکه بخصوص ناشی از آنست که ایجاد این موسسه، خود ابتکار و نوجویی بزرگی بشمار میرفت و در واقع نمونه اولیه موسسات فکری که امروزه «کارخانه تفکر» خوانده میشوند، محسوب میگردد. این موسسه، بعداً، الگوی دستگاههای مشابه متعددی قرار گرفت که در خدمت کشور و زندگی اقتصادی جامعه قرار داشتند.

نوآوری بزرگ «کارخانه های تفکر» و شب کوچک آنها، یعنی «کارگاه های تفکر»، در شیوه کارشان بود. در حالی که پیش از سال ۱۹۵۰، در دانشگاهها، همکاری بین دانشکده های علمی، به ندرت دیده میشد، در «راند» خیلی زود گروه های بین رشته ای بوجود آمد که علاوه بر فیزیک دانان و صاحبان فن، ریاضی دانان، جغرافی دانان، مورخان، متخصصان اقتصاد سیاسی، جامعه شناسان، کارشناسان امور سیاسی و بالاخره، حتی مردم شناسان و روانشناسان را نیز دربر گرفت.

هیچ چیز گویاتر از صراحت و سعه صدری نیست که در تبادل آراء، انتقادات، فرضیه های نوین و تفکرات جدید، حکمفرما بود. بسیاری از دانشمندان مجذوب این محیط آرام و تحریک کننده فکر شدند که در مقایسه با زندگی دانشگاهی یک نواخت تر و سخت تر، از بسیاری جهات، مزیت داشت.

در زمینه تحقیق در پیش بینی سیستماتیک، اکثر شیوه هایی که طی سالهای ۵۰ و ۱۹۶۰ بکار میرفت - و امروزه بیش از پیش مورد انتقادند مدیون این «موسسات تحلیلی» آمریکایی

لطفاً ورق بزنید

کوته ترین راهی را که در برابر ماست، در فاصله نزدیک و دور روشن کنند و این، شرط لازم برای بقا و رشد نوع بشر است. این متخصصان آراء خود را در اختیار دولتها، شهرداریها و مدیران صنایع قرار میدهند.

در همه حالات، فعالیت آنها تقریباً بطور انحصاری، صرف مسائل و طرح های مشخص و قابل لمس میشود. از آنان میخواهند که درباره تحول جمعیت و منابع غذایی، رشد و توسعه پیشرفتهای فنی، شناسایی مواد و مصالح، شیوه های تولیدی و طرق حمل و نقل، پیش بینی کنند. آنچه آنان بوصف درمیاورند، «آینده های ممکن» چه در مورد سیاست جهانی، چه درباره سازندگی خانواده ها، یا فتح فضا و یا کاوش «درونی» انسان و فکر و روح اوست.

معذک فقط بخش ناچیزی از منابع مادی و معنوی ما، در راه ارزشیابی انتقادی کارهای انجام شده و بررسی تطبیقی شیوه های مختلف آینده شناسی برای تکمیل آنها، صرف میشود. در حال حاضر، درباره آینده شناسی، تفکر واقعی از حیث نظری وجود ندارد. ارزش یابی های تازه فقط بطور فرعی و به عنوان مشق دست دومی از پیش بینی های عملی، صورت میگیرد. این، یکی از نقاط ضعف علم آینده شناسی است. این علم، در آسمان و زمین پژوهش میکند، ولی به ندرت به بررسی خود میپردازد.

در بدو پیدایش، یعنی طوسی جنگ جهانی اخیر، آینده شناسی فقط به عنوان علمی در خدمت استراتژی نظامی، جدی تلقی شد و توانست نفوذی بدست آورد. بعد، در اواخر سال ۱۹۴۵ در امریکا، «طرح راند» بوجود آمد که فیزیک دانان و صاحبان فن را گرد هم میآورد. این طرح، وابسته به یک کارگاه هواپیما سازی بود. در مه ۱۹۴۸، به کمک بنیاد فورد، «زاندک پریش» تأسیس شد و در اداره

چه داوری عجولانه و قابل تأسف! زیرا اگر در دوران انقلاب علمی وفی، ما یک الزام وجود داشته باشد، این الزام درست پرداختن منظم به مسائل دنیای فرداست.

به قول گاستون برژه فیلسوف فرانسوی، این الزام را سرعت پدیده های تاریخی بما تحمیل میکند. تا زمانی که تغییرات طی مدت درازی صورت میگرفت، ممکن بود انسان را به پیاده روی تشبیه کرد که در جاده ای تاریک پیش میرود، برای آنکه با اطمینان پیش برود آنچه با چشمهایش میدید، هنوز کافی بود، بعد، وقتی حرکت سریعتر شد و به سرعت حرکت در شکه رسید، لازم آمد که برای روشن ساختن قسمتی از راه، فانوس هایی تعبیه کند. هنگامی که سرعت حرکت به سرعت اتومبیل رسید، برای پرهیز از تصادمها، نصب نورافکن های قوی ضرورت حاصل کرد. پس از مرگ گاستون برژه در ۱۹۶۰ (بر اثر حادثه اتومبیل)، سرعت تحول مدام زیادتر میشود، چنانکه حال، تنها سیستم های بسیار پیچیده الکترونیکی قادرند راه را به دستگاه های مافوق صوت نشان بدهند.

بدین ترتیب بجای تخطئه و سبایی که بما امکان عبور را از حال بآینده میدهد، باید در بهبود و تکمیل این وسایل بکوشیم. اما باید دانست که برای روشن کردن راهمان به سوی آینده، کافی نیست که به تقویت «فانوس» های سنتی بپردازیم، اسباب و وسایل پیش بینی ما باید ناشی از اختراعات معجزه آس باشد، یعنی مشابه وسایلی که ما را از مرحله نورافکن اتومبیل به رادار، و بعد، به اشعه لیزر برساند که قادر است استفاده از راههای بی نهایت دورتر را امکان پذیر سازد.

تقریباً در تمامی کشورهای جهان هزاران تن از متخصصان می کوشند تا به شیوه هایی دست یابند که بتوانند



اشتباه نکنید ، این آئینه نیست

آنچه تصویر چشمان درشت این زن جوان را بازتاب (منعکس) میکند، آینه نیست ، بلکه «حافظه» يك ماشین محاسبه است . سطح شفاف این «خاطره» که به ۳۱۵۰ سول تقسیم شده است ، میتواند ده هیلون عنصر اطلاعاتی و خبری را در يك ثانیه ضبط کند و بکاربرد. آینده شناسی که در ابتدا مجنوب پیش بینی های تکنولوژیک شده بود ، حال ، بیش از پیش ، بسوی آینده اجتماعی بشریت مینگرد .

را نشان میدهد و از راه تجربه، باعث رشد شیوه های فکری جدید میشود که بعداً، عوامل اجتماعی، سیاسی و روانشناسی را در برخواهند گرفت.

در زمینه پیش بینی کاوشی، شیوه «شکل شناسی» (مورفولوژیک) جای خاصی دارد. این شیوه مدیون فریتس زویکی متخصص فیزیک نجومی و اهل سوئیس است. او فکر میکند که از راه تعیین مهمترین علائم ممیزه در یک دستگاه پارامترها، میتوان از طریق ترکیب، «تمامی راه حل های ممکن یک مساله» را پیدا کرد. زویکی بدین ترتیب مثلاً نشان داده است که بر مبنای یازده پارامتر اساسی یک موتور راکتور، میتوان ۲۵۳۴۴ «موتور پروپولسور» مختلف روی کاغذ بوجود آورد. برخی از آنها مانند یک «جت زیر زمینی» (که میتوان از آن در بهره برداری از معادن استفاده برد)، ممکن است تا مدتی دراز، هنوز در مرحله پیش بینی باقی بمانند.

مشخص ترین بررسی ها از این نوع، که فراوان از آنها نام برده میشود، پیش بینی در مورد افزایش جمعیت جهان، اتومبیل ها، آلودگی و ذخایر بمب است. این پیش بینی ها میتوانند و باید برای جلب توجه به موضوع، مورد استفاده قرار گیرند و نتیجه آن باید حتی الامکان متوقف ساختن تحولی شوم، در موقعی مناسب و یا سرعت دادن به تحولی امیدبخش باشد. به کمک ماشینهای حسابگر و روشهای ریاضی جدید، موفق شده اند شیوه هایی را که از دهها سال پیش به این طرف توسط اقتصاددانان و متخصصان جمعیت شناسی بکار میرفت، بهبود بخشند.

امروز سعی میکنند تا با دقتی خیلی بیش از گذشته، اثرات متقابل پیشرفتهای مختلف را مورد بررسی قرار دهند و در این مورد، هیچ چیز مشخصتر از این سؤال نیست که رشد و توسعه

که آنها را برای دنبال کردن تجربه، مورد بررسی و استفاده قرار میدهند. برای کوتاه کردن زمان در این جریان بطبیعی، «موسسه آینده» امریکا ایجاد یک «شبکه دلف» جهانی و دائمی را طرح ریزی کرده است. این شبکه، الکترونیکی است و بیک دستگاه حسابگر مرکزی اتصال دارد.

پیش بینی کاوشی عبارت است از بررسی نتایج احتمالی جاری، گرایش های کنونی و نوآوری های جدید یا در حال پیدایش، زمینه های علمی، فنی، اقتصادی یا اجتماعی و بعد، بر مبنای این جمع بندی ها، عرضه کردن توصیه هایی برای تقویت یا جلوگیری از این یا آن گرایش.

در اینجا، آینده شناسی نوآوری هایی داشته است، مثلاً در مورد آنچه «منحنی های محصور کننده» نامیده میشوند. این منحنی میکوشد تا امکانات حداکثر و حداقل یک سیستم فنی را معین کند: مثلاً بالاترین مصرف ممکن انرژی در یک دستگاه سرعت دهنده هسته ای، سریع ترین وسایل حمل و نقل شدید ترین نورها، و غیره. این منحنی، حدود موسوم به «درونی» ناشی از طبیعت و حدود «بیرونی» (ناشی از جمعیت، تولید ملی، سطح زمین و غیره) را هم در نظر میگیرد. شیوه های دیگری نیز برای تکمیل «پیش بینی کاوشی» وجود دارند. در وهله اول باید از «منحنی های بررسی» نام برد که در آن، تحولات حدسی آینده را میتوان با تحولاتی که در واقع پیش آمده اند مقایسه کرد و بدین ترتیب درباره نتایج احتمالی اشتباهات و میزان تردید نتیجه گیری کرد. در شیوه «فهرست شرایط-متن»، تأثیر متقابل گرایش های مختلفی که نتیجه گیری شده اند مورد ملاحظه قرار گرفته است. این شیوه بسیار نوید بخش بنظر می رسد، چرا که بنحوی قانع کننده وابستگی متقابل تحولات فنی و علمی

است (این نام بر اصطلاح روزنامه ای «کارخانه تفکر» ترجیح میدهند). صدها شیوه آینده نگری را می توان به سه گروه عمده تقسیم کرد:

- پیش بینی مکاشفهی،
- پیش بینی کاوشی،
- پیش بینی قاعده ای،

پیش بینی مکاشفهی، که دانش را با تخیل و مکاشفه توأم میسازد، در شیوه های بسیار مشهور «برین استور-مینک» تحقق یافت و پیش از همه شیوه دلفی را بوجود آورد.

در هر مورد، از شرکت کنندگان خواسته میشود که که آینده را اختراع کنند، یعنی در زمینه یی مشخص (خودکاری، تغذیه، بهداشت، آموزش و غیره)، بیمه و امیدهای خود را اظهار دارند. در حالی که در «برین استورمینک»، این امر طی جلساتی انجام میگردد که هرکس باید سعی کند در افکار دیگران اثر گذارد. ولی در شیوه «دلف»، بعکس، شرکت کنندگان را جدا از یکدیگر نگاه می دارند تا هیچ کس تحت تأثیر افکار شخصیت های برجسته یا سخنوران قرار نگیرد.

یکی از تمرین های خاص شیوه «دلف» عبارت است از انتخاب ۵۰ نفر که هر یک حتی الامکان باید در یک رشته تخصص داشته باشند. سؤال ها را طرح میکنند و به نوبت از هر یک نظر خواسته میشود، و در نتیجه سؤالها و فکرهای دیگری پیش می آید تا اینکه بالاخره بتدریج داده های دقیق درباره احتمال صحت فرضیه های عنوان شده و مهلتی که طی آن، چنین فرضیه هایی امکان تحقق یافتن دارند، بدست آید.

بنابراین، این شیوه امکان میدهد که توافقی بین اکثریت و اقلیت بوجود آید و معلوم شود که فلان تحول آینده محتمل، ممکن یا مورد آرزو است. تمامی سؤالها بطور کتبی مطرح میشوند و جوابها را به مرکز منتقل میسازند



فاصله زمانی بین کشف علمی و کاربردهای آن

وسایل ارتباطی (تلفن، تلفن با تصویر، تلویزیون، ارتباط در هر خانواده از طریق يك اردیناتور و غیره) در مسئله عبور و مرور در آینده چه تأثیری خواهد داشت. این سؤال نیز مطرح است که تحولات روانشناسی مفاهیم نوین ارزش و خواستهای نسل های آینده، به کجا منتهی خواهد شد. اینها، تصاویری از آینده‌اند که امروزه پیش‌بینی کاوشی عرضه می‌کند، البته بادر نظر گرفتن عوامل متعدد و گوناگونی، که مشخص کردن آنها مشکل است و تأثیر خود را بر جای خواهند گذاشت. زیرا این عوامل، هم‌اکنون بسیار گوناگون‌تر و ضد و نقیض‌تر از چند سال پیش هستند.

دسته دیگری از شیوه‌ها، نفوذ خود را گسترش می‌دهند. به این دسته، «پیش‌بینی قاعده‌ی» نام داده‌اند. این شیوه، ایراداتی را که همواره به هر نوع پیش‌بینی آینده صورت می‌گرفته است، بنفع خود مورد استفاده قرار می‌دهد. مثلاً می‌گویند: وقتی انسان امری را پیش‌بینی میکند، فکری را بوجود می‌آورد و این فکر دیگران را برمی‌انگیزد که یا «موافق» این پیش‌بینی و یا «مخالف» آن عکس‌العمل‌شان دهند. یعنی اینکه پیش‌بینی، چون به گوش کسانی میرسد که آماده عکس‌العمل‌اند، تخریب یا تحقق افکار خود را همیشه همراه دارد.

ضمن يك بررسی آینده که نه به عنوان «علم عمل» تلقی می‌گردد، این ایرادها نفی نمی‌شوند بلکه بعکس، آنرا تأیید کرده و به نحوی مثبت مورد استفاده قرار می‌دهند. حال می‌خواهند با تعیین «قواعد» و هدف‌ها، آگاهانه به آینده شکل دهند. اظهارات Olaf Helmer یکی از مبتکران شیوه دلف در «راند کرپشن»، مشخص کننده این موضع گیری جدید درباره شکل دادن به آینده است. او می‌گوید:

در جهان نوین آهنگ تحولات فنی بطور روزافزون افزایش می‌یابد و فاصله بین يك کشف علمی و کاربردهای آن در مقیاس وسیع، بنحویت انگیزی کاهش می‌پذیرد. این پدیده در نمودار بالا نشان داده شده است: در این نمودار اندک زمانی را که بین اکتشاف و کاربرد آن لازم بوده است، در مورد ۱۱ کشف علمی بزرگ که بین پایان قرن ۱۸ و نیمه قرن بیستم صورت گرفته‌اند، می‌بینیم، (به استناد نموداری که در کتاب جان مک‌هیال به نام «آینده آینده» چاپ شده است)

برای اجرای آن «پیش‌بینی» شد. بنابراین هدفی مشخص و «آینده ساخته شد».

پیش‌بینی قاعده‌ی توانست شیوه‌هایی را توسعه دهد که «هدف‌های» ممکن را به‌عینی‌ترین نحو، نسبت به یکدیگر بسنجند و اولویت‌ها را تعیین کنند. پیش‌بینی قاعده‌ی، «نظریه تصمیم» جدید را در گوشه‌های خود وارد ساخت. و شیوه‌هایی را بوجود آورد که از راه نوعی فن برنامه‌ریزی معکوس، با حرکت از هدف آینده‌سوی حال تمامی اقدامات لازم در این زمینه را معین ساخته و بدین ترتیب کوشیده است تا بهترین راه ممکن، بین فردا و امروز را تعیین کند.

شیوه‌ی که در مورد آنچه به «درخت تناسب» مشهور است، بکار برده میشود، کاملاً رضایت‌بخش بوده است. پس از تعیین هدف، که همان نوك درخت باشد، راه‌هایی که به این هدف می‌رسند

«بینش جبری که بر حسب آن آینده غیر قابل پیش‌بینی واجتنباب ناپذیر شمرده می‌شد، به تدریج متروک شده است. اکنون شناسایی این امر را آغاز کرده‌اند که اشکال ممکن متعددی از آینده وجود دارد و يك مداخله قطعی تأثیرات مختلفی بر این امکانات خواهد داشت. این امر بررسی رویدادهای آینده و کوشش در اثر گذاشتن بر آن را در سطح مسائلی که مسئولیت بزرگ اجتماعی مطرح می‌سازد، ترغیب می‌کند. اگر ما بخواهیم این مسئولیت را بپذیریم، نباید دیگر به نگرش تاریخ جهان اکتفا کنیم، بلکه باید بر این تاریخ اثر گذاریم و بخواهیم به آینده شکلی بدهیم».

طرح آمریکا در مورد پرواز در ماه، از مشخصات چنین نحوه رفتار قاعده‌ی بشمار میرفت. سالها پیش از آنکه شرایط علمی و فنی برای پرواز موفقیت‌آمیز بسوی ماه آماده گردد، طرحی تهیه و تاریخ معینی

نوآوری است». ماشین هایی که باداده ها سر و کار دارند و نیز آموزش برطبق برنامه، آهنگ آموزش را برای شاگرد معین خواهند کرد و بسیار دقیق تر از استاد، میزان دانشی را که شاگرد «جذب کرده است» کنترل خواهند کرد. علاوه برآن به شاگرد خواهند آموخت که خودش به کشف وقایع به پردازد، آنها را بهم پیوندد و سپس مورد قضاوت قرار دهد.

آموزش برطبق برنامه که طی آن، شاگرد تنها در مقابل میزکار خود قرار خواهد گرفت و از راه مراحل کوتاه عقلانی، «تکالیفش» را انجام خواهد داد، گمان می رود که استادان آینده را آزاد خواهد ساخت تا به تعلیم و تربیتی انفرادی تر بپردازد.

اما چه کسی برنامه ها را معین خواهد کرد؟ چه کسی فیلمهایی را که در آن دانشمندان مشهور، مطالب خود را برای هزاران دانشجو بیان میکنند، تهیه خواهد نمود؟ چه کسی نوارهای صوتی و نوارهای فیلم را که باید تاحدی جای کتابهای درسی را بگیرند فراهم خواهد آورد؟ چه کسی درسهای تلویزیونی را معین خواهد نمود؟ آیا یک «صنعت بزرگ آموزش» در آینده رشد خواهد کرد؟ اینها از جمله مسائل بسیار مهم اجتماعی محسوب میشوند که آینده شناسی باید به آن بپردازد.

در مورد مسائل اقتصادی، آینده شناسی همانند هر نوع فعالیت پیش بینی کننده دیگری باید جامع باشد و تمامی رشته ها را در بر گیرد. توجه آینده شناسی باید بویژه معطوف به تحول جمعیت گردد.

دو برابر شدن احتمالی جمعیت جهان طی «نیم نسل» (یعنی سی و پنج سال)، یکی از مهمترین عوامل در تقریباً تمامی ملاحظات اقتصادی است. تولید خوراک و پوشاک برای سه میلیارد انسان اضافی و ساختن مسکن برای آنان، بیش از پیش در

اخلاق لازم برای همزیستی موجودات بشری.

درواقع اگر نخواهیم آینده را به تصادف و اتفاق بسپاریم، و آنرا به سرنوشتی غالباً بی رحم واگذاریم، نباید به تولید و عمل قناعت کنیم. باید بفرماییم مسائل بعدی نیز باشیم تا در برخورد با مسائل فوری، منافعی گذشتگان خود را هم بطور عمده، در نظر داشته باشیم.

کاوش آینده، مزایای خاصی برای توسعه آموزش دارد، چرا که بر مبنای پیش بینی های دیگر، متوجه می شویم که نیاز به آموزش فزاینده، از مشخصات دورانهای آینده است، مثلاً «دفتر سرشماری» آمریکا، پیش بینی میکند که تعداد کودکانی که در سال ۲۰۰۰ به سن مدرسه می رسند، به ۱۲۵ میلیون نفر بالغ خواهد شد. طول دوره آموزشی هم گرایش به افزایش خواهد داشت. کی بیاید عضو بخش برنامه ریزی وزارت آموزش و پرورش نروژ، اخیراً برای سازمان همکاری و رشد اقتصادی، در پاریس، «تحلیلی آینده نگرا» در مورد نیازمندیهای آموزشی نروژ بعمل آورده است. او به این نتیجه حیرت آور رسیده که طول متوسط تحصیلات برای هم میهنانش، تا هنگام ورود به دنیای کار حرفه ای، از حد متوسط ۷ سال در ۱۹۳۰، به ۱۱٫۵ سال در حوالی ۱۹۷۰ رسیده و در ۱۹۹۰ به ۱۴ سال خواهد رسید. یعنی در آینده نه فقط افراد ممتاز، بلکه تمام جوانان نروژی تا سن بیست سالگی به موسسات آموزشی خواهند رفت.

هدف آینده شناسی آنست که نه تنها به امکانات آموزش در آینده بیندیشد، بلکه راه را برای شیوه های نوین آموزش نیز هموار سازد. رابرت چیرگی رئیس بخش برنامه ریزی دانشگاه کالیفرنیا عقیده دارد که ماشین های محاسبه «بعد از اختراع چاپ، معرف بزرگترین امکانات در

به ترتیب از بالا به پایین، ارزشیابی و نسبت به یکدیگر سنجیده میشوند.

این شیوه که ابتدا در عملیات نظامی بکار میرفت، بعد، در سایر بخش ها مثلاً در زمینه تحول زیست شناسی و پزشکی نیز، ثمر بخشی خود را به ثبوت رساند. این شیوه، به نحوی روشن و درخشان، به کسانی که باید تصمیم بگیرند، نشان می دهد که چه تصمیماتی را درجه وقت باید اتخاذ کنند و چه مقدار پول باید برای عملی کردن برخی از طرحها صرف کنند.

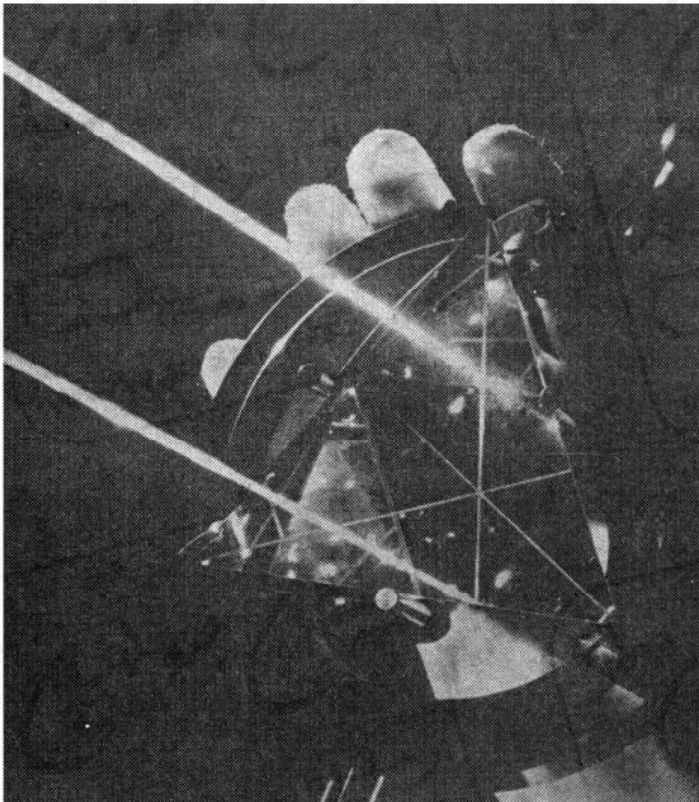
در میان «شیوه های قاعده ای»، «فنون انگیزش» جای خاصی دارند. در اینجا سعی می شود بر خوردهای ممکن، و امکانات از قلم افتاده تحول آینده، در نظر گرفته شوند.

امروزه گرایش نوینی در آینده شناسی، در تمامی کشورها مورد توجه است: این گرایش عبارت است از نوعی آینده شناسی، که میخواهد انسان را، از هر طبقه اجتماعی و از هر نژاد، مرکز فعالیت خود قرار دهد و خواستهای زیست شناسی، روانشناسی و اجتماعی آنان را بشناسد.

در سراسر اروپا، آینده شناسان از جنبه های فنی روی بر تافته و مسائل انسانی را در دورنمای آینده قرار می دهند.

گرایش آنان در میان آینده شناسان آمریکا، با نظر مساعد استقبال شده است. حتی گاه، تحول حیرت انگیزی در جهت یک «مردم شناسی گشاده بروی آینده» مشاهده می شود.

بدین ترتیب آینده شناسی، بیش از پیش به ایفای نقشی گشاده شده است که پیش بینی آن مقدور نبود. این علم، تکیه گاهی شده است که در آن، مسائلی که در سرمستی پیشرفتهای علمی و فنی، بمدت سیصد سال از قلم افتاده بودند، دوباره مورد بحث قرار می گیرند، مثل مسائل مربوط به معنی زندگی و



صدر مسائل اقتصادی قرار خواهند گرفت.

مسائل اجتماعی، نیروهای اقتصادی را با وسعتی روزافزون بسیج خواهند کرد. آلودگی هوا و آب، صدا، تراکم وسایل ارتباطی، پس رفتن کیفیت زندگی به علت توسعه یکنواختی، تاحد زیادی، از نتایج فلسفهی بشمارمیروندکه بیش از اندازه به موفقیت های اقتصادی توجه داشته ولی به بهای سنگینی که انسانها باید بپردازند، چندان اعتنا نکرده است.

کاوش اقتصادی آینده، بنابر این، باید توجه خاصی به مسائل حرفه ای و امکانات اشتغال داشته باشد. در آینده نزدیک به احتمال زیاد، مسئله ایجاد شغل دست کم همان اهمیت تولید کالاها را کسب خواهد کرد. مسائل مربوط به توزیع عادلانه تر مشاغل مسائل مربوط به آموزش مشاغل جدید، برای پاسخ گویی به نیازهایی که دستخوش تغییرات فراوانند و درك كاملا تازه ای از کار، - نه بعنوان يك «وظیفه»، بلکه به عنوان يك «امكان» - اقتصاددانان را ناگزیر خواهد ساخت که بیشتر به روانشناسی، مطالعه و بررسی نحوه های رفتار، و فلسفه بپردازند.

مسئله «مفهوم زندگی» نیز بیش از پیش در بخش اقتصادی مطرح خواهد گشت. «انسان اقتصادی» از هم اکنون، بنظر نسل جوان، چون نوعی محدود کردن و حتی کوچک کردن انسان تلقی میشود و بزودی، فقط بعنوان پدیده ای تاریخی قابل فهم خواهد بود.

يك بررسی آینده که میخواهد بحال انسان مفید باشد، نباید فقط به معاصران توجه کند، بلکه باید منافع نسل های آینده را هم در نظر گیرد. بنابراین وظیفه آینده شناسان - و یکی از مهمترین وظایفشان - آنست که «مدافع کسانی باشند که هنوز زاده نشده اند» و شرایط زندگی شان به خاطر

برای رسیدن از کشف اصول عکاسی به کاربرد های عملی آن، ۱۱۳ سال وقت صرف شد. اما در مورد باتریهای آفتابی، فقط دو سال کافی بود. آهنگ رشد امروزه چنان سریع شده است که نتایج مشخص تحقیقات اساسی، پیش از آنکه فرصت آنرا داشته باشیم که ببینیم آیا مطابق دلخواه هستند یا نه و نتایج آن کدامند، وارد زندگی ما میشود. در این جاست که آینده شناسی ب نتیجه گیری از گرایشها، میتواند فرصت و زمان تفکری در اختیار ما بگذارد. نخستین نمونه لیزر در ۱۹۶۰ توسط ت. ه. مایمن بوجود آمد، و هم اکنون لیزر در دقیق ترین زمینه ها مورد استفاده قرار گرفته است، مثل جراحی یاخته ای، کنترل ماشینها، پرداخت مصالح بسیار سخت و اندازه گیریهای با دقت مطلق. استفاده از لیزر بعنوان وسیله ارتباط، از جمله وسیله ارتباطی بین ستارگان، امیدهای بسیاری را برانگیخته است. در عکس بالا، جزئیات يك رفلکتور «منعكس کننده» فرانسوی دیده میشود که توسط ماهواره لونا ۱۷ شوری در ماه مستقر شد و اشعه ای را که يك لیزر زمینی میفرستد، دوباره بزمین برمیگرداند و بدین ترتیب بدانشمندان امکان میدهد که با حداکثر دقت، فاصله زمین تا ماه را در هر لحظه اندازه بگیرند.

باحتیاطیها و افراطیهای مردم قرن نوزدهم و بیستم، در معرض تهدید قرار دارد. نتیجه ای بیار نیابرد، ارزش آن محل انکار نیست.

با شرکت سیصد تن از اساتید و کارشناسان

سمینار تحقیقاتی توتون و سیگار با موفقیت

غربی تقاضا کرد که بنام نامی شاهنشاه آریامهر سمینار را افتتاح کند.

افتتاح

آنگاه آقای دهستانی پشت‌تربون قرار گرفت و ضمن سخنانی گفت ، از طرف مردم رضائیه به اساتید و دانشمندانی که در سمینار شرکت کرده‌اند صمیمانه خیرمقدم میگویم و امیدوارم این سمینار که با حضور شما در این شهر تشکیل شده ، منشاء خیر و برکت برای کشاورزان این ناحیه شود.

استاندار آذربایجان غربی اضافه کرد : خوشبختانه سمینار در شهرستانی تشکیل میشود که توتون کشت گروهی از کشاورزان آنرا تشکیل میدهد در این استان پنج هزار هکتار توتون کشت میشود و چهار هزار پیمان بسته میشود.

آقای دهستانی آنگاه اثرات اقتصادی توتون را در زندگی کشاورزان رضائیه تشریح کرد و ضمن اشاره به مرکز تحقیقاتی توتون رضائیه و کارخانه مانیپولاسیون و تخمیر توتون که بوسیله شرکت دخانیات ایجاد شده است از خدماتی که دخانیات در این شهر برای کشاورزان انجام میدهد تشکر کرد و سپس بنام نامی شاهنشاه آریامهر سمینار را افتتاح کرد.

منبع مهم درآمد.

بعد از مراسم گشایش آقای دکتر عباس اردوبادی معاون وزارت تولیدات کشاورزی و مواد مصرفی مطالبی اظهار داشت : که قسمتی از آنرا بنظر خوانندگان عزیز می‌رسانیم.

شرکت دخانیات ایران که در سال ۱۳۱۶ بدست توانای سردار نامدار ایران رضاشاه کبیر گشایش و در دوران سلطنت پرشکوه شاهنشاه آریامهر به سیر تکاملی خود ادامه داده است دومین منبع مهم درآمد دولت را تشکیل میدهد اهمیت فعالیت اقتصادی و بازرگانی تأسیسات شرکت دخانیات ایران محدود بتأمین قسمتی از درآمد دولت نیست - بلکه نقشی است که در تأمین

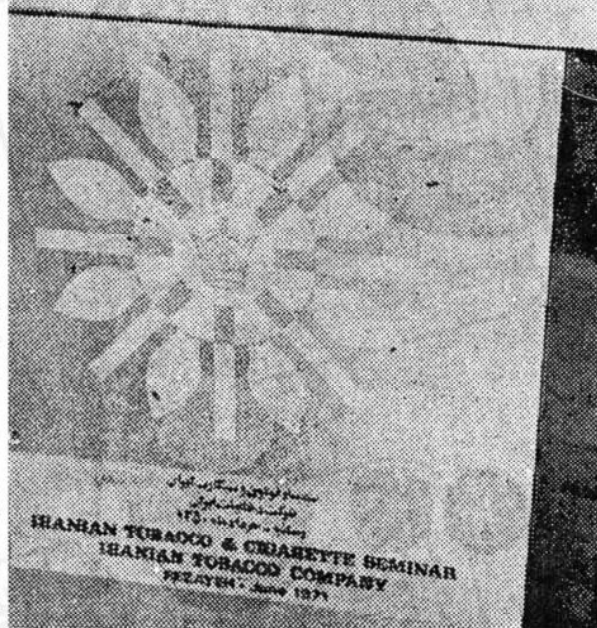
سمینار تحقیقاتی توتون و سیگار صبح یکشنبه هفته گذشته در رضائیه گشایش یافت ، شرکت کنندگان در این سمینار مدت سه روز در باره اهمیت تحقیقات در امر کشاورزی توتون و آثار آن در بهبود کشت و اقتصاد کشاورزی بحث و تبادل نظر کردند.

در جلسات این سمینار که از طرف شرکت دخانیات ترتیب داده شده ۲۵ مقاله علمی و تحقیقی که بوسیله گروهی از اساتید دانشگاهها و مهندسين و کارشناسان دخانیات ایران تهیه شده بود موضوع اصلی سمینار را تشکیل داد . شرکت کنندگان در سمینار همچنین از مرکز تحقیقات توتون رضائیه کارخانه «مانیپولاسیون» و تخمیر مصنوعی توتون و دانشکده کشاورزی رضائیه بازدید نمودند. تعداد شرکت کنندگان در جلسات سمینار حدود ۳۰۰ تن از استادان دانشکده کشاورزی کرج، دانشکده علوم دانشگاه تهران ، مرکز اتمی دانشگاه تهران، دانشکده کشاورزی رضائیه ، دانشگاه ملی ایران و مهندسين و کارشناسان وزارت تولیدات کشاورزی و مواد مصرفی، سازمان برنامه مرکز توسعه صادرات ایران و شرکت دخانیات بودند . علاوه بر این عده گروهی از شخصیت های علمی کشور نیز در آن شرکت داشتند.

مراسم افتتاح

آقایان دکتر عباس اردوبادی معاون وزارت تولیدات کشاورزی و مواد مصرفی ، دکتر دواجی رئیس دانشکده کشاورزی کرج، مهندس دیلمقانی مدیرعامل شرکت دخانیات، مهندس لطیفی و حجازی اعضاء هیات مدیره شرکت دخانیات باتفاق کلیه شرکت کنندگان در سمینار در میدان رضاشاه کبیر رضائیه حضور یافتند و تاج گل زیبایی بپای پیکره اعلیحضرت رضاشاه کبیر نثار کردند . ساعت ده صبح سمینار بوسیله آقای مهندس دهستانی و استاندار آذربایجان غربی در کاخ جوانان رضائیه گشایش یافت . قبل از نطق افتتاحیه استاندار سرود شاهنشاهی نواخته شد و آقای مهندس دیلمقانی مدیرعامل دخانیات طی سخنان کوتاهی خیرمقدم گفت.

وی سپس از آقای دهستانی استاندار آذربایجان



مهندس دیلمقانی

مصرف کنندگان قرار گیرد. اینکار از طریق مصاحبه با مصرف کنندگان، تنظیم پرسشنامه و پخش رایگان نمونه محصولات جدید بصورت آزمایشی امکان پذیر میباشد. بررسیهای فنی و اقتصادی و بازرگانی باید با هم و به موازات یکدیگر بعمل آید.

لطفا ورق بزنید

توتون در رضائیه

بیکار خود پایان داد

رفاه گروهی از افراد زحمتکش این مرز و بوم بمهده دارد.

تقریباً چهارده هزار هکتار از زمینهای کشور زیر کشت برک توتون قرار دارد و گروهی از کشاورزان در آن به کشت مشغولند در بخش صنعتی قریب هفت هزار نفر به تبدیل برک انواع توتون به فرآوردههای دخانی اشتغال دارند. درآمدی که از این رهگذر نصیب شاغلین کشت و صنعت دخانیات میشود در حقیقت کمکی است که به سایر فعالیتهای اقتصادی بعمل میآید. اهمیت این درآمد و توزیع آن در سایر بخشهای اقتصادی کشور بمراتب بیش از درآمدی است که شرکت دخانیات ایران به صندوق دولت میپردازد.

نقش شرکت دخانیات

منظور از بیان این نکات اهمیت نقشی است که شرکت دخانیات ایران در اقتصاد کشور دارا میباشد. ایفای چنین نقش مهمی بنحو احسن ایجاب میکند از کمی و کاستی پرهیز شود. پرهیز از لغزش هنگامی میسر خواهد بود که قلمرو بررسیهای مربوط باین صنعت توسعه و گسترش یابد.

خوشبختانه تشکیل این سمینار و برنامه جامع آن نشان میدهد که به مسئله تحقیق و بررسی توجه و عنایت میشود. اهمیت بررسی در این رشته هنگامی آشکار میشود که به ماهیت و ذات اقتصاد دخانیات توجه کنیم. ماده اولیه صنعت دخانیات برک توتون است که در زمین میروید از اینرو اقتصاد دخانیات فقط یک رشته صنعتی مطلق نیست، بلکه یک رشته کشاورزی صنعتی است.

بهبود کیفیت

خوشبختانه شرکت دخانیات ایران با اقدام به تاسیس دو مزرعه آزمایشی در گیلان و مازندران و ایجاد مرکز تحقیقاتی در رضائیه و موسسه تحقیقاتی تیرتاش به مسئله بهبود توتون توجه مخصوص نموده است. اشاره به یک نکته را در اینجا ضروری میدانم و آن این که بهبود کیفیت توتون باید به نحوی بعمل آید که مورد پسند ذائقه

معاون وزارت توليدات :

برای مصرف کننده باید سیگاری تهیه کرد که ضمن ارضای وی عاری از زیان باشد.

در سال ۱۳۴۹ شرکت دخانیات در برابر ۹ میلیارد درآمد سیزده میلیون ریال برای بررسی و تحقیق مصرف کرده است .

مدیرعامل دخانیات گزارش فعالیتها و برنامههای شرکت دخانیات را به سمینار داد.

شرکت کنندگان در سمینار از مرکز تحقیقاتی توتون رضاییه دیدن کردند.

بدین لحاظ مقدمات تاسیس مرکز تحقیقات توتون بنحو کاملتری در رضاییه فراهم گردید و این مرکز از اول سال ۱۳۴۸ مورد بهره برداری قرار گرفت. این مرکز شامل بخشهای «اگرونومی» و «سلکسیون» ، حفظ نبات - تکنولوژی و شیمی است.

این مرکز علاوه بر وسایل کشت و آزمایش های مزرعه ای چهار آزمایشگاه مربوط به بخشهای چهارگانه فوق الذکر را دارا میباشد که آزمایشهای مربوط به توتون را انجام میدهد.

در این مرکز يك نفر متخصص آب و خاک - یازده نفر مهندس کشاورزی ، پنج نفر شیمیست ، پنج نفر تکنیسین و سه نفر کارشناس توتون مشغول بکارند.

در برنامه اساسی این مرکز افزایش خاصیت سوزش توتون ، رفع نقص سبز خشک شدن توتون ، مبارزه با انگل گل جالیز ، مبارزه با سفیدک حقیقی توتون ، مبارزه با آفت شته و تریپس ، تخمیر و واریته های مختلف توتون و تجزیه خاکهای نواحی مختلف توتون منطقه شمالغرب کشور گنجانیده شده است.

نیاز به توضیح نیست که توفیق تحقیقات در زمینه های مورد اشاره تاثیر عظیمی در بهبود کیفیت و کمیت توتون و رشد قابل توجه اقتصادی کشاورزان توتون این منطقه خواهد داشت.

انستیتو توتون

شرکت دخانیات ایران با الهام از اوامر و فرمایشات موکد و مبارک ملوکانه در مورد اهمیت تحقیقات علمی به داشتن سه مرکز تحقیقاتی فوق الذکر اکتفا نکرده و از چند سال قبل در صدد تاسیس يك انستیتوی توتون برآمده و چون بهترین محل برای تاسیس انستیتوی محل فعلی

در جهان امروز دیگر تولیدکننده حاکم بر بازار نیست. بلکه مصرف کننده بوسیله بازاریاب بتولیدکننده دستور میدهد که نیاز او چیست و طالب چه نوع کالا و یا کدام خدمتی است.

در چنین حالی تولیدکننده برای کامیابی مجبور است روش تولید و کالای تولیدی را با خواسته مصرف کننده هماهنگ سازد. در غیر این صورت مصرف کننده دیگری برای تامین مصرف خود مراجعه خواهد کرد.

توفیق کامل شرکت کنندگان در این محفل علمی را خواستارم .

اهمیت تحقیقات

سپس آقای مهندس دیلمقانی گزارش جامعی از اقدامات دخانیات را باین شرح قرائت کرد:

سخنرانان محترم بیانات جامعی در مورد اهمیت تحقیقات کشاورزان توتون و آثار بالاتر دید آن در بهبود کشت و اقتصاد کشاورزی فرمودند و من اینک خلاصه ای از فعالیت هایی که در زمینه تحقیقات علمی و عملی کشاورزی توتون از بدو تاسیس دخانیات ایران صورت گرفته به استحضار میرسانم.

اولین بار در سال ۱۳۱۷ يك مزرعه آزمایشی در طالش بسرپرستی آقای «زافروپولوس» تشکیل شد که بعدا به تیرتاش که محل مناسبتری تشخیص داده شده بود انتقال یافت . این مرکز طی سالیانی که از تاسیس آن میگذرد مطالعات موثری از طریق آزمایش های مزرعه ای در زمینه بهبود روش های کشت و برداشت توتون انجام داده است ، نتیجه کار این مرکز در مورد تهیه نژادهای جدید و مقاوم در برابر بیماریهای گیاهی و همچنین تربیت کارشناسان توتون که هم اکنون در سراسر مناطق توتون خیز به خدمت مشغول هستند جالب و شایان توجه است.

در سال ۱۳۳۴ مزرعه دیگری بمنظور همکاری با مرکز تحقیقات تیرتاش و مطالعه بیشتر با توجه به آب و هوای گیلان در احمد گوراب رشت تاسیس شد و هم اکنون بذر مورد نیاز توتون کاری منطقه گیلان وسیله این مزرعه تهیه میشود و مطالعاتی هم در مورد روش های کشت و برداشت توتون های نوع ویرجینیا و بارلی در این مزرعه صورت میگيرد.

مرکز تحقیقات

پس از آغاز توتون کاری در منطقه آذربایجان غربی به تدریج معلوم شد که روش های معمول در نواحی شمالی ایران در کشاورزی توتون بعلت تفاوت جنس خاک و شرایط اقلیمی در این منطقه قابل تطبیق نبوده و بذر اصلاح شده مناسب این منطقه نیز باید در همین جا تهیه شود.

کشاورزی توتون و امکان صادرات و تربیت کارشناسان بوجود خواهد آمد.

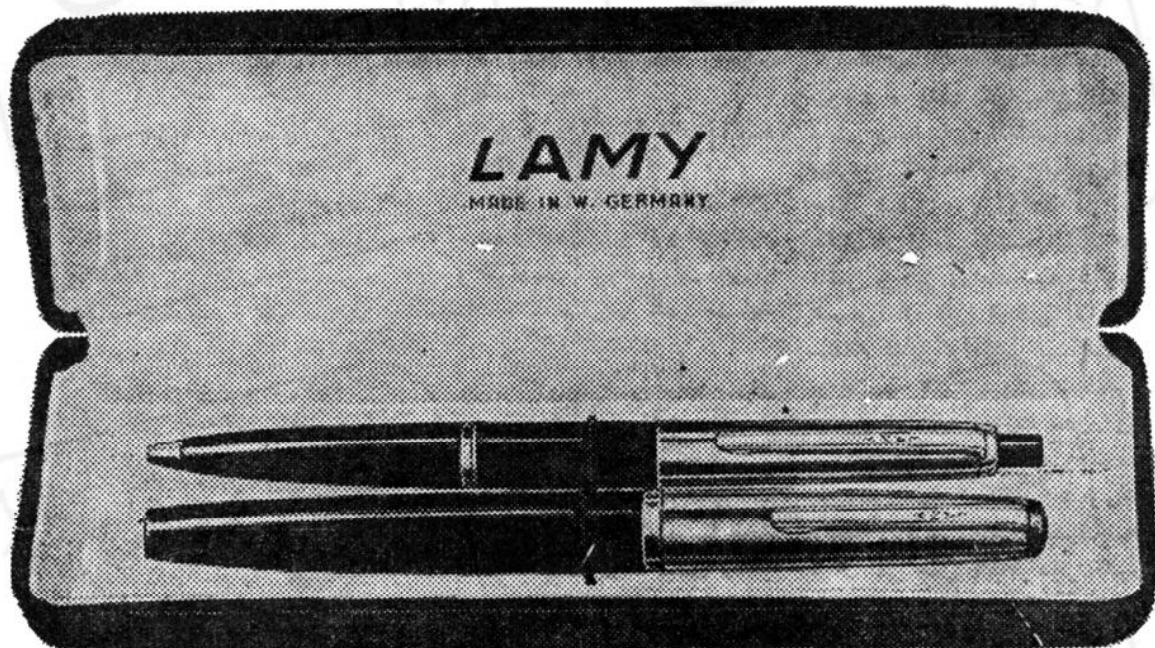
مرکز تحقیقات

کارخانه «مانیپولاسیون» و تخمیر مصنوعی توتون مرکز تحقیقاتی توتون رضائیه از جمله مراکزی بود که مورد بازدید شرکت کنندگان در سمینار قرار گرفت.

در مرکز تحقیقاتی توتون رضائیه آقای مهندس رضا وفائی رئیس مرکز مطالبی در باره هدف و کارهای تحقیقی مرکز و تاسیسات آن در اختیار شرکت کنندگان قرارداد.

آقای مهندس وفائی گفت: مرکز تحقیقات توتون رضائیه سازمانی است کاملاً جدید که از اوایل سال ۴۸ در زمینی حدود بیست هکتار تاسیس شده است. در این مراکز که مجهز به آزمایشهای تکنولوژی، شیمی، آگرونومی و حفظ نبات میباشد، مهندسين و شیمیست های ایرانی روی توتون از جنبه های مختلف مطالعات و بررسی های جامعی برای بهبود کیفیت توتون ایرانی و در نتیجه ایجاد درآمد بیشتر برای زارعین توتون کار و فراهم کردن بازارهای جهانی برای فرآورده های دخانیاتی ایران اجرا میکنند.

تیرتاش مازندران واقع در شهرستان بهشهر تشخیص داده شد حدود ۲۷ هکتار زمین در مجاورت مزرعه فعالی تیرتاش خریداری نموده و از دو سال قبل شش نفر از مهندسين مطلع و با سابقه خود را برای تکمیل اطلاعات و احراز تخصص در رشته های - ژنتیک - شیمی - امراض قارچی - آگرونومی - آگروشیمی - بیوشیمی - و تخمیر توتون به بزرگترین مرکز تحقیقاتی توتون یعنی فورشهیم آلمان غربی - برژراک فرانسه - اسگافاتی - ایتالیا اعزام داشت که مطالعات آنان خاتمه یافته و دو نفر آنان نیز بدرجه دکتری نائل شدند، این عده باضافه شش نفر دیگر که جهت احراز تخصص در رشته های و بولوژی، فیزیولوژی، آنتمولوژی، نامتولوژی باکتریولوژی تکنولوژی توتون انتخاب و قریباً به انستیتوهای توتون اعزام خواهند شد هسته اصلی تحقیقاتی انستیتوی توتون مزبور را تشکیل خواهند داد. این انستیتو کلیه تحقیقاتی که درباره توتون و یا مزارع نمایی کشور صورت خواهد گرفت ارشاد و هدایت نموده و شرکت دخانیات ایران رجاء واثق دارد با داشتن انستیتوی مزبور تحول اساسی در امر کشاورزی توتون هم طراز با کشورهای مرقی توتون خیز و رشد اقتصادی



لامی، محبوبترین خودنویس و خودکار جهان

کارنامه سال ۱۳۴۹ سازمان آب و برق آذربایجان



گزارش مختصری درباره طرح زرینه رود و مهاباد

گردید و مبلغ کل قرارداد منعقد با مهندسین مشاور مذکور بدون محاسبه هزینه های آب مشروب شهر ۴۷۸۵۰۰۰ ریال و مبلغ ۵۰۷۷۰۰ دلار میباشد .

هدف از اجرای طرح مهاباد

با احداث ساختمان سد شاهپور اول و سد انحرافی آن ذخیره آب سد مذکور بمقدار ۲۳۰ میلیون مترمکعب خواهد رسید که همه ساله بهدر میرفت و باعث خرابیهائی ناشی از سیل و خساراتی بکشاورزان نیز میگردد که هم اکنون آب مورد نیاز جهت کشاورزی و زراعت در ۲۰۰۰۰ هکتار از اراضی دشت مهاباد که بطور ناقص و دیم زراعت میشود و یا اینکه قسمتی از این اراضی بلااستفاده میماند تامین و در امر پیشرفت زراعت و فلاحیت تاثیر بسزائی خواهد نمود و این اراضی بصورت مدرن زراعت و آبیاری خواهد شد و محصولات فراوانی اعم از صیفی ، شتوی خواهد داشت که از نظر تامین مصرف محلی و از نظر حمل بنقاط دیگر کشور در بالابردن سطح درآمد ملی و بالنتیجه بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی استان آذربایجان غربی اثرات بس قابل ملاحظه ای خواهد داشت .

دیگر از نتایج حاصله از تاسیس سد تولید ۲۴۵ میلیون کیلووات ساعت نیروی برق بود که با احداث نیروگاه و برق حاصله از سد شاهپور اول

شامل کلیه مطالعات لازم جهت احداث سد و شبکه آبیاری و همچنین تامین نیرو و آب مشروب شهر مهاباد بود در اواخر سال ۱۳۴۵ سازمان تسلیم شد که پس از تغییرات لازم به تصویب رسید و بمرحله عمل درآمد .

قسمتی از اعتبار لازم بمنظور اجرای این طرح از طریق بانکهای داخلی و بقیه از محل اعتبار عمرانی کشور تامین و انجام کار بشرکت ایرانی تسا واگذار گردید .

تاریخ شروع کار ۴۶۲۸۰۰ و مدت اجرا ۳۶ ماه بود .

عملیات ساختمانی شامل بنای بدنه سدهای مخزنی و انحرافی شاهپور اول و ساختمان نیروگاه برق آبی و تاسیسات آب مشروب شهر مهاباد است .

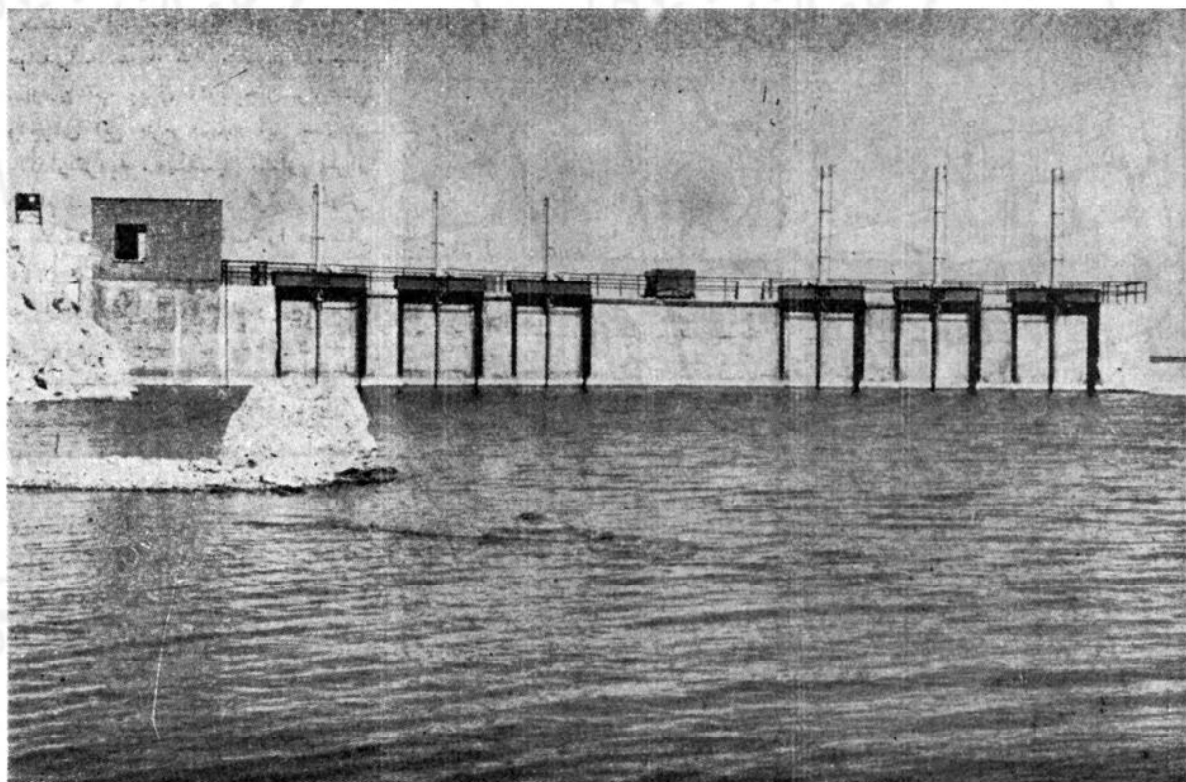
هزینه کل پیش بینی شده برای ساختمان سدها و نیروگاه در ابتداء ۷۲۳۷۵۹۹۸۲ ریال بوده که در اثر ازدیاد حجم کار به ۸۲۳۷۰۸۰۲۴۵ ریال افزایش یافت . شرکت تسا انجام قسمتی از عملیات مورد پیمان را که عبارتست از دیافراگم پی سد - حفاریها و تزریق سیمان و دیافراگم دور قسمت از زیرسد میباشد بموافقت سازمان آب و برق آذربایجان به شرکت سیفباشی واگذار نموده است «چنانکه قبلا اشاره شد کلیه مطالعات مقدماتی و نهائی و نظارت بر اجرای کار به مهندسین مشاور الکتروپروژکت واگذار

رودخانه مهاباد که از دو شاخه تشکیل گردیده از کوههای زاگرس سرچشمه گرفته و پس از طی مسافتی بطول ۹۰ کیلومتر و عبور از شهر مهاباد بدریاچه رضائیه میریزد .

دبی متوسط سالانه این رودخانه براساس آمارهای موجود ۱۰۰۴ متر مکعب در ثانیه است و مساحت حوضه آبریز رودخانه مهاباد تا محل سد شاهپور اول ۸۰۶ کیلومتر مربع میباشد .

در سال ۱۳۴۱ در اجرای اوامر شاهنشاه آریامهر مطالعات لازم برای احداث سدی بر روی رودخانه مهاباد آغاز گردید . این مطالعات شامل حفاری ، نقشه برداری ، زمین شناسی ، نصب اشل و باران سنج ، تهیه آمارهای هیدرولوژی ، هواشناسی ، مطالعات اقتصاد آب و کشاورزی و مطالعات خاکشناسی نیمه تفصیلی بود که توسط بنگاه سابق آبیاری انجام پذیرفت .

در اردیبهشت ۱۳۴۳ ادامه مطالعات از نظر تهیه گزارش صلاحیت فنی و اقتصادی پروژه **Peasibility Report** و همچنین مطالعات نهائی و تهیه نقشه های اجرایی سد و شبکه آبیاری بعهده مهندسین مشاور الکتروپروژکت محول گردید . در سال ۱۳۴۴ اجرای این طرح بعهده سازمان آب و برق آذربایجان واگذار شد . گزارش نهائی مهندسین مشاور که



دریچه‌های تنظیم سد انحرافی نوروزلو

رودخانه‌های ایران در دوماه اسفند و فروردین سیلابی و یرآب و دو سایر فصول کم‌آب و ناکافی برای رفع احتیاجات زراعی می‌باشد. دبی متوسط سالانه رودخانه در یمین آباد ۴۴ و در نوروزلو ۷۰ متر مکعب در ثانیه است.

سابقه طرح

بمنظور آبیاری و استفاده از اراضی دشت میاندوآب در سال ۱۳۲۷ مطالعات مقدماتی در زمینه احداث سدی بر روی زرنه رود توسط نگاه سابق آبیاری آغاز و تا سال ۱۳۳۳ بطول انجامید. در این سال ادانه مطالعات بعهده مهندسین مشاور جستین کورنی (طالقانی - دفتری) محول گردید و بالاخره در سال ۴۲ قراردادی بین سازمان برنامه و مهندسین مشاور مزبور برای احداث یک سد مخزنی و یک سد انحرافی

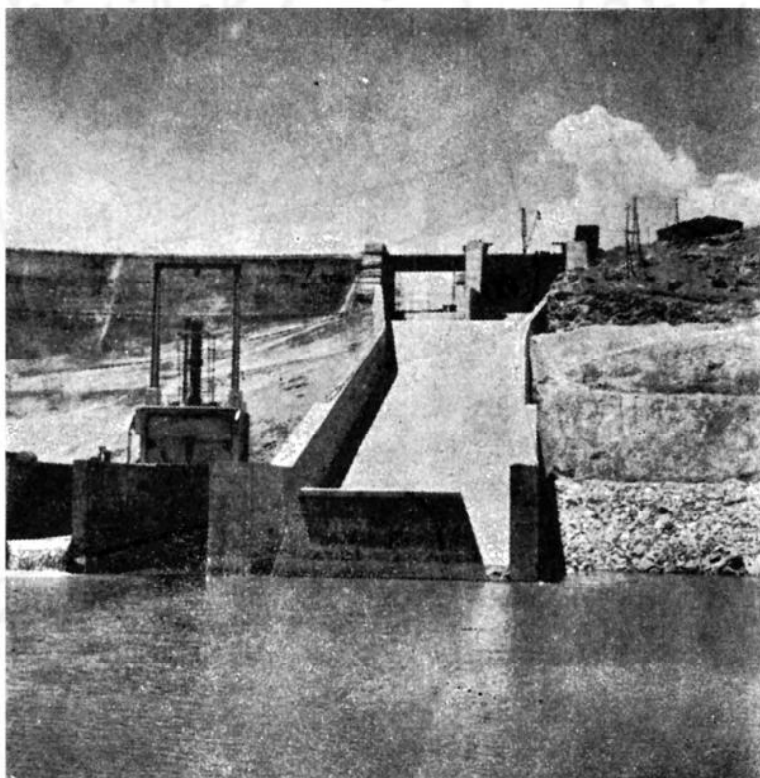
تصفیه‌خانه‌ای جهت تصفیه فیزیکی و شیمیایی آب نیز ایجاد خواهد شد. کل بودجه پیش‌بینی شده در این طرح ۴۹۰۰۰٫۰۰۰ ریال می‌باشد که ۲۶۱۵۴۰۰۰ ریال هزینه ساختمانی و بقیه جهت تجهیزات تصفیه‌خانه می‌باشد.

سرچشمه زرنه رود در کوه‌های زاگرس در سقز می‌باشد این رود پس از عبور از مناطق کوهستانی جنوب بوکان و پیوستن چندین رشته از رودهای محلی بطرف شاهین‌دژ در جریان بوده و پس از مشروب نمودن اراضی واقع در مسیر بدریاچه رضائیه می‌ریزد. زرنه رود از سرچشمه تا مصب بدریاچه رضائیه از مناطقی که بر روی مدار ۳۶ و ۳۷ درجه طول شرقی و ۴۶ تا ۴۷ درجه نصف‌النهار شمالی واقع است گذشته و مانند اکثر

به خط انتقال نیروی دور بدریاچه رضائیه اتصال و از این طریق بمصرف خواهد رسید که جهت تامین برق واحدهای صنعتی و اقتصادی و همچنین رفاه اجتماعی بهره‌برداری خواهد شد.

آب مشروب شهر

در طی سال ۴۹ تمام مطالعات مقدماتی و نهائی آب مشروب شهر مهاباد باتمام رسیده و نقشه‌های آن نیز تهیه گردیده است و طبق قراردادیکه با پیمانکار بسته شده از اوایل سال ۱۳۵۰ ساختمان آن شروع خواهد شد که جمعا ۳ جفت منبع جهت ذخیره آب تعبیه شده است که ظرفیت هر یک ۱۵۰۰ متر مکعب می‌باشد که بوسیله پمپاژ از محل رودخانه مهاباد تغذیه و با نیروی ثقل بشهر هدایت خواهد شد و در مجاورت مخازن مذکور



سرین سد شاهپور اول

و همچنین احداث شبکه آبیاری دشت میاندوآب منعقد شد. پس از تاسیس سازمان آب و برق آذربایجان سرپرستی و اجرای این طرح بعهده این سازمان واگذار گردید. مهندسین مشاور پس از انجام کلیه مطالعات لازم گزارش نهائی و نقشه‌ها و اسناد مناقصه را در سال ۱۳۴۵ تهیه و تسلیم نمود که این اسناد پس از رسیدگی مورد تصویب قرار گرفت و متعاقب آن ساختمان سد و تاسیسات مربوطه طی قراردادی به شرکت آپور (اطریش) واگذار شد. بموجب این قرارداد هزینه ساختمان سدهای مخزنی کوروش کبیر و انحرافی نوروزلو بمبلغ ۱۰۱۱۲۷۸۷۴۰ ریال برآورد گردید ۷۵ درصد از هزینه مربوطه طی موافقتنامه اعتباری مورخ ۲۸ ژوئن ۱۹۶۷ از اعتبارات ۱۶۷ میلیون شیلینگی دولت اطریش از طریق لندر بانک اطریش و بقیه از محل اعتبارات عمرانی کشور تامین شده است. اجرای ساختمان سدهای مذکور با مشکلات فنی ناشی از نامساعد بودن وضع ژئولوژی و مصالح پی و ساختمان سدها مواجه جهت برطرف نمودن آنها اقداماتی اضافه بر آنچه پیش بینی شده بود لازم گردید. در نتیجه مخارج ساختمان دوسد تا پایان کار حدود ۱۲۳۳۰۰۰۰۰۰ ریال پیش‌بینی میشود.

هدف از اجرای سد

با احداث سدهای مذکور بر روی رودخانه زربنه رود بجای ۱۵ تا ۲۰ هزار هکتار زمینی که هم اکنون بطور ناقص آبیاری میگردد هزار هکتار از اراضی دشت میاندوآب زیر کشت درآمد و بنحو مطلوب و اسلوب صحیحی

آبیاری خواهد شد. همچنین با ساختمان یک نیروگاه آبی با قدرت ده هزار کیلووات نیرو در این محل نه تنها روشنائی روستاهای اطراف سد تامین خواهد شد بلکه مازاد آن نیز از طریق شبکه برق دریاچه رضائیه صرف تامین قسمتی از احتیاجات انرژی الکتریکی استان آذربایجان غربی خواهد گردید. لزوما یادآور میشود در حال حاضر درآمد سالیانه دشت میاندوآب بطور متوسط از هر ۱۰۰۰ هکتار در حدود ۲ الی ۴ میلیون ریال میباشد که با اجرا و بهره‌برداری از طرحهای یاد شده در بالا و ایجاد مزارع نمونه و کنترل نوع کشت درآمد هر ۱۰۰۰ هکتار بطور متوسط به ۱۷ تا ۱۹ میلیون ریال بالغ خواهد گردید. نسبت سود و هزینه سالیانه بادر نظر گرفتن هزینه ساختمان، نگهداری، استهلاک سرمایه و بهره‌برداری مربوطه بمیزان ۶ درصد برای دوره بهره‌برداری از سد که در حدود ۴۰ سال برآورد میشود بشرح جدول زیر خواهد بود.

جدول مقایسه سود و درآمد			ارقام به هزار ریال	
شرح	اراضی تحت کشت به هکتار	درآمد سالانه	هزینه سالانه	نسبت سود و مخارج
مرحله اول	۵۰۰۰	۲۱۴۰۰۰	۲۰۶۴۶۴	۱۰۴
مرحله دوم	۸۵۰۰۰	۴۴۲۸۰۰	۲۵۶۴۶۴	۱۰۷۳

مدیرعامل جدید فروشگاه فردوسی :

استاندارد کالاهای فروشگاههای فردوسی

بالا میرود و قیمت ها پائین می آید

تولید بعضی از مایحتاج مردم و همکاری مستقیم با سازمان ها و همکاری های زراعی کشور و کشاورزان و غیره میباشد ، بدیهی است در این زمینه حمایت و همکاری اصیل و صمیمانه اینگونه سازمان ها و کشاورزان به موفقیت شرکت سهامی فروشگاه فردوسی در تهیه مایحتاج ضروری و تثبیت قیمت و شاخص آنها کمک فراوانی خواهد کرد.

تقاضای کمک

شرکت سهامی فروشگاه فردوسی از مردم تقاضای کمک و باوری دارد و اطمینان میدهد که پیشنهادات و نظریات آنان را در جهت بهبود کار شرکت صمیمانه مورد توجه قرار داده و وصول نظرات عموم موجب تشکر خواهد شد.

شرکت سهامی فروشگاه فردوسی از مشتریان خود انتظار دارد اگر نقشی در هر يك از قسمت های مختلف فروشگاه مرکزی و یا شعب آن مشاهده مینمایند دستگاه مدیریت را در جریان امور بگذارند و اطمینان داشته باشند به تذکرات مفید آنان با دقت رسیدگی و نقائص احتمالی مرتفع خواهد شد.

شرکت سهامی فروشگاه فردوسی در نظر دارد برای جلب رضایت مراجعین و خریداران خود کمال کوشش و مجاهدت را معمول داشته تا بتواند رسالت بزرگ خود را در تثبیت قیمتها بویژه در مورد مایحتاج عمومی ایفا

مایحتاج آنان از هیچ کوششی فروگذار ننمایند ، برای آن که موفق بانجام این امر مهم گردیم باید سازمان خود را به صورتی که جوابگوی انتظارات مردم و لازمه ادامه کار يك موسسه عظیم تجاری است اصلاح نمائیم و سپس با در نظر گرفتن احتیاجات مردم محیط شایسته ای برای عرضه مایحتاج آنان بوجود آوریم و سعی کنیم عرضه مایحتاج با تقاضای مردم رابطه مستقیم داشته باشد.

باید راه حل هایی پیدا شود که وسیله آن بتوان احتیاجات ساکنین شهرها را مرغوب تر و ارزانتر تهیه کرد بمنظور نیل باین هدف اقداماتی در نظر است که از آنجمله شروع به

رسوبیگر و ته نشین شدن رسوب آن بکانالهای درجات پائین تر هدایت خواهد گردید .

طول کانال اصلی ساحل راست ۱۸۰ کیلومتر ، طول کانال ساحل چپ ۱۴۷ کیلومتر و طول کانال زهکشی حدود ۱۵۰ کیلومتر است هزینه ساختمان کانالها جمعا در حدود ۱۳۰ میلیون تومان برای مرحله اول و در مرحله دوم نیز همین حدود پیش بینی میشود. در پایان اضافه مینماید که علاوه بر تاسیسات یاد شده ایجاد سه سیفون در زیر بستر رودخانه های سیمینه رود لیلان چای و صوفی چای در مسیر کانالهای انحرافی در نظر گرفته شده است.

● فروشگاه فردوسی در نقاط لازم شهر فروشگاه های کوچک دایر میکند .

● کارکنان شرکت سهامی فروشگاه فردوسی باید خدمتگذار مصرف کننده باشند.

آقای ملك منصور معتمد افشار مدیرعامل جدید شرکت سهامی فروشگاه فردوسی طی مصاحبه ای اعلام داشت: مسئله ای که باید همیشه مورد نظر کارکنان شرکت سهامی فروشگاه فردوسی باشد این است که این فروشگاه و شعب آن برای تهیه مایحتاج مردم و برای مردم فعالیت میکند و در هر حال باید خدمتگذار مصرف کننده بوده و برای تامین

شبکه آبیاری

بموازات مطالعاتی که در جهت ایجاد سد صورت گرفت مطالعاتی نیز در زمینه احداث شبکه آبیاری دشت میاندوآب انجام پذیرفت بر اساس این مطالعات میزان ۸۵۰۰۰ هکتار از اراضی دشت در دو مرحله (مرحله اول ۵۰۰۰۰ هکتار - مرحله دوم ۳۵۰۰۰ هکتار) آبیاری خواهد گردید. برای تامین نظر فوق آب آزاد شده از سد ذخیره ای کوروش کبیر پس از طی ۷۰ کیلومتر در بستر رودخانه زربنه رود بدو کانال اصلی (بظرفیت حداکثر ۲۸ متر مکعب در ثانیه) که در طرفین سد انحرافی قرار دارند وارد شده و پس از گذشتن از حوضچه های

بقیه جنگ ترکمن

تفنگ گذاشت . مرا که می‌بینی پنجاه سال از عمرم گذشته است و یقین قطعی دارم که چون در کمال خوبی میدانم که بچه ترتیب و طریقه‌ای میتوان در ظرف سه ماه ریشه‌ترکمن را کند و رفع این بلا می‌برم را نمود و راه نان‌خواری این مفتخواران صاحب مقام و اعتبار را برید در گرسنگی و بی‌نام و نشانی بزیر خاک خواهم رفت و باز هم در میان همکارانمان بدانم و خانی و هیچ ندان بشمار خواهم رفت. خدا خانه این فرنگیها را خراب کند که مرا بدبخت و بدنام کردند. یک پیاله عرق بده ببینم....

آن شب بقدری عرق خوردیم که همانجا خوابمان برد و پاتیل شدیم و فردا عصر وقتی بیدار شدم دیدم رفیقم هنوز هم در پهلویم خواب است و چنان خفته است که گویی هرگز بیدار نخواهد شد . واقعا که عبدالله پسرعموی نازنینی است و امیدوارم که از برکت وجودش هنوز سال بسه آخر نرسیده بمقام یآوری برسم و از کجا که سرهنک نشوم . ان‌شاءالله . ان‌شاءالله . خداوند همه را بارزوی خود برساند آمین.

« پایان »

با تعجب حرفهایش را گوش میدادم و کم و بیش داشت دستگیرم میشد که میخواهد چه بگوید و بسا ریختن پیاله عرق دیگری در گلوگفتم رفیق ؛ خیال نکن چون مرد عوامی هستم و از دنیا بی‌خبرم داری یاسین بگوش خر میخوانی . هرکس بقدر همت خود خانه ساخته . من هم بسهم خود ازین نمک کلاهی بر سر داشته‌ام و بالکل ناشی و لر بی‌خبر نیستم . بگو ببینم عاقبت کارت چه‌شد.

او هم پیاله عرقش را سرکشید و گفت خوب دیگر ، خودت میتوانی حدس بزنی که هنوز هم نظر خوبی‌در حقم ندارند و مرا لایق سر و سرنمی‌دانند و هیچ امیدی ندارم که از این سمت و مقامی که دارم بالاتر بروم . باید همین یک لقمه نان سلطانی را تا آخر عمر بجوم و فرو بدهم و هضم بکنم (که گاهی قابل هضم هم نیست) و شکر خدا را بجا بیاورم که در گوشه زندان یا گور نخوایده‌ام . مگر تو خودت سرهنک و سرتیپهائی را نمیشناسی که سنشان از پانزده تجاوز نمیکند و سردارهایی که هیجده‌ساله‌اند و چه‌بسا جنگاوران ما که هنوز نمی‌دانند چگونه باید گلوله و فشنگ در

میتوانند برای صرف غذا و رفع خستگی از آن استفاده نمایند و ضمنا درمحل‌هایی که در طبقات مختلف فروشگاه در نظر گرفته شده ضمن خرید رفع خستگی نمایند .

ترتیبی داده شده که مردم بتوانند از کارگاههای شرکت دیدن کنند و طرز کار استادکاران و اصالت تهیه لوازم و کالاها و تهیه صنایع را که بعدا برای فروش در قسمتهای مختلف فروشگاه ارائه خواهد شد از نزدیک ملاحظه نمایند.

نماید و برای اجرای این امر که از هر نظر واجد اهمیت بوده و در اقتصاد کشور دارای اثر خاصی است اقداماتی در زمینه‌های مختلف شروع شده‌است.

شعب کوچک

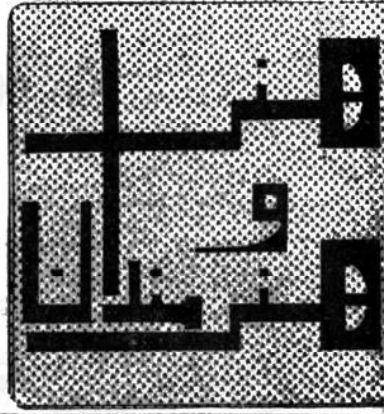
برای این که فروشگاه فردوسی بتواند بنحو بهتر و شایسته‌تری این وظیفه خود را بانجام برساند اقدامات اولیه را جهت ایجاد تعدادی شعب کوچک شروع نموده که بتدریج و با در نظر گرفتن احتیاجات محلی در نقاط مختلف تهران خصوصا در نقاطی که ساکنین آن بیشتر بخدمات این شرکت احتیاج داشته باشند تاسیس شعب مزبور افزایش خواهد یافت.

در دنباله تلاشهای گذشته از اقداماتی که در فروشگاه‌ها و شعب شرکت سهامی فروشگاه فردوسی تاکنون به عمل آمده شروع به بالا بردن استاندارد کالاها و اقدامات اصولی در جهت تهیه مایحتاج مردم به بهای ارزانتر و در نتیجه فروش آنها به اقل قیمت -نوسازی جایگاه‌میوه و تره‌بار میدان ونک و رعایت نظم و نظافت و راهنمایی مراجعین وسیله بلندگوهای نصب شده به طبقات و قسمت‌های مختلف و تعمیر و تجدید کار دستگاه های فنی و خدماتی فروشگاه‌ها و شعب میباشد .

بمناسبت فرا رسیدن تعطیلات تابستانی مدارس ، سینمای فروشگاه مرکزی مجددا شروع بکار کرده و با نمایش فیلمهای کودکان مراجعین می‌توانند کودکان و نوجوانان خود را هنگام خرید و بازدید از قسمت های مختلف فروشگاه برای استفاده ازنمایش فیلم به سینمای فروشگاه فرستاده و با آرامش و آسودگی خیال کالای مورد نیاز خود را خریداری نمایند .

رستوران

مدیرعامل فروشگاه فردوسی افزود : رستوران فروشگاه آماده پذیرائی از مشتریان بوده و مراجعین



دکامرون

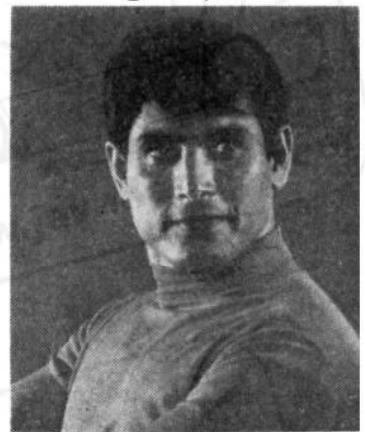


«دکامرون» عنوان يك اثر عظیم پر حادثه و غوغائی تازه از پی. پی. بازولینی فیلمساز بزرگ ایتالیائی است که وی آنرا با شرکت هنریشگانی چون سیلوانا مانگانو، فرانکو چیتی، نیتنه داوولی، گوئییدو آلبرتی کارگردانی کرده است. در این فیلم که تماماً در ناپل فیلمبرداری شده است خود بازولینی نیز نقش عمده‌ای را ایفاء میکند. تصویر سیلوانا مانگانو «مادونا» را در صحنه‌ای از فیلم نشان میدهد.

مرغ دریائی

ونسارد گریو - جمیس میسون -
سیمون سینیوره و دیوید وارنر -
هنریشگان اصلی فیلمی هستند بنام
مرغ دریائی که سیدنی لومت آن را
براساس داستانی بهمین اسم نوشته
چخوف کارگردانی کرده است.

فیلم آغاسی



از نعمت آغاسی خواننده برگزیده
مردم هم‌اکنون فیلمی آماده نمایش می-
باشد موسوم به «ایوالله» که توسط
منوچهر نوذری کارگردانی شده است.
هنریشگان دیگری که علاوه بر آغاسی
در این فیلم شرکت دارند عبارتند از:
لیلی - جمشید آریا - سیمین غفاری
فیروز و گروهی دیگر. ایوالله
بزودی بروی اکران خواهد آمد.

چند دقیقه تا مرگ

از يك اثر معروف کریستیان بوك
نویسنده آلمانی، نمایشنامه‌ای برای
تلویزیون آماده میشود بنام چند دقیقه
تا مرگ که هنریشگانی چون محمدعلی
کشاوری - اسمعیل سنگله و هاشمی در
آن شرکت دارند. این نمایشنامه که
توسط دکتر پرویز ممنون برای تلویزیون
تنظیم شده است بزودی از تلویزیون
پخش خواهد شد.

فصلی در جهنم

نلو ریزی فیلمساز ایتالیائی با
شرکت ترنس استامپ، ژان کلود بریالی
و فلوریندا بولکان فیلم فصلی در جهنم
را کارگردانی میکند. در این فیلم که
بر اساس ماجرای زندگی و روابط
عجیب آرتور رمبو شاعر معروف فرانسوی
و پل ورسن و اقامت آنها در آفریقا
بنا شده ترنس استامپ نقش رمبو را
ایفاء میکند.

بازگشت کتابیون

کتابیون پس از مدتی کناره‌گیری از سینما، بار دیگر فعالیت‌های هنری خود را با فیلم غلام ژاندارم آغاز کرد. غلام ژاندارم را امان‌منطقی کارگردانی میکند و امور فیلمبرداری آنرا کنی (برنده جایزه سپاس بهترین فیلمبردار سیاه و سفید سال) بعهده دارد. در این فیلم که توسط رضا شیبانی تهیه میشود ناصر ملک مطیعی و ایرج قادری نقش‌های اصلی را ایفاء میکنند.



جودی بوکر در برادر خورشید تازه‌ترین فیلم فرانکوزفیرلی اثری است بنام برادر خورشید، خواهر ماه که وی آن را براساس زندگی سن فرانسیس کارگردانی میکند. در این فیلم جودی بوکر یک‌دختر تازه سال انگلیسی به نقش یکی از خواهران مقدس سنت کلر و گراهام فالکنر در نقش سن فرانسیس ظاهر میشوند.

مغولها

پرویز کیمیای، کارگردان تحصیل کرده تلویزیون این روزها سرگرم ساختن يك فیلم دو ساعته بنام مغولها میباشد که گروهی از بازیگران تلویزیونی در آن شرکت دارند.

کلفت‌ها

کلفت‌ها در آس فیلم جلوی دوربین خواهد برد. هنرپیشگانی که نقش‌های عمده این اثر را بازی خواهند کرد عبارتند از: نصرت کریمی، فروزان، عزت انتظامی و عده‌ای دیگر.

نصرت کریمی کارگردان فیلم موفق درشکه‌چی، طبق قراردادی که با عباس همایون منعقد کرده است بعد از پایان فیلمی که برای استودیو میثاقیه میسازد، اثر جدیدی را بنام



مادلی

آلن دلون - میزی دارك و ستاره زیبای سیاه پوست جین داونپورت هنرپیشگان اصلی فیلمی هستند بنام مادلی که توسط روجر کانه فیلمساز جوان فرانسوی کارگردانی شده‌است.



نوری کسرائی



مایکل کین در فیلم کارتر

نوری کسرائی بعد از آفرین

نوری کسرائی نو ستاره زیبایی که با فیلمهای پنجره و قالیچه حضرت سلیمان بشهرت رسید، بخاطر ازدواج با جوان دلخواه خود برای همیشه از فعالیتهای هنری دست خواهد کشید و باین ترتیب بعد از آفرین، نوری کسرائی دومین ستاره‌ایست که دراوج شهرت و موفقیت خانه‌داری را به سینما ترجیح داده و از آن کناره‌گیری میکند.

تی وی شو

تی وی شو عنوان يك شو تازه تلویزیونی است که با نظارت کامل تلویزیون ملی تهیه میشود و شامل برنامه‌های لالبازی و لطیفه‌های نمایی است و پرداخت طنز آمیزی از برنامه‌های جیمز باند و غرب وحشی، فرشته مهبان و ارکستر هیپی‌ها که اختصاصاً برای این برنامه کار میکند از جمله همکاران شو جدید میباشند.

نیکلاس و آلکساندرا

فرانکلین، جی. شافر کارگردان فیلمی است بنام نیکلاس و آلکساندرا که سام اسپیکل آنرا برای کمپانی کلمبیا تهیه میکند. هنریشگانی که در این فیلم بازی میکنند عبارتند از: مایکل جیستون - جانت روزمن - جک هاکینز - کورت یورکینز - جان مک انری - لارنس اولیویر - مایکل ردگریو و چند تن دیگر.

بچه‌های میدون

فریده نصیری - منوچهر صادق پور - شهرزاد - رخشانی - دیانا و شیراندازی هنریشگان فیلم جدیدی هستند که جواد طاهری آنرا کارگردانی میکند. این فیلم که بچه‌های میدون نام دارد توسط خانی فیلمبرداری میشود.

کارتر

کارتر عنوان فیلم تازه‌ایست که مایکل کین هنریشه معروف انگلیسی نقش اول آنرا ایفا میکند. در این فیلم که مخلوط غریبی از خشونت و بیرحمی و سکش میباشد مایکل کین ایفاگر نقش مردی است بنام جک کارتر که برای یافتن قاتل برادر خود به بیرحمانه‌ترین شیوه‌ها متوسل میشود. در این فیلم که توسط مایک هاجز کارگردانی شده بریت اوکلند نقش مقابل کین را ایفاء میکند.

زن یکشنبه

مراحل تهیه فیلم کمدی انتقادی زن یکشنبه محصول جدید پارس فیلم پایان رسید. در این فیلم که توسط محمود کوشان کارگردانی و فیلمبرداری شده است پوری بنائی - تقی مختار - بهمن منفید و فرشته جنابی شرکت دارند.

سوز عشق

هرگز کسی به روز من ناتوان مباد
مانند من فسرده دلی در جهان مباد
بس رنج دیده‌ام زدل مهربان خویش
یارب دلی‌دگر بجهان مهربان مباد
گر شد خزان بهار من ازدوریت چه باک
ای گل ترا بهار جوانی خزان مباد
هر کس که می‌رود نهد از خود نشانه‌ای
از من بجز فسانه‌ی عشقت نشان مباد
سوزد اگر چو شمع، زبانم زسوز عشق
حرفی بغیر عشق، مرا بر زبان مباد
هر کس که ناله‌های دلم را شنید گفت:
مرغی شکسته‌بال و جدا ز آشیان مباد
خوش آشیانه‌یست برای وفا دلم
جز برق عشق، آفت این آشیان مباد

وداع جوانی!

جوانی حسرتا با من وداع جاودانی کرد
وداع جاودانی حسرتا با من جوانی کرد
بهارزندگانی طی شد و کرد آفت ایام
بمن کاری که با سرو و سمن بادخزانی کرد
شراب ارغوانی چاره‌ی رخسار زردم نیست
بنام سلی‌گردون که چهرم ارغوانی کرد
چه بود ارباب می‌گشتی بروز من توانائی
که خود دیدم چها با روزگرم ناتوانی کرد
جوانی کردن ای دل شیوه‌ی جانانه بود اما
جوانی هم‌پی‌جانان‌شدو با ما جوانی کرد
جوانان! در بهار عمریاداز «شهربار» آرید
که عمری در گلستان جوانی نغمه خوانی کرد

قائم‌مقام مدیر و مدیر داخلی
فرید امیرانی



صاحب امتیاز و مدیر مسئول
و سردبیر
علی‌اصغر امیرانی

هر هفته دوشماره روزهای شنبه و ۳شنبه منتشر میشود

شماره ۸۴ سالسی و یکم شماره مسلسل ۲۸۰۲

شماره ۱۵ تیرماه ۲۵۰۰ شاهنشاهی ایران (۱۳۵۰ شمسی)

بها . در سراسر کشور ۱۵ ریال

تهران : اول خیابان فردوسی - تلفن دفتر : ۲۹۲۳۶۰ - ۲۱۶۴۵۱ - تلگرافی : خواندنیها - تلکس ۲۷۶۲

چاپخانه ۴۱۷۷۶۰ - گراورسازی ۴۱۵۷۶۰



روغن ایرانول:
عساکرمیل شمارادوبرابر میکند

ده امتیاز جالب و بی نظیر در ماشینهای فتوکپی



- ۱ - ماشین فتوکپی تمام اتوماتیک S.C.M از سریعترین ماشینهای فتوکپی در جهان است و در هر دقیقه ۱۰ کپی میگیرد.
- ۲ - از بزرگترین اندازه کاغذ در بازار عکس میگیرد (۴۳×۲۸ سانتیمتر).
- ۳ - با تنظیم کلید مخصوص از سند دلخواه شما بطور اتوماتیک از یک تا ده کپی تهیه مینماید.
- ۴ - ماشین فتوکپی S.C.M قادر است که از هر نوشته و عکس و هر تونی رنگی و هر آنچه در روی کاغذ نقشه شده باشد کپی بردارد، (قلم خودکار - مدادرنگی مهرلاستیکی و غیره).
- ۵ - طرز کار آن بسیار سهل و آسان میباشد و احتیاجی به گرم شدن و تنظیم نوز ندارد. فقط با زدن یک سوئیچ کپی بطور اتوماتیک آماده و تحویل میشود.
- ۶ - اسناد محرمانه شما بهیچوجه بدست دیگران نخواهد رسید زیرا احتیاجی به نقایف ندارد.
- ۷ - ماشین فتوکپی S.C.M مدل ۷۸ دارای محفظه مخصوصی به گنجایش ۲۵۰ برگ کاغذ فتوکپی میباشد بنابراین احتمال اشتباه و خراب شدن کاغذ در بین نیست و احتیاج به قرار دادن تکه تکه اوراق فتوکپی در دستگاه نمیشود.
- ۸ - احتیاج به کابل کشی مخصوص از کنتور اصلی ندارد و کافی است دوشاخه آنرا به نزدیکترین پریز برق وصل نمائید تا ماشین آماده بهره برداری شود.
- ۹ - قیمت کاغذ فتوکپی S.C.M بقدری ارزان است که تفاوت قیمت آن در مدت کوتاهی قیمت خود ماشین را مستهلك مینماید.
- ۱۰ - ماشین فتوکپی S.C.M مدل ۷۸ دارای پایه گردانی میباشد که میتواند جهت ماشین را بوسیله آن تغییر داد.



نماینده کی ماشینهای SCM در ایران
شرکت سهامی تهران الکتریک
ساختمان آلومینیوم خیابان شاه
تلفن ۳-۶۶۱۵۳۱

78 COPIER